

# قضاوت با شما

وعده‌ها حاکم شوند یا ارزش‌ها؟



روح الله توحیدی نیا

مشارکت مردم در انتخابات یا نیامدن شان پای صندوق های رأی و همچنین رأی دادن یا رأی ندادن آنها به فرد اصلاح، همیشه یکی از دغدغه های نخبگان و عموم مردم انقلابی بوده است. اما چرا؟ تا چه زمانی این دغدغه وجود دارد؟ راه حل عبور از این دغدغه مهم چیست؟

کتاب حاضر نگاهی به پشت صحنه شکل گیری انتخابات دارد و نشان می دهد انتخابات یا باید ذیل ارزش ها تعریف شود و یا وعده ها. دشمنان و ایادی داخلی شان انتخابات را با صورتی وعده محور می طلبند. در این صورت خواهند توانست شورای نخبگان را زیر سوال برده، نامزدها را به سمت طرح وعده های فراتر از چارچوب سوق دهند و در نهایت، با هیجانی کردن فضای انتخابات، به مقصود خود دست یابند. اما فضای ارزش محور نه تنها از این امور جلوگیری می کند، بلکه فرصت طرح دستاوردهای انقلاب را نیز به وجود می آورد و مردم را برای شرکت در انتخابات و انتخاب فرد اصلاح مصمم تر از همیشه می کند.

کتاب هر چند اهداف بلندی را دنبال می کند اما گویا برای همین حالا نوشته شده است. چرا که در هنگامه شهادت شهید رئیسی، آن فرصتی که رهبر انقلاب فرمودند با شهادت ایشان بدست آمده، فرصت حاکم کردن ارزش ها است. چگونه از این فرصت در انتخابات استفاده کنیم و مردم را برای مشارکت و انتخاب اصلاح کمک کنیم؟ در کتاب حاضر خواهید خواند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# قضاوت با شما؛ وعده‌ها حاکم شوند یا ارزش‌ها؟

حجت‌الاسلام دکتر روح الله توحیدی نیا  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام

مکتب‌های و نهج‌درسیه



## قضاوت با شما؛ وعده ها حاکم شوند یا ارزش ها؟

---

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق  
نماینده: ولی فقیه در سپاه

---

برای بهره مندی بیشتر از کتاب و دریافت  
نمودارها، جداول، صوت و... می توانید به  
«[https://eitaa.com/k\\_entekhabat](https://eitaa.com/k_entekhabat)»  
مراجعه نمایید.

---

## فهرست مطالب

مقدمه..... ۸

فصل اول:

انتخابات؛ نگاهی بنیادین/ ۱۶

- گفتار ۱: نگرانی‌ها از میزان مشارکت یا روی کار آمدن اصلح..... ۱۸
- از تجربه‌های پیشین انتخابات و عبرت‌گیری، غفلت کرده‌ایم..... ۲۰
- مسئله اصلی: نسبت مردم‌سالاری دینی با فضای انتخابات است..... ۲۲
- گفتار ۲: اختلال در فضای انتخابات و منشأ آن در فرهنگ غرب..... ۲۶
- مردم‌سالاری دینی چه نسبتی با اندیشه‌های رقیب دارد؟..... ۲۶
- میزان تأثیر الگوهای سیاسی بر برگزاری انتخابات..... ۲۸
- نفوذ آفت‌های نگرش غربی در انتخابات ایران..... ۳۰
- گفتار ۳: وعده‌محوری؛ چیستی و نشانه‌ها..... ۳۵
- چگونه انسان، معرفت و فرهنگ از حقیقت تهی می‌شود؟..... ۳۵
- چگونه نگرش غربی بر فضای سیاسی کشور سایه انداخته است؟..... ۳۹
- وقتی «وعده‌ها» در فضای انتخاباتی کشور حاکم می‌شوند..... ۴۱
- گفتار ۴: ارزش‌محوری؛ چیستی و نشانه‌ها..... ۴۵
- ارزش‌محوری در فضای انتخابات..... ۴۶



۴۸ .....اضلاع ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران.....

فصل دوم

انتخابات؛ نگاهی به میدان عمل / ۵۴

۵۶ .....گفتار ۱: آسیب‌های وعده‌محوری؛ تحریف و تخریب ارکان نظام.....

۵۶ .....وعده‌محوری و میدان دادن به تحریف حقایق.....

۵۹ .....وعده‌محوری و میدان‌دادن به تخریب.....

۶۴ .....گفتار ۲: آسیب‌های وعده‌محوری؛ اختلال در تصمیم‌گیری.....

۶۴ .....وعده‌محوری و نسبت آن با فضای هیجانی.....

۶۷ .....کارکرد هیجان در حاکمیت وعده‌ها و ارزش‌ها.....

۷۲ .....گفتار ۳: ارزش‌محوری و حل‌گره مشارکت و انتخاب اصلح.....

۷۲ .....ارزش‌محوری و آوازه دستاوردها.....

۷۵ .....ارزش‌محوری و نقش اراده الهی در تحقق امور.....

۷۸ .....ارزش‌ها، تضمینی برای تحقق وعده‌ها.....

۸۰ .....تحقق مطالبات اصلی مردم در گرو حاکم شدن ارزش‌ها است.....

۸۱ .....ارزش‌ها و اطمینان از کارگزاران اصلح.....

۸۴ .....گفتار ۴: تاریخ انتخابات و فرصت کنونی حاکمیت ارزش‌ها.....

۸۵ .....مقابله با نگرش‌های سکولار و لیبرال.....

۹۰ .....حاکمیت وعده‌های اقتصادی و اجتماعی بر فضای ایران.....

۹۱ .....عروج شهید رئیسی و فرصت حاکمیت ارزش‌ها.....

فصل سوم

مشارکت و انتخاب اصلح؛ چرا و چگونه؟ / ۹۶

## قضاوت با شما؛ وعده‌ها حاکم شوند یا ارزش‌ها؟

- گفتار ۱: چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟..... ۱۰۱
- تأکید بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و وعده‌ها، بازی در زمین دشمن است..... ۱۰۱
- تنفس در فضای وعده‌محوری، مهم‌ترین دلیل عدم مشارکت..... ۱۰۳
- پرشانی و نقصان در پاسخ به طرفداران عدم مشارکت..... ۱۰۵
- تصویر روشن از ارزش‌های انقلاب اسلامی..... ۱۰۷
- گفتار ۲: به چه کسی رأی دهیم؟..... ۱۱۰
- راهکار ۱. شناسایی نامزدها با تأکید بر شخصیت‌های تجربه شده و معیار..... ۱۱۳
- راهکار ۲. نوع مواجهه با موضوعات در دو سطح ارزش‌محوری و وعده‌محوری..... ۱۱۹
۱. نوع مواجهه با مشکلات از قبیل تورم، فاصله طبقاتی و..... ۱۲۰
۲. نوع مواجهه با اقشار گوناگون مردم..... ۱۲۱
۳. نشانه‌های تحركات ارزش‌محور نامزدها و حامیان شان و تحركات وعده‌محور..... ۱۲۲
- پیوست ۱. جمع‌بندی نموداری (قابل ارائه به صورت سخنرانی و قالب‌های مشابه)..... ۱۲۲
- پیوست ۲: بهره‌مندی از محتوای کتابچه در ارتباط چهره به چهره..... ۱۲۷
- پیوست ۳: مواجهه رسانه‌ای با الگوی «حاکمیت ارزش‌ها یا وعده‌ها»..... ۱۲۸
- کتابنامه..... ۱۳۲





## مقدمه

از مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوعات و رخداد‌های کشور که با مدد «جهاد تبیین» به سرمنزل مقصود رسیده و سبب دورماندن ملت ایران و به‌ویژه نخبگان از جنگ روانی دشمنان می‌گردد، «انتخابات» است. در فضای انتخابات، تردیدها و دودلی‌ها افزایش می‌یابد. در جمع مردم و یا نخبگان، بگو‌مگوها بیشتر شده و در بیشتر موارد گریهی وجود دارد که عموم از گشودن آن، ناتوان یا کم‌توان هستند و بنابراین زمینه برای نفوذ و تأثیرگذاری دشمنان و لیادای داخلی‌شان، فراهم می‌شود؛ و اینجا میدان اصلی جهاد تبیین است. از این رو است که رهبر معظم انقلاب، همواره در اثنای برگزاری انتخابات‌ها، خود نیز در کنار راهبری امور، به‌شکل جدی به میدان آمده و به تبیین موضوعات مطرح در فضای جامعه، اهداف مشخص دشمن، وظایف مسئولین و دست‌اندرکاران، چند و چون عملکرد نامزدها، ملاک‌ها و شاخصه‌های انتخاب اصلح و... می‌پردازند.

اما امروز، با آنکه مسیر و حرکت انقلاب، با رهبری الهی امام راحل و مقام معظم رهبری، هرگز دچار تزلزل و رخوت نشده‌است، نمی‌توان انکار کرد که زمینه‌های نفوذ دشمن در عرصه انتخابات به‌طور کامل از بین رفته است؛ به‌عکس تحرکات دشمنان نشان از تداوم امید واهی‌شان در ضربه‌زدن به ملت و نظام از این طریق دارد.

نفس اینکه فضای انتخابات، گاه برای معاندین نظام و یا فرصت طلبان و غفلت زدگان در داخل کشور، به منزله فرصت تلقی می شود، نشان می دهد که فرمایش امیر مؤمنان باید با دقت در ارتباط با فرهنگ حاکم بر انتخابات مورد توجه قرار گیرد؛ آنجا که فرمودند: «اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمی تواند زبان علیه حق باز کند و اگر باطل نیز خود را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت.»<sup>۱</sup>

کتاب پیش رو، مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری، که «شرکت در انتخابات را به معنی رأی به ارزش های انقلاب اسلامی می دانند»، تدوین شده است. درک این موضوع می تواند مؤلفه های «مردم سالاری دینی» را در مظهر آن، یعنی انتخابات، محقق سازد؛ همچنین، از آفت ها و آسیب های این رویداد بزرگ و مؤثر، جلوگیری کرده و «مشارکت حداکثری مردم» و «انتخاب فرد اصلح» را تا حد بالایی تضمین نماید. هر یک از نخبگان، مسئولین و عموم مردم با وجود چنین نگرشی، می توانند به تحقق «ارزش محوری» در فضای انتخابات و به زیرکشیدن «وعده محوری» حاکم، که ریشه در فرهنگ انتخاباتی غرب دارد، کمک شایانی کنند. به ویژه در شرایط کنونی و با شهادت شهید خدمت، حجت الاسلام والمسلمین دکتر رئیسی، که باز هم رهبری معظم انقلاب او را مظهر ارزش ها خواندند، امکان بیشتری برای درک اهمیت این موضوع و جاری شدن این فرهنگ در جامعه وجود دارد.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، قم، مشهور، ۱۳۷۹، خطبه ۵۰.

بنابراین موضوع اصلی نوشته پیش‌رو، دوگانه انتخابات «وعده‌محور» و «ارزش‌محور» است. اینکه هر یک از این دو در چه فضایی شکل می‌گیرد و چه تأثیری بر میزان مشارکت مردم در انتخابات و انتخاب فرد مورد نظرشان دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کلید حل بخش مهمی از آفت‌ها و آسیب‌های انتخابات در کشور، ایجاد گفت‌وگو و دیدگاهی فراگیر بر اساس این دوگانه است. ساختار نوشته حاضر با عنایت به جوانب گوناگونی چون روش، فواید و کارآمدی مباحث، در سه فصل ارائه شده است. از یک سو، ایده مطرح شده در کتاب حاضر، ریشه در الگوی مردم‌سالاری دینی و مقایسه آن با الگوهای رقیب حاکمیت مردم دارد. پس از طرح مشکل و تبیین مسئله، در گفتار نخست این فصل، در گفتار دوم به چستی دموکراسی غربی و تأثیر آن بر فضای انتخابات ایران پرداخته می‌شود؛ و گفتار سوم و چهارم اختصاص به تبیین مقصود از دوگانه ارزش‌محوری و وعده‌محوری و نسبت آن با مبانی غربی و اسلامی خواهد داشت.

فصل دوم اما ناظر به فضای انتخابات و تأثیر دو فضای ارزش‌محور و وعده‌محور بر انتخابات است. در این فصل نگارنده به دیدگاه امامین انقلاب، ناظر به اهمیت و سازوکار مدیریت فضای انتخابات و جلوگیری از آفت‌های احتمالی آن نظر دارد. برای نمونه نشان داده خواهد شد که وعده‌محوری چگونه با زمینه‌چینی برای تخریب‌ها و تحریف‌ها، اعتماد مردم را مورد خدشه قرار داده و سطح مشارکت را پایین می‌آورد و چگونه با کمک به فضای هیجانی،



قدرت تصمیم‌گیری را از مردم می‌گیرد. در مقابل، نشان داده می‌شود که چگونه در وضعیت حاکم بودن ارزش‌ها، هم اعتماد مردم، افزایش یافته و مشارکت لازم محقق می‌شود و هم وعده‌ها با بر خورداری از ضمانت اجرا، منجر به بالارفتن دقت شرکت‌کنندگان در انتخاب اصلح می‌شود. فصل سوم اما ورودی مصداقی‌تر و ناظر به مسئله روز کشور یعنی مشارکت و انتخاب اصلح است. در این فصل تلاش می‌شود از طریق نمودارها و جداول ارائه شده، توضیح داده شود که چگونه از طریق ایده ارائه شده در دو فصل پیشین، می‌توان جامعه را به سوی مشارکت و انتخاب اصلح هدایت کرد. اشاره شد که نوشته پیش‌رو هدفی کوتاه‌مدت و بلندمدت را دنبال می‌کند. هدف کوتاه‌مدت، استفاده از فضای موجود کشور به دنبال عروج شهادت‌گونه رئیس‌جمهور مخلص و خدمتگزار است. فرصتی که برای ملت ایران و تمامی نهادها و شخصیت‌ها برای تحول فکری در فرهنگ انتخاباتی به‌وجود آمده، باید مورد استفاده قرار گیرد. هدف بلندمدت، زمینه‌چینی برای سخن به میان آوردن از تغییر در برخی سازوکارهای انتخابات و فضای انتخاباتی با روشن شدن فاصله کنونی انتخابات با صورت مطلوب آن است. نگارنده معتقد است اگر معنای حقیقی برکات شهادت شهید رئیسی را می‌طلبیم باید به این نکته مهم و اساسی توجه شود که پس از او و با رخ نمودن جلوه‌های حقیقی و اصلی شخصیت و اقدامات او، بر هر انسان منصف و حقیقت‌بین روشن گشته که او یکی از نمادهای ارزش‌محوری در تمامی حرکات و سکناتش بوده است. و

اکنون، این فرصت بیش از هر زمان دیگری به وجود آمده تا گفتمانی که عامل اصلی و مؤثر در مشارکت سیاسی و انتخاب‌های مردم را وعده‌ها و شعارها قرار می‌دهد و با تکیه بر هیجانات مردم، هم مشارکت و هم انتخاب اصلح را با چالش جدی رو به رو می‌کند، کنار زده شود. فرصت است تا با اتکا به استدلال و تجربه چند دهه ساله ایران اسلامی در برگزاری انتخابات و همچنین اشاره به ابعاد شخصیت شهید خدمتگزار، درک شود که تحقق «برنامه‌ها و راه‌حل‌ها و وعده‌ها»، به‌ویژه در ساختار نظام اسلامی، قطعاً مشروط به تعریف شدن در ضمن ارزش‌ها و با مدیریت فردی ارزش‌محور، می‌تواند به تحرک و پیشرفت ایران اسلامی منجر شود.

اما هدف بلندمدت را نیز نباید از چشم دور داشت. فضای چنددهه گذشته مشارکت سیاسی و مهم‌ترین صحنه بروز و ظهور آن یعنی «انتخابات»، که چند و چون آن در تعیین سرنوشت کشور و بلکه منطقه و جهان اسلام بسیار مؤثر است، فضای غلبه «وعده‌محوری» است و نشانه‌های آن در این نوشته بیان خواهد شد. تجربه‌ها گویا است که دشمن و ایادی داخلی آن‌ها از چنین فضایی که قدرت مانور و نفوذ و تأثیر آنان بر فضای کشور را افزایش می‌دهد، بسیار راضی و خشنودند؛ و در داخل کشور نیز، خواسته یا ناخواسته ارکان و ابعاد و عناصر شکل‌گیری فضای انتخابات در همین مسیر و جهت فعال بوده و هست. تغییر این وضعیت، عزم و برنامه‌ریزی و اقدام در تغییر سازوکار برگزاری انتخابات را می‌طلبد. وزارت کشور، شورای نگهبان، قوه قضائیه، صدا و سیما و تمامی

دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات موظفند زمینه‌های لازم برای حاکم‌کردن «ارزش‌محوری» بر «وعده‌محوری» را در فضای انتخابات از طریق ابزارهای قانونی به‌وجودآورند.

در این بین، رسانه‌ها نقش مهمی دارند. با تفسیری که از چیستی و جایگاه «وعده‌ها» در نوشته حاضر شده است، جای تردید نمی‌ماند که رقابت بر سر وعده‌ها، الگویی است که از فضای مشارکت سیاسی غرب سردرآورده است. به همین جهت، رسانه‌های خارجی نیز از این منظر و با اطلاع و تسلطی که از ابعاد این الگو دارند، امید واهی دارند تا مشارکت مردم را تحت الشعاع قرار دهند و در مواردی آنان را به سوی حمایت از یک نامزد یا نفی نامزد دیگر سوق دهند. امروزه، نفوذ نگرش وعده‌محوری به رسانه‌های داخلی نیز، کاملاً محسوس است. اگر اهمیت رویارویی نظام و فرهنگ «ارزش‌ها» و «وعده‌ها» در نوشته حاضر درک شود، حتی می‌توان بسیاری اقدامات رسانه‌هایی چون صداوسیما را در ارتباط با نامزدها و مردم در صحنه و فضای حاکمیت «وعده‌ها» تفسیر نمود. این تنها نمونه‌ای از وجود خلأ در یکی از عوامل مؤثر در فضای انتخابات بود. سخن اصلی این است که به‌نظر الگوی مطلوب و آرمانی برای تحقق فضایی متناسب با «مردم‌سالاری دینی» در فضای انتخاباتی کشور جاری نیست و می‌توان گفت، وضعیت کنونی انتخابات با آرمان‌های جمهوری اسلامی و هدفی که مردم‌سالاری دینی دنبال می‌کند، همخوان نیست. کتاب حاضر البته زمینه را برای نگاه دقیق‌تر به این موضوع به‌وجود آورده و با این حال، تأکید دارد که از

فرصت کنونی می‌توان برای حاکم کردن فرهنگ ارزش‌محوری بر وعده‌محوری، بهره برد.

در پایان بر چند نکته تأکید می‌شود:

۱. مخاطب نوشته حاضر، نخبگان، به معنی افراد و شخصیت‌هایی که نظر و گفتارشان بر روی دیگران مؤثر است، و همچنین، مسئولین و تصمیم‌گیران در تنظیم سازوکار و مدیریت فضای انتخابات، هستند. هرچند عموم نیز می‌توانند از کتاب استفاده کنند؛

۲. هدف اصلی نوشته حاضر، تحوّل در افکار، به عنوان راهبرد اصلی جهاد تبیین است؛ و تحوّل فکری، نیازمند صبر و حوصله و تأمل جدی است. از این‌رو، انتظار می‌رود خوانندگان محترم با چنین دیدی به مطالعه کتاب حاضر بپردازد؛

۳. با این حال تلاش شده است تا مطالب روان باشد. همچنین مطالب مهم متن، در کادرهای اصلی — که البته چپستی و چرایی پیام آن باید در محتوای پیشین یا پسین دنبال شود — در سراسر نوشته، استفاده شده است؛

۴. شایان ذکر است که تنها در صورت تأمل و تدبیر لازم در فصل اول و دوم، از پیوست‌های متعدد فصل سوم (که در راستای جهاد تبیین و مشخصاً دو پرسش «چرا در انتخابات مشارکت کنیم» و «به چه کسی رأی دهیم»، تنظیم شده است)، می‌توان به خوبی بهره گرفت؛

۵. با همه توضیحات، بار دیگر تأکید می‌شود که طرح دوگانه



ارزش محوری و وعده محوری، حاکم شدن ارزش‌ها بر وعده‌ها را و نه بی‌توجهی به وعده‌ها یا برنامه‌های اقتصادی اجتماعی و... را دنبال می‌کند. با حاکمیت ارزش‌ها است که برنامه‌های جامع و مدیریت حرفه‌ای، به ارتقاء و پیشرفت کشور می‌انجامد.

در پایان، از مجموعه اساتید، همکاران، دوستان ارجمند، و نخبگان فکری و فرهنگی که مخلصانه و متواضعانه و در مدتی بسیار کوتاه، در جهت ارتقاء محتوا، ساده‌سازی و کاربردی شدن پژوهش، فراهم آمدن زمینه نشر آن و همچنین، توزیع گسترده کتاب حاضر، به میدان آمده و خوش درخشیدند، به سهم اندک خویش تشکر می‌کنم.

روح الله توحیدی نیا

خرداد ۱۴۰۳

## فصل اول

انتخابات؛ نگاهی بنیادین



## گفتار ۱

# نگرانی‌ها از میزان مشارکت یا روی کارآمدن اصلح

در این گفتار با واکاوی یک مشکل، به یک مسئله علمی و روش حل آن دست می‌یابیم.

«انتخابات» در کشور ایران، مایه افتخار و آبرو برای نظام اسلامی در سطح دنیا است و به دلیل تأثیر و نقش مستقیم بر حرکت کشور، جایگاه بسیار رفیعی در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران دارد.

مردم با حضور گسترده خویش در انتخابات، درعین‌آنکه اصل نظام اسلامی را تأیید کرده و دشمنان را از خود ناامید می‌سازند، از این حق برخوردار می‌شوند تا فردی که توان لازم برای خدمتگزاری هرچه بهتر به آنان را دارد، به دستان خویش انتخاب کنند. هرچند قانون اساسی، رهبری را بالاترین مقام رسمی کشور و مسئول تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن معرفی کرده است، اما منتخب مردم در ایجاد و سازماندهی بدنه اصلی اجرایی کشور و تعیین چگونگی حرکت ایران اسلامی، نقش حیاتی دارد.

باین‌حال، کمتر به این مشکل پرداخته می‌شود که جامعه



از چه ویژگی‌ها برخوردار است که در ادوار گوناگون، نمی‌توان از میزان مشارکت پیش‌بینی مشخصی داشت و یا جامعه چه خصوصیتی دارد که به نامزدهایی از جریانات با سلائق متفاوت و متضاد، اقبال نشان می‌دهد؟

چگونه است که برخی نامزدها و حامیان‌شان، شعار قانون سر می‌دهند اما در عمل، صریحاً برخلاف قانون عمل می‌کنند؟ یا نام امام راحل یا مقام معظم رهبری را به زبان می‌آورند اما به‌سمتی گرایش داشته و حرکت می‌کنند که تنها نامی از آرمان‌ها باقی می‌ماند؟ مشکل چیست که همواره این احتمال می‌رود تا صحنه انتخابات که می‌تواند نمادی برای شکوه ملت ایران با روی دست گرفتن مردم‌سالاری دینی باشد، گاه باظهور آفت‌ها و آسیب‌هایی، تبدیل به مانعی در مسیر حرکت صحیح و پرشتاب ملت ایران می‌شود؛ امری که بر کسی مخفی نیست و مصادیق واضح و روشنی در طول چند دهه عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارد.

این مشکل، به نوعی مورد توجه مقام معظم رهبری نیز بوده است. ایشان در برخی موارد به شکل صریح به آفت‌های فضای انتخابات و هزینه‌هایی که به کشور متحمل می‌کند، اشاره کرده‌اند<sup>۱</sup> و گاه به‌طور غیر مستقیم اقدامات نامناسب در فضای انتخاباتی را از موضوعات مهم و قابل تأمل برشمرده‌اند. چنان‌که در ضمن سخن به میان آمدن از ضرورت پرهیز از انتخاباتی کردن زود هنگام فضای کشور، فرمودند: «فضای

۱. انتخاب صالحان: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای K درباره انتخابات، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۳۱۰-۳۳۵.

انتخاباتی، انسان را از حقایق جامعه و نیازهای حقیقی جامعه غافل می‌کند»؛<sup>۱</sup> یا در جای دیگر، فضای انتخاباتی را بیشتر به فضای جنجال فکری تا مباحثات صحیح توصیف و نقد کرده‌اند و بیش از اندازه فضا و رسانه به آن اختصاص دادن را، نادرست و همراه با عواقبی برای کشور دانسته‌اند.<sup>۲</sup> همچنین، تا حدی بر این فضا و آفات آن نقد دارند که حتی از تعبیر لزوم ترمیم زخم‌های دوران انتخابات پس از اتمام رأی‌گیری استفاده کرده‌اند.<sup>۳</sup> در همین جهت، این پرسش در طول سالیان گذشته بارها و بارها در محافل سیاسی دغدغه‌مندان جبهه انقلاب مطرح شده است که چگونه می‌توان از شیرینی و حلاوت انتخابات به نفع نظام و مردم، اطمینان یافت؟

از تجربه‌های پیشین انتخابات و عبرت‌گیری، غفلت کرده‌ایم.

با آنکه ضرورت دارد تا نخبگان و فرهیختگان با مرور تجربه چند دهه گذشته، به چستی و چگونگی امکان خارج شدن انتخابات از مسیر اصلی‌اش پاسخ دهند، عوامل گوناگون از جمله فضای رقابت جریانات فکری و سیاسی، مشغول شدن عناصر فکری به مسائل جانبی و فاصله میان فکر و نهادهای تصمیم‌گیر، مانع از چنین امری شده است.

چه کسی بنا است تجربه انتخابات را بررسی و عبرت‌ها را به

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۴۴.

۳. همان، ص ۳۴۵.

تصویر کشد؟ در پاسخ به این پرسش که تأمل و تصمیم‌گیری درباره سیاست‌ها و برنامه‌های انتخاباتی در چه زمانی و توسط چه کسانی صورت می‌گیرد، باید گفت در یک نگاه کلی، برنامه‌ریزی و اقدام یا پیش از بازه زمانی برگزاری فرایند انتخابات صورت می‌گیرد و یا در حین این فرایند. با نزدیک شدن به فصل انتخابات، جریان‌های سیاسی و احزاب یا نامزدها و هواداران آنها، در هر سطحی — از متفکران‌شان تا افشار گوناگون —، بیش از هر امر دیگر مشغول به امور انتخاباتی و درصدد پیروزی در رقابت با دیگر جریان‌ها و افراد هستند. با برگزاری انتخابات، آنان یا به عنوان منتخب، به‌طور رسمی اداره امور کشور را به‌عهده می‌گیرند و یا با عدم رغبت اکثریت مردم به خود، این امکان را از دست می‌دهند؛ در این صورت نیز، تلاش‌ها صرف دنبال کردن اهداف فکری از مسیرهای غیررسمی محدود، نقد جریان حاکم و تأمل درباره چگونگی به‌دست آوردن رأی مردم در انتخابات بعدی، می‌شود. بنابراین، تجربه نشان داده است که در عمل این دسته توجه کمتری به خود انتخابات و جایگاه آن داشته و دارند.

اما در صحنه فکر و نظر، محققان چگونه به امر انتخابات می‌پردازند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، سطحی از محققان به ثبت و توصیف انتخابات‌های پیشین و یا چندوچون حضور احزاب، نامزدها و مردم در انتخابات می‌پردازند و بخشی دیگر از محققان، نگاهی تحلیلی به واقعیت‌های انتخابات دارند و به موضوعاتی چون مردم‌سالاری دینی و نقش آن در نظام سیاسی اسلام، اهمیت

مشارکت در انتخابات در چشم کشورها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، متغیرهای تأثیرگذار در سطوح خرد و کلان بر پیروزی یا شکست انتخاباتی، قوانین و مقررات انتخابات و موضوعاتی از این دست می‌پردازند. سطح سوم، محققانی هستند که به انتخابات و موضوعات مرتبط با آن از منظر فقهی پرداخته‌اند؛<sup>۱</sup> که در این موارد نیز سازوکارهای فضای انتخابات مورد توجه لازم قرار نگرفته است. به‌علاوه یکی از مشکلات جدی که دغدغه‌مندان بارها بر آن تأکید کرده‌اند، دیواری است که میان عرصه فکر و تحقیق و عرصه عمل و تصمیم‌گیری درباره فضای انتخابات وجود دارد.

البته هنگامی که به غفلت از آفت‌ها و آسیب‌های انتخابات اشاره می‌شود، نمی‌توان از عاملی دیگر، یعنی کم‌توجهی محققان در شناخت سازوکارهای سیاسی الگو گرفته از غرب در عموم حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از جمله مشارکت مردم، یاد نکرد.

### مسئله اصلی: نسبت مردم‌سالاری دینی با فضای انتخابات است

مسئله اصلی که باید در خصوص انتخابات روی میز قرار گیرد چیست؟ لنتخابات، بنا است مظهر مردم‌سالاری دینی باشد و باید دید آیا به‌واقع سازوکارهای انتخاباتی و فضای کنونی، با این اندیشه

۱. برای نمونه، ر.ک. سیدسجاد ایزدهی، *مشارکت سیاسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶؛ روح‌الله شریعتی، *انتخابات از نگاه فقه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.

سازگاری دارد؟

در نظام ما، همچون دیگر نظام‌های سیاسی، الگویی برای بهره‌مندی از آراء مردم به‌کار گرفته شده است. مردم‌سالاری دینی، که ریشه در فرهنگ اسلامی و تأیید ائمه معصومان<sup>□</sup> در عصر حضور دارد،<sup>۱</sup> پایه‌های انتخابات در ایران اسلامی را بنا نهاده و از ارکانی برخوردار است.

نخستین رکن، جایگاه خداوند و نسبت حکمت و تدبیر او با اراده انسان‌ها و جوامع است. خداوند منشأ اصلی قدرت و بنابراین قانونگذاری است و انسان، موجودی آزاد و مسئولیت‌پذیر است که با اختیار خود حرکت به‌سوی کمال یا ضد کمال را انتخاب می‌کند. بنابراین، اساس و مشروعیت حکومت، ریشه الهی دارد، اما آرای مردم نیز نقش مهمی در اداره حکومت ایفا می‌کند. در این صورت نقش انسان در سرنوشتش و رضایت او از حکومت، در چهارچوب حاکمیت الهی تعریف می‌شود و مسئولیت فرد انتخاب‌شده ناشی از اعتقاد به معاد و در راستای سعادت انسان تعریف خواهد شد.

رکن دیگر مردم‌سالاری دینی، برابری همه انسان‌ها — به عنوان شهروند — در رأی و نظرشان نسبت به حکومت است؛ در عین حال، رهبر امت اسلامی به دلیل جایگاه و مسئولیتی که در پیشگاه خداوند

۱. برای نمونه، ر. ک. نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۳۵۳؛ همچنین، ر. ک. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۳۱۱ - ۳۱۳؛ داود رنجبران، بیعت و مشارکت سیاسی در اسلام، قم، معارف، ۱۴۰۰.

متعال و مردم دارد، به این رأی و نظر و جاهت می‌بخشد. در این اندیشه هر ساختاری که در آن عدالت، قربانی منافع شخصی و جمعی شود، جایی ندارد.<sup>۱</sup>

رکن دیگر مردم‌سالاری دینی، در ارتباط با جایگاه و تأثیر قانون متجلی می‌گردد. مردم در تعیین مجموعه‌ای از اصول و قواعد، چهارچوب مشخصی برای سامان‌دادن به روابط قدرت در حکومت مشخص می‌کنند اما فرض بر این است که قوانین مخالفتی با قوانین الهی نداشته باشد. برای مثال انسان در محدوده قوانین از آزادی برخوردار است اما آن آزادی که مردم اقدامات خود را در محدوده اطاعت از خداوند متعال و به شکل مسئولانه تعریف کنند.

با توضیحی که از جایگاه خداوند و مردم و قوانین در نظام اسلامی گذشت، بار دیگر باید پرسید که چه نسبت و رابطه‌ای میان انتخابات و فضای حاکم بر آن با مردم‌سالاری دینی وجود دارد؟<sup>۲</sup> آیا در مشارکت سیاسی و انتخابات‌ها، نگرش الهی حاکم است؟ آیا در زندگی سیاسی مردم، روح شریعت حاکم است؟ آیا مؤلفه‌های

---

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، □، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۵۰۹؛ محمدتقی مصباح یزدی و محمدجواد نوروزی، مردم‌سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، □، ۱۳۸۹، ص ۵۹-۶۰.

۲. شایان ذکر است که در برخی تحقیقات به اصل اهمیت و برخی ابعاد نسبت دین و رفتارهای انتخاباتی اشاره شده، اما نه از مسیر، روش و با هدف نوشته حاضر، برای نمونه از جمله این تحقیقات، ر.ک. موریس باریه، دین و سیاست در اندیشه مدرن، تهران، قصیده‌سرا، ۱۳۸۴.

مردم‌سالاری دینی<sup>۱</sup> چون عدالت‌گرایی و هدایت‌گری در انتخابات ظهور و بروز پیدا می‌کند؟ این پرسش‌ها می‌تواند با تبیینی که از مشکل و نگرانی از مشارکت و انتخاب اصلح مطرح شد، ما را به سوی مسئله‌ای دیگر رهنمود سازد؟ فضا و فرهنگ انتخابات در کشور ما تحت حاکمیت چه امری است که در برخی موارد و از برخی جهات، صورتی غیرقابل کنترل پیدا می‌کند؟

باید تأکید کرد که بر مبنای گام دوم انقلاب اسلامی، طرح چنین پرسش‌هایی نه از سر انفعال و تجدیدنظرپذیری در اصول، بلکه از سر ناگواری وضعیت کنونی برای وجدان‌های آرمان‌خواه و برخورداران انقلاب اسلامی از انعطاف برای تصحیح خطاهای خویش در کنار حساسیت به نسبت به مرزبندی‌ها با رقیبان و دشمنان است؛ امری که مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب است.<sup>۲</sup>

---

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. بهرام دلیر، *الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۹.

۲. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای *K* در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/> .message-content?id=41673

## گفتار ۲

### اختلال در فضای انتخابات و منشأ آن در فرهنگ غرب

اشاره شد که انقلاب اسلامی ایران درصدد عرضه الگویی از نظام سیاسی با عنوان مردمسالاری دینی بوده و هست و از این جهت، باور جدی به برگزاری انتخابات و رأی مردم دارد. این موضوع با فهم نسبت این الگو با دیگر صورت‌های رقیب، بهتر نمایان می‌شود.

#### مردمسالاری دینی چه نسبتی با اندیشه‌های رقیب دارد؟

انقلاب اسلامی ایران در مورد به میدان آمدن مردم و ایفای نقش آن‌ها در اداره کشور، الگوی مردمسالاری دینی را روی دست گرفته است؛ الگویی که با جمع ولایت خداوند متعال بر همگان و نقش آرای اکثریت مردم،<sup>۱</sup> خود را از صورت‌های دیگر دموکراسی (به معنی حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در امور همگانی جامعه)، جدا می‌کند.

مردمسالاری دینی از یک سو الگویی رقیب برای اندیشه حاکم بر

---

۱. برای نمونه، ر.ک. مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل امور مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۸۰.



نظام سیاسی عمده کشورهای غربی یعنی لیبرال دموکراسی است.<sup>۱</sup> شکلی از دموکراسی غیرمستقیم یا دموکراسی بر اساس نمایندگی که اعتقاد به حقوق طبیعی و مدنی انسان و برابری حقوقی، سیاسی و قضایی همه شهروندان، دارد.<sup>۲</sup> یک تفاوت اساسی این است که در مردم‌سالاری دینی، مردم نقش اساسی در قوانین و سازوکارهای نظام دارند، اما این نقش به عنوان یک روش برای تحقق ارزش‌های الهی در عرصه زندگی سیاسی — اجتماعی تعریف می‌شود؛ در حالی که در الگوی رقیب، اساس مشروعیت و همچنین اهداف و تمامی جوانب ساخت نظام سیاسی مبتنی بر خواست شهروندان معنی پیدا می‌کند.<sup>۳</sup> مردم‌سالاری دینی مرزهای روشنی نیز با دو الگوی دیگر نظام دینی رادیکال و سکولار دارد. در نظام دینی رادیکال، نگاهی نوگرایانه به دین وجود ندارد، اما مرجعیت دین، هم در محتوا و هم در ساختار دخالت دارد؛ الگویی که تا حدی در کشور عربستان دنبال می‌شود. مردم‌سالاری دینی اما مبتنی بر فقه پویا و کارآمد، توان تحول و نوآوری دارد و در نتیجه، توازن در اجرای شریعت در همه سطوح اجتماعی و سیاسی وجود دارد. برخلاف الگوی رقیب که گام‌ها فشارهای داخلی یا خارجی مجبور به تحولات ناموزون در برخی

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. اسفندیار رجبعلی، *مؤلفه‌ها و ارزش‌های اساسی انقلاب*

*اسلامی ایران*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹.

۲. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. علی آقابخشی و مینو افشاری‌راد، *فرهنگ علوم*

*سیاسی*، تهران، چاپار، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷.

۳. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. سیمور مارتین لیپست، *انسان سیاسی*، ترجمه فریبرز

مجیدی، تهران، سمت، ۱۳۹۹، ص ۳۴.

اجزاء می‌شود؛ اما در عمل حقی به مردم برای انتخاب در عرصهٔ سیاسی وجود داده نمی‌شود.

و بالاخره، الگوی رقیب دینی دیگر، الگوی سکولار است؛ که گاهی تجددگرایانه به دین دارد و مرجعیت دین را تا حدی می‌پذیرد، اما عمومیت آن را ناممکن می‌داند. به این معنی که دین اگر در تبیین برخی ابعاد ارزش‌های زندگی سیاسی - اجتماعی نیز مؤثر باشد، اما در سازوکارهای سیاسی و قانونگذاری‌ها جایگاه مؤثری ندارد. الگویی که با تفاوت‌هایی در برخی کشورها چون ترکیه دنبال می‌شود و عملاً نقشی برای دین در کنار آراء مردم تعریف نمی‌شود.<sup>۱</sup> آنچه ذکر شد صرفاً نگاهی کلی و اولیه به انواع نقشی است که نظام‌ها برای مردم قائلند و هدف تنها توجه دادن به اصل تنوع و مرزها در این موضوع بود.

### میزان تأثیر الگوهای سیاسی بر برگزاری انتخابات

اما تفاوت‌های اساسی که میان مردم‌سالاری دینی و دموکراسی وجود دارد آیا در صحنهٔ انتخابات و فرهنگ انتخاباتی نیز تجلی و ظهور بروز دارد؟ از یک زاویه، می‌توان گفت با وجود قوانین و اداره کشور توسط مقام معظم رهبری، میان آنچه در انتخابات ایران و کشورهای غربی چون امریکا می‌گذرد، فاصله‌ای جدی وجود

۱. پرویز امینی، «مؤلفه‌های پایه و شاخص‌های عینی در مردم‌سالاری دینی»، همایش مردم‌سالاری دینی «مجموعه مقالات دومین همایش مردم‌سالاری دینی»، ج ۲، ص ۱۳۵ - ۱۳۷.

دارد.

انتخابات عمدتاً در جوامع غربی، نه تنها کارزار رقابت‌های سیاسی، که عرصهٔ نفرت‌پراکنی نامزدها علیه یکدیگر و به گمراهی کشاندن تعارض‌های شدید طبقاتی در جامعهٔ امریکا است. به ویژه در مورد چند دههٔ اخیر که کارشناسان معتقدند از زمان رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰م تاکنون، هیچ‌گاه رؤسای جمهوری امریکا در قالب و اندازه این پست نبوده‌اند. تصریح شده است که جایگاه امثال آبراهام لینکلن (۱۸۰۹-۱۸۶۵م) و تئودور روزولت (۱۸۵۸-۱۹۱۹م) را امثال ترامپ و بایدن پر کرده‌اند که هیچ ابایی از دوشقه‌کردن جامعه‌شان مبتنی بر منافع شخصی و حزبی ندارند. آنان در این مسیر، هرچند شعارهایی می‌دهند، اما هیچ مرزی از اخلاق را برای پیروزی بر جریان رقیب، پیش روی خود نمی‌بینند. میان سیاست‌مداران امریکایی در این نوع نگرش تفاوت چندانی نیست و وجه تمایز ترامپ این بوده است که بی‌پرده، خودمحوری و جهان‌گریزی و مقررات‌ستیزی جاری شده در فضای سیاسی غرب را به نمایش می‌گذارد. این فضای بی‌اخلاقی‌های سیاسی و گردن‌فرازی مقابل قانون اساسی سبب شده تا برخی تحلیل‌گران امریکایی که روزی از سه امر مقدس قانون اساسی، پرچم و رئیس‌جمهوری سخن می‌گفتند، امروزه به تحلیل ناکارآمدی قوانین، آتش زدن پرچم و مورد استهزاء قرار گرفتن رئیس‌جمهور، مشغول شوند.<sup>۱</sup>

۱. علی بیگدلی، «شکستن مرزهای اخلاقی در انتخابات امریکا»، دسترسی در:

در ایران اسلامی اما، عموم دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی و همچنین، بیشتر نامزدها و اکثریت مردم، همواره تحت رهبری و هدایت‌های امام راحل و رهبری معظم انقلاب، نسبت به تبدیل نشدن فضای کلی انتخابات به فضای درگیری و یقه‌گیری سیاسی و از بین رفتن اتحاد و انسجام ملی و یا بی‌حرمتی نسبت به مقدسات یا میراث و آرمان‌های ایران اسلامی، حساس بوده‌اند. به‌طور خاص، همواره تأکید شده است که باید مواظبت کرد تا اختلافات سرریز در جامعه نشود.<sup>۱</sup> به‌علاوه، کشور در طول چند دهه اخیر به خود رؤسای جمهوری را دیده است که مشی و اقدامات‌شان، یاد الگوی تمام‌نمای حکومت مطلوب، یعنی علی را از جهاتی زنده ساخته است. بنابراین، با وجود این مظاهر و نمادها، منصفانه نیست اگر فرهنگ انتخاباتی در ایران اسلامی را در تمامی ابعاد آن با انتخابات در غرب، مقایسه نماییم.<sup>۲</sup>

### نفوذ آفت‌های نگرش غربی در انتخابات ایران

درعین حال، نمی‌توان بر ضعف‌ها و خلل موجود در

<https://www.pishkhan.com/news/200946>

۱ برای نمونه، ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای K در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰/۳/۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>؛ همچنین، ر.ک. امیرابراهیم رسولی و محمدرضا اخضریان، «اخلاق انتخاباتی در اندیشه امام خمینی □»، پژوهشنامه متین، ش ۵۳، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱-۲۴.

۲ برای نمونه و اطلاع بیشتر از وضعیت کنونی و آینده دموکراسی، ر.ک. فخرالدین عظیمی، دموکراسی و پوپولیسم، تهران، آگاه، ۱۴۰۲.

سازوکار و فضای انتخاباتی کشور، چشم بست و ریشه‌های آن را جستجو نکرد. به‌ویژه آنکه اختلاف‌ها در طول زمان، چه در مشارکت مردم و چه در روی کارآمدن جریان‌های سیاسی گوناگون، گاه به حرکت و پیشرفت کشور آسیب‌های جدی وارد آورده است.

ناکامی‌های جدی سیاست‌های برخی افراد انتخاب شده توسط اکثریت مردم، نشان می‌دهد که تا صورت مطلوب از انتخابات، که هم تمامی اقشار مردم، بدون هیچ استثنایی و با رغبت در انتخابات شرکت کنند، و هم در انتخاب خویش نیز به معنی واقعی کلمه، اسباب ارتقاء کشور را به وجود آورند، فاصله وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که تلاش‌هایی که در سطوح گوناگون برای برگزاری انتخابات با رعایت اخلاق و موازین شرعی انجام شده، کافی نبوده است و قوانین<sup>۱</sup> تأثیر لازم را در میزان و کیفیت مشارکت مردم و یا مدیریت کامل فضای انتخاباتی، ندارد. بنابراین از جهاتی می‌توان گفت فضا و فرهنگ انتخاباتی ما برآمده از روح مردم‌سالاری دینی نیست.

باید بدانیم که شکل اولیه و هماهنگ با جهان معاصر از سازوکار «انتخابات»، در فضای هدرنیت‌ه شکل گرفته است.<sup>۲</sup>

۱. برای نمونه، ر.ک. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، ماده ۳۳»، دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91088>، ۵ تیر ۱۳۶۴.

۲. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. داریوش آشوری، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید، ۱۳۷۳، ص ۱۵۷.

به این معنی که نظریات علوم سیاسی در غرب، سازوکارهای فضای انتخاباتی را با نگرشی خاص، تعریف کرده و در کشورها به جریان انداختند. در عمده نظریات غربی توافق شده است که انتخابات، یک کارزار و مبارزه سیاسی همه‌جانبه و نفس‌گیر برای کسب قدرت سیاسی، آن هم در جهت منافع حزبی، است. در این نظریات، تلاش‌ها برای تبیین نقش عناصر گوناگون سازوکار انتخابات همچون محیط، بازیگران، رأی‌دهندگان، قواعد و قوانین، توده مردم و رفتار آنان و... ضمن تعریف یادشده، معنی پیدا می‌کند و بر این اساس، محور تلاش نامزدها متقاعدسازی رأی‌دهندگان از هر طریق ممکن و در جهت خواست و رضایت گروه‌ها است.

در نبود الگوی انتخاباتی متناسب با فضای ایران اسلامی، خواسته یا ناخواسته انتخابات در کشور ما از صورت غربی تبعیت می‌کند؛ و اهمیت این موضوع وقتی دوچندان خواهد شد که بدانیم غرب نسبت به صدور یافته‌ها و سازوکارهای خود در عرصه سیاست به کشورهای دیگر، بسیار تمایل دارد.

چه آنکه تعریف کردن میدان انتخابات در کشورهای دیگر، به معنی امکان حداکثری برای استفاده از ظرفیت‌های موجود در آن، به دلیل تسلط و شناختی حداکثری که از آن دارد، است. در این صورت، انتخابات در کشور ما، به‌رغم آنکه نمایش مردم‌سالاری دینی دانسته می‌شود اما ممکن است به اهداف خود به شکل کامل نائل نیاید، حتی از جهانی می‌تواند به کوشش غرب برای تقویت نظام سلطه

خویش نیز، مبدل گردد.

در یک نگاه انضمامی، تجربه ما در انتخابات‌های پیشین چه تصویری از فضای انتخابات ایران را به نمایش می‌گذارد؟ اگر در فضای انتخابات در کشورهای غربی مشاهده می‌شود که نیازهای اساسی مردم و به‌ویژه طبقاتی که کسب آراءشان می‌تواند نقش کلیدی داشته باشد، در غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، سلامت و امنیت و رفاه به عنوان نقاط مورد تمرکز نامزدهای انتخاباتی قرار می‌گیرد، در کشور ما نیز به‌طور محسوس، مصادیقی از ابعاد چنین درک و اقدامی مشاهده می‌شود. اگر گفتمان انتقادی او با ما در بسیج سیاه‌پوستان، اسپانیایی‌تبارها و مهاجران و اقشار حاشیه‌ای جامعه آمریکا در سال ۲۰۰۲م، و گفتمان تراپ در بهره‌گیری از ترس عمومی در به میدان آوردن اقتدارگرایان امریکایی در ۲۰۱۶م، و یا گفتمان هواداران برگزیت و حزب محافظه‌کار انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپا در بهره‌گیری از ناامنی اقتصادی در مشارکت جوانان و سنتی‌ها، بر اساس تأکید صرفی که بر نیازهای اساسی و طبقات خاصی دارند بوده است،<sup>۱</sup> در کشور ما نیز تعریف کردن فضای انتخابات در نیازهای اساسی مردم و حرکت دادن آراء آن‌ها در همین خط، در ادوار گوناگون محسوس بوده است؛ و برای نمونه نمی‌توان شوق‌ها یا ترس‌هایی که برای برقراری رابطه با غرب به جامعه تزریق

۱. برای نمونه، ر.ک. قیصری، نوراله. «انتخابات و بسیج منابع؛ الگویی نظری در تبیین رقابت انتخاباتی»، فصلنامه سیاست، دوره ۵۳، ش ۲، تابستان ۱۴۰۲، ص ۳۱۵-۳۴۲.

شده را، فراموش کرد.

بنابراین، می‌توان به نسبت میان مردم‌سالاری دینی و کارزار انتخابات در کشورمان، مردد باشیم. در بخش‌های بعدی، به زوایای دیگر مشابهت و همسانی فضای انتخابات در ایران و کشورهای غربی نیز اشاره خواهد شد؛ اما تا همین‌جا نیز روشن است که عبور از شرایط فعلی، نیازمند تعریف فضای کنونی و صورت بدیل آن است.



## گفتار ۳

### وعده‌محوری؛ چیستی و نشانه‌ها

انتخابات در ایران اسلامی، با پذیرش تمامی وجوه مثبت و افتخارآمیز، از برخی آفات به‌دور نمانده است. اشاره شد که این آفات ریشه در سازوکارهای فرهنگ انتخابات در غرب دارد؛ اما زمانی عزم کافی برای تحوّل به‌وجود می‌آید که ریشه‌های این فرهنگ را یادآور شویم.

#### چگونه انسان، معرفت و فرهنگ از حقیقت تهی می‌شود؟

درک مطلوب فضا و فرهنگ انتخاباتی که از آن به وعده‌محوری یاد می‌شود، به شناخت اصول فکری و جهت‌گیری کلی در فلسفه سیاسی غرب برمی‌گردد و رهایی از آن جز با این شناخت، میسر نخواهد بود.

صد البته شناخت فرهنگ غرب، فرصتی مستقل می‌طلبد، اما می‌توان به برخی ابعاد و ریشه‌های تهی شدن این فرهنگ از حقیقت، اشاره کرد. یک بخش مهم این است که هر حقیقت دیده نشدنی، از اساس انکار می‌شود. بنابراین، جایی برای خدا و هر امر باطنی باقی نخواهد ماند، انسان خود را و آرزو و آمال خویش را به‌طور مستقل مورد توجه قرار می‌دهد و بنابراین اعتبار انسانی، در طبیعت و امیال حیوانی محدود شود. اومانیزم یا اصالت انسان، که با غیبت و

زوال یاد الهی از ظرف آگاهی انسان زاده می‌شود، چیزی جز نفسانیت انسان غافل نیست و هنگامی که آدمی - به عنوان اصل برتر - در محور قانون‌گذاری قرار می‌گیرد، درستی و نادرستی تمام قوانین از طریق خواست‌ها و گرایش‌های او تعیین می‌شود و باید‌ها و نباید‌ها و واجب و حرام و تمام قضایای ارزشی از ناحیه اعتبار آدمی منزلت خود را باز می‌یابد. همه حریم‌ها از ناحیه ذات انسان و به خواست و اراده او مشخص می‌شوند.<sup>۱</sup> بر این اساس، نقش انسان و اجتماع مردم در عرصه سیاست، صرفاً از فهم انسان مستقل از خالق او و با هدف تأمین نیازهای اساسی انسان در این دنیا، تعریف می‌شود.

از زاویه دیگر، منبع شناخت و معرفت نسبت به رخدادهای انسانی و اجتماعی نیز محدوده به حس‌گرایی می‌شود. تنها آن دسته از دریافت‌ها و آگاهی‌ها از جامعه که به‌گونه‌ای آزمون‌پذیرند، از ارزش علمی برخوردار می‌شوند. این مسئله افزون بر آنکه قضایای متافیزیکی را از حوزه علم بیرون رانده و فاقد اعتبار علمی می‌کند، گزاره‌های ارزشی را نیز با چشم‌پوشی از اینکه این گزاره‌ها به گزاره‌های متافیزیکی بازگردند، از اعتبار علمی ساقط می‌گرداند. با حاکمیت حس‌گرایی، ایدئولوژی‌هایی که در چهره دینی یا غیردینی به صحنه سیاست وارد می‌شوند، مجال بروز نمی‌یابند و بدین سان، رفتارهای سیاسی جامعه، به گرایش‌ها و احساساتی که از تبیین

---

۱. حمید پارسانیا، حدیث پیمانہ، قم، معارف، ۱۳۹۶، ص ۱۴۲.

عقلی بی‌بهره‌اند، ارجاع داده می‌شوند.<sup>۱</sup> بنابراین، پایه نظریاتی که به توصیف جامعه و راه‌حل‌های مدیریت آن مربوط می‌شود، نسبتی با فهم و معرفت دینی ندارد.

می‌توان گفت اهداف، راه‌ها و روش‌ها در فرهنگ سیاسی غرب برپایه نیازهای دنیوی انسان، و راه‌حل‌ها برپایه تجربیات بشری تنظیم می‌شود؛ و در عمل، نمی‌توان انتظار تحقق اهدافی که از سوی طرفداران دموکراسی مطرح می‌شود را چندان جدی تلقی کرد. صلح و عدالت حقیقی هیچگاه تأمین نخواهد شد و حتی می‌توان گفت دموکراسی هر روز از اهدافی که برایش تعیین شده، دورتر می‌شود.<sup>۲</sup>

البته که آنان عقل را محور قرار داده‌اند، اما عقلانیتی که در پی جویی فردی منافع معین شده توسط افراد بشر و با هدف حداکثرسازی لذت و دوری از رنج، معنا پیدا می‌کند. این موضوع در تمامی ساحت‌های حیات اجتماعی غرب و از جمله انتخابات، خود را در تمامی نوشته‌ها و نظرات نمایان می‌کند و امری پوشیده نیست. به اعتراف بسیاری از صاحب‌نظران غربی، امروزه بهتر از هر

۱. همان، ص ۱۴۷.

۲. برای نمونه: امروز رژیم‌های اقتدارگرایی که از لیبرالیسم اقتصادی برای گسترلیندن قدرت خود بهره می‌برد، تهدیدی روشن برای دموکراسی هستند... کنش دموکراتیک امروزه در حاشیه مستقر شده است... دموکراسی در خطر است و هیچ چشم انداز روشنی پیش روی خود ندارد (آلن تورن، دموکراسی چیست، ترجمه سلمان صادقی‌زاده، تهران، ثالث، ۱۳۹۹، ص ۳۲۲-۳۲۳).

زمان دیگری روشن شده است که تضمینی برای اینکه دموکراسی بتواند صلح و عدالت را برقرار کند، وجود ندارد؛<sup>۱</sup> و البته از منظر نگاه اسلامی تلاش‌های علمی برای تحوّل در صورت‌های دموکراسی، تغییری ایجاد نخواهد کرد. چراکه صلح و عدالت نسبتی با صاحبان لذت‌جو، رفاه‌پسند و خودخواه ندارد.

از این منظر، بسیار طبیعی است اگر فضای انتخابات در غرب، هرچند در قوانین توصیه به اخلاق می‌شود، اما در عمل با محوریت منافع بی‌قیدوشرط انسانی افراد و گروه‌ها و آن هم از هر طریقی، تعریف شود. در این فرهنگ، برای به‌صحنه آوردن مردم و یا تصمیم‌گیری آن‌ها نیز چاره‌ای جز تمرکز بر نیازها و مشکلات مردم در تأمین نیازهای اساسی دنیوی‌شان نخواهد بود. اینجاست که چالش‌های اقتصادی و امنیتی که حیات و لذت دنیوی را به‌خطر می‌اندازد مردم را وادار شرکت در انتخابات خواهد کرد. و بدین جهت است که همه‌چیز برای در دست گرفتن فضای انتخاباتی در چگونگی استفاده از داده‌ها و اطلاعات، خلاقیت و مهارت در کنش‌ها و واکنش‌ها، چگونگی بهره‌گیری از زبان و قدرت آن و... خلاصه می‌شود و تمامی اطلاعات، روش‌ها، مهارت‌ها و امکانات در جهت طرح و ترویج وعده‌هایی برای تحوّل و تغییر به سمت خواست بخش یا طبقه‌ای از مردم رخ می‌نماید.<sup>۲</sup> هر شخص یا

---

۱. برای نمونه، ر.ک. ژان بشلر، دموکراسی، ترجمه سعید کامران، تهران، آگه، ۱۳۹۹، ص ۱۹۳ - ۲۱۳.

۲. برای نمونه، ر.ک.



گروهی که منافع اقتصادی خود و حامیان را در انتخابات در خطر ببیند، از هر وسیله‌ای برای محدود کردن مشارکت مردم و یا اغوای آن‌ها به منظور از دست ندادن مقام‌ها و جایگاه‌های سیاسی، استفاده خواهد کرد.<sup>۱</sup> برای نمونه، در تحقیقات متعدد خارجی نیز در نقد روایت خوشبینانه از دموکراسی غرب تصریح شده است که تا زمانی که پول به راحتی می‌تواند قدرت را بخرد، همگان احساس می‌کنند که برابری سیاسی، شعاری توخالی است.<sup>۲</sup>

**چگونه نگرش غربی بر فضای سیاسی کشور سایه انداخته است؟**

با وجود آنچه گذشت، نزدیک‌ترین خطر برای ما این است که فضای سیاسی حاکم بر انتخابات در غرب از جهاتی در فضای انتخاباتی ایران اسلامی نیز نفوذ پیدا کرده است.

برای نمونه از اینکه چگونه فرهنگ انتخاباتی غرب بر روی فضای انتخاباتی کشور ما اثر گذاشته، کافی است به فضای کلی رسانه‌های خارجی و برخی رسانه‌های

- 
- Birch, Sarah, Our New voters: Brexit, Political Mobilisation and the Emerging Elgectoral cleavaye, 2016, p.110-111.
  - Caughell, Leslie, when playing the womax card is playing trump: Assessint the efficacy of Framing Campaigns as Historic, 2016, p.735-737.
  - Jones, Jennifer, J, Talk "Like a Man": the Linguistic styles of Hillary Clinton, 2016.

۱. سیمور مارتین لیپست، همان، ص ۴۲ - ۶۰.

۲. برای نمونه، ر.ک. یاشا مونک، مردم علیه دموکراسی، ترجمه امیر میرحاج، تهران، کتاب پارسه، ۱۴۰۱، ص ۱۶۹.

داخلی متأثر از آن‌ها و تأثیری که بر انتظار مردم از حکومت داشته‌اند، توجه کرد.

چنان‌که برنامه‌های خبری، آموزشی، سرگرمی و... ماهواره‌ها و رسانه‌های متعدد خارجی فارسی‌زبان، همواره تحسین و ستایشگری از نگرش غربی را در دستور کار خود قرار می‌دهند و تأثیری که باید را بر روان و اندیشه مخاطبان بجای می‌گذارند. مخاطبان این رسانه‌ها هیچ تصویری از تلاش‌هایی که برای اقدامات ساختگی، مصاحبه‌های طراحی شده، همگرایی با شبکه‌های همتا و هم‌راستا و... در جهت القاء پیام‌های گوناگون به آن‌ها می‌شود، ندارند. تهاجم از این طریق و راه‌های متعدد و متنوع دیگر، آرام و بی‌سروصدا در حال انجام بوده و سبب می‌شود تا بخشی از مردم در هنگام انتخابات، چهارچوب ذهنی‌شان بیش از آنکه تحت تأثیر نیازها و مسائل اصلی کشور و راه‌حل‌های درونی و چهارچوب‌مند باشد، این نوع نگاه را تخطئه کرده و حتی از حوصله و اراده لازم برای گوش فرا دادن به جولان این نوع نگرش برخوردار نباشند. آنان با وجود آنکه به برخی مناسک پایبند هستند، به تدریج نگرش و جهت‌گیری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی‌شان همچون کسانی می‌شود که تأثیری برای خداوند، پیام‌های او و... قائل نیستند.

در مقابل، تصویرسازی‌های منفی از کشور و سازوکار اداره کشور، آنان را وامی‌دارد تا نامزدی را در میان کاندیدای مطرح‌شده، دنبال کنند که نسبت به چهارچوب‌ها و قوانین و ارزش‌ها، حداقل بی‌تفاوت و ساکت باشد و در عوض بر ثروتمندشدن، برخورداری از

رفاه، آزادی‌های بی‌حد و حصر و... تأکید کند. آنان به دنبال نگاهی هستند که رفاه و آزادی و... را در مسیر تجربه شده غرب جستجو می‌کند. این آغازی برای نوع اقدامات نامزدها نیز می‌شود. آنچه بر فضای انتخاباتی کشور حاکمیت می‌کند، به این معنی که می‌تواند در مشارکت و یا در نوع انتخاب مردم تأثیر مستقیم گذارد، وعده‌هایی است که با صورت مشابه غربی در فعالیت‌ها، نمادها و نشانه‌های به‌کار گرفته شده، ظهور و بروز پیدا می‌کند. اگر در فضای غرب این یک امر معمول است که هرچه افراد سطح پایین‌تری از جهت اقتصادی داشته باشند، حضور کمتری در انتخابات‌ها دارند<sup>۱</sup> و بنابراین وعده‌های اقتصادی می‌تولند آنان را به میدان آورد، در کشور ما نیز تبلیغات رنگ و بوی کاملی از اهداف اقتصادی به خود می‌گیرد و خلاف جهت هدایت و ارزش‌های معنوی، سازماندهی خواهد شد.<sup>۲</sup> فرایند و چرخه‌ای که توضیح داده شد، در نهلیت خود را هم در گفتگوها میان خود مردم و هم در رفتارهای نامزدهای انتخاباتی نشان می‌دهد. چنان‌که هر سطحی از بد اخلاقی‌ها در حامیان نامزدها یا خود آن‌ها از جمله نشانه‌های طی شدن سطحی از فرایند و چرخه وعده‌محوری و غلبه فرهنگ انتخاباتی غرب بر فضای کشور است.

### وقتی «وعده‌ها» در فضای انتخاباتی کشور حاکم می‌شوند

فراموش نمی‌شود که همچون فضای حاکم بر غرب،<sup>۳</sup> بارها برای

۱. همان، ص ۱۹۳.

۲. ر.ک. محمدتقی مصباح یزدی و محمدجواد نوروزی، همان، ص ۷۰-۷۴.

۳. برای نمونه، ر.ک. سیمور مارتین لیپست، همان، ص ۱۹۰.

جذب توجه مردم بر نیازمندی‌های اقتصادی و امنیتی و ناظر به طبقه و دسته‌ای از مردم، تأکید شد و راه حل در پیشرفت اقتصادی از راه مذاکره با غرب و همچنین بازگرداندن سایه امنیت به کشور با خروج از ذیل فصل هفت شورای امنیت، آن هم با تمرکز بر طبقه متوسط و تحت فشار، دیده شد. فضا در عمل به سمتی مدیریت شد که پیش‌تر توسط رسانه‌های غربی و برخی رسانه‌های داخلی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مردم دیکته شده بود. این وضعیتی است که نگارنده از آن به حاکمیت وعده‌ها بر فضای انتخابات یاد می‌کند. فضایی که از یک‌سو نامزدها و حامیان آن‌ها بیشترین تلاش خود را مصروف طرح و بیان وعده‌ها به معنی تعهد نسبت به آنچه خواهد شد یا خواهند کرد، می‌کنند و در مقابل، مردم نیز به‌دلیل مواجهه‌ای کاذب با نیازها و چالش‌های زندگی‌شان، به شکل ارادی و یا غیرارادی در انتظار شنیدن گزاره‌هایی هستند که راه‌حل می‌پندارند. این رفت و برگشت مستمر چشم به راه بودن و برطرف کردن توقعات را می‌توان به چرخه «وعده‌محوری» تعبیر نمود.

نکته مهم این است که حاکم شدن وعده‌ها هر چند برخی مردم را نسبت به انتخابات ترغیب می‌کند، اما آنان در بسیاری موارد متوجه نیستند که محتمل است دل به امری ناشدنی بسته باشند؛ چراکه آنان به خوبی از سازوکار تحقق وعده‌ها و امکان عملی شدن یا نشدن آن‌ها، با توجه به قوانین و چهارچوب‌های موجود، مطلع نیستند. موضوعی که در بلندمدت می‌تواند موجبات عدم رغبت آنان به هرگونه مشارکت سیاسی شود.



به عبارت دیگر حاکمیت وعده‌ها، در هنگام برگزاری انتخابات تا حدی به مشارکت و به تعداد آراء نامزدها کمک می‌کند، اما با گذشت زمان از انتخابات، می‌تولند متعارض با فلسفه انتخابات و پیشرفت حقیقی کشور تفسیر شود؛ چرا که وعده‌ها می‌توانند در بی‌نسبتی با ارزش‌ها، خلق شده و در اذهان نیز، جای خود را به‌طور مستقل باز کنند. اما به این توجه نمی‌شود که آیا قوانین و چهارچوب‌های کشور هم اجازه به انجام رسیده وعده را به نامزد و حامیان او می‌دهد.

پاسخ منفی است و می‌توان پاسخ تفصیلی را با مرور برخی از فرمایشات امام راحل-به‌دست آورد. کمتر توجه می‌شود که در فرمایشات امام خمینی بارها بر این امر که وعده‌ها باید در چهارچوب ارزش‌ها تعریف شوند، تأکید شده است؛ برای نمونه می‌فرمایند: «آزادی در حدود قانون است، یعنی آن مقداری که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی داده است در آن مقدار آزاد هستیم. آزاد نیستیم که فساد کنیم، آزاد نیستیم که کارهای خلاف عفت بکنیم. هیچ انسانی آزاد نیست که کار خلاف عفت بکند... هیچ دستگاهی را که برخلاف قوانین اسلام باشد نمی‌توانیم بپذیریم. و هیچ رأیی را که برخلاف رأی اسلام باشد و رأی شخصی باشد. رأی گروهی باشد، رأی حزبی باشد، ما نمی‌توانیم بپذیریم. ما آن را می‌توانیم بپذیریم که قانون اسلام حکمفرمایی کند. ما تابع اسلام هستیم؛ ما تابع قانون اسلام هستیم و جوان‌های ما خون‌شان را برای اسلام داده‌اند.»<sup>۱</sup>

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه‌امام، همان، ج ۸، ص ۲۸۳.

ضمن اینکه در ایران اسلامی، تلاش بر تنظیم قوانین مبتنی بر ارزش‌ها بوده و از این جهت، صورت دیگر از مقابله امام راحل با وعده‌ها و برنامه‌هایی که مطرح شده و فضا را تغییر می‌داد، مواجهه با شخص منتخب مردم است. برای نمونه این کلام فراموش نمی‌شود که «باید حدود معلوم بشود، آقای رئیس‌جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آن طرف بگذارد من با او مخالفت می‌کنم. اگر همه مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم. غلط می‌کنی قانون را قبول نداری! قانون تو را قبول ندارد.»<sup>۱</sup>

امروزه خطر «وعده‌محوری» در فضای انتخابات ما آن‌چنان که باید فهمیده نشده است. از این رو حتی نامزدها و حامیان انقلابی‌شان نیز گاه در همین ورطه افتاده و در تلاش هستند تا مردم را از طریق وعده‌های جذاب‌تر به سوی خویش جذب کنند؛ غافل از اینکه با این اقدام، در نقشه دشمن و ایادی او حرکت کرده‌اند.

اینکه چرا و چگونه در فصل‌های بعد روشن خواهد شد. اما پیش از آن جا دارد تا به نقطه مقابل این نگرش، یعنی حاکمیت ارزش‌ها و نشانه‌های آن پرداخته شود.

---

۱. همان، ج ۱۴، ص ۳۷۱-۳۷۷.

## گفتار ۴

### ارزش‌محوری؛ چیستی و نشانه‌ها

محوریت دادن به ارزش‌ها نقطه مقابل محوریت دادن به وعده‌ها است. فضای انتخاباتی در این صورت، عرصه مبارزه به هرنحوی و با هر هدفی نخواهد بود. ارزش‌های اسلامی از چنان قدرتی برخوردار است که وعده‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را در جهت منافع حقیقی مردم قرار دهد.

اشاره شد که در مکاتب غربی، این فلاسفه سیاسی هستند که با اتکا بر عقل خویش و تجربه‌های موجود بشر، تعریف می‌کنند که ارزش چیست.<sup>۱</sup> کسانی که خود بشرند و نسبت به قواعد هستی، آفرینش، حیات در دنیا، عوامل مؤثر بر رخدادها، چگونگی پیشبرد حقیقی امور و حال و آینده، تنها با تعبیری چون «شاید»، «احتمال می‌رود» و... سخن می‌گویند. بنابراین هیچ معرفت کاملی وجود ندارد و بنابراین، ترجیح داده می‌شود تا درستی و اطمینان به همه امور بیشتر با آزمودن میزان ثمره و کارکردی که دارد، یعنی وعده‌ها،

---

۱. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه برخی مکاتب در این باره، ر.ک. رابرت گودین و چارلز تیلی، تحلیل سیاسی با تکیه بر شرایط و زمینه‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰، ص ۴۰ - ۴۶.

سرنجیده شود. نتیجه این نگرش و عقلانیت بشری، فضای وعده‌محوری حاکم بر عموم فضاهای انتخاباتی در دنیا است. اما ارزش در فلسفه سیاسی اسلام، اموری متکی بر معرفت حقیقی نسبت به عالم و هستی است. در این نگرش، خداوند در بالاترین حد از قدرت و حکمت و اطلاع از گذشته و حال و آینده، اصول و قواعدی را از طریق وحی فرستاده است، پیامبر □ و ائمه هدی □ را الگوی حقیقی پیروی از این اصول و قواعد قرار داده است، و در عصر غیبت نیز بر فهم فقهای شیعه از این ارزش‌ها مهر تأیید زده است. بنابراین، اتکا به ارزش‌ها، اتکا به خداوند است؛ و نه صرفاً اتکای به عقل و تجربه محدود و ناقص بشری. بنابراین، برخلاف نگرش غربی که چاره‌ای جز اتکا به کارکردها و وعده‌ها ندارد، در نگرش اسلامی بنیادهای فکری، ملاک سنجش امور قرار می‌گیرند. این‌گونه است که «ارزش‌محوری» به معنی حاکمیت خداوند و آنچه او می‌طلبد، در همه عرصه‌های اجتماعی جاری می‌گردد.

### ارزش‌محوری در فضای انتخابات

به عنوان مقدمه و برای اینکه روشن شود تا چه میزان به بازخوانی تصورمان از ارزش‌ها نیاز داریم، باید تأکید کرد که در کشور ما، تشخیص ارزش‌محوری و افرادی که پایبند به ارزش‌ها هستند، به هیچ عنوان امر آسانی نیست. چراکه وعده‌محوری نیز برای آنکه در فضای انتخاباتی کشور ایران، ظهوری بدون مانع و آسان‌تر داشته باشد، به‌طور معمول مبانی پشتیبان خود را مخفی نگاه می‌دارد. چراکه مطرح‌کنندگان

وعده‌ها از نگرش مذهبی مردم با خبرند و علاوه بر این، با توجه به ساختار حاکم بر کشور، اجازه تعدی و واضح سخن به میان آوردن از تمایلات غربی را به خود نمی‌دهند. رخداد مهم دیگر آن است که دانسته یا نادانسته و برای جلب توجه اکثریت مردم که از باور و گرایش مذهبی برخوردارند، هر زمان که احساس نیاز می‌شود، وعده‌محوری خود را با تحریف به ارزش‌های اسلامی مستند می‌کنند. باید دانست که وعده‌محوری، بیه عنوان یک محصول غربی، حيله و نیرنگ لازم برای نفوذ خود در ساختارهای سیاسی دیگر را نیز به همراه دارد. اما در مقابل این فضا، می‌توان فرهنگ دیگری را بر فضای انتخابات مستولی ساخت که حاکمیت در آن با ارزش‌ها است و حتی وعده‌ها نیز معنای حقیقی خود و تحقق‌شان را زیر چتر ارزش‌ها می‌بایند. اما این ارزش‌ها در نگرش اسلامی، و به صورتی که قابل تشخیص و تمایز از نگاه‌های وعده‌محور باشد، کدامند؟

در یک نگاه اولیه و فارغ از میدان عمل، ارزش‌ها، اهداف و اصولی هستند که راهنمای عمل انسان قرار می‌گیرند و مرزبندی‌هایی را برای ذهن و عقل انسان میان خوب و بد و درست و نادرست و هرگونه بلید و نباید به وجود می‌آورند.<sup>۱</sup> اما هنگامی که از چیستی ارزش‌ها در ایران اسلامی پرسیده شود، تمامی مسائل، شرایط و جوانب امروزی پایبندی به باید و نبایدها کلی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. میرزایی اهرنجانی، حسن، «نقش و جایگاه ارزش‌ها در تفکر راهبردی»، مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۴، ص ۴.

## اضلاع ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران

ارزش‌ها در ایران اسلامی، در چند بخش قابل ترسیم است و توضیحی کوتاه از چهارچوب ارزش‌ها در ایران اسلامی می‌تواند گامی برای اطلاع بیشتر از صحنه فضای انتخابات و نسبتی که می‌تواند به معنی واقعی، با ارزش‌ها برقرار کند، باشد. چه آنکه به‌طور معمول، با سخن به‌میان آمدن از ارزش‌ها نگاهی کلی و بسیط به ارزش‌ها صورت می‌گیرد و اهمیت و کارکرد ارزش‌محوری از اساس زیر سؤال می‌رود. اما در اینجا ارزش‌ها در مهم‌ترین ابعاد و ناظر به صحنه عمل و اجرا مطرح می‌شود؛<sup>۱</sup> تا مقدمه‌ای برای طرح استدلال در لزوم حاکمیت ارزش‌ها بر فضای انتخابات در بخش‌های بعدی نوشته حاضر باشد.

مهم‌ترین اضلاع ارزش‌ها در میدان عمل، نخست اهداف بزرگ و کوچکی است که برای کشور تعیین شده و می‌شود و در کنار آن، اصولی که برای تحقق این اهداف مورد نظر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، با نگاه به چگونگی تحقق ارزش‌ها، دوضلع فرعی دیگر نیز خودنمایی می‌کند. اینکه با توجه به اهداف و اصول، امکانات ما کدام است و چه موانعی پیش روی داریم. این موضوع از چند جهت در تحلیل‌های بعدی نوشته حاضر اهمیت دارد. برای نمونه اگر بر ارزش‌محوری

۱. برای نمونه در مورد اضلاع ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران، ر.ک. ارمغان؛ دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب K، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

تأکید می‌شود باید ارزش‌ها را از عملکرد مسئولین در مسیر تحقق ارزش‌ها تفکیک کرد؛ و یا در عین این تفکیک، باید برای شناخت نامزدهای ارزش‌محور به میزان توجه درست و واقع‌نگر آن‌ها به این امکانات و موانع، توجه داشت.

بر این اساس، یک ضلع مهم از ارزش‌ها، اهداف نظام اسلامی هستند. هدف نهایی، دستیابی به حیات طیبه و ایجاد تمدن اسلامی است؛ اما این هدف چگونه محقق می‌شود. ایران اسلامی اهداف و آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی دارد که از مهم‌ترین آن‌ها، استقرار عدالت، کرامت‌بخشی به انسان، تسهیل دستیابی به تحصیلات عالی برای عموم، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همهٔ مردم، ایجاد زمینهٔ رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها، دفاع از حقوق ملت در همهٔ زمینه‌ها، امنیت اجتماعی و اخلاقی، پیشرفت و اعتلای علمی، فنی و اقتصادی و توسعهٔ درون‌زای کشور، است.

همچنین در عرصهٔ سیاسی اهدافی را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، دفاع از حقوق همهٔ مسلمانان و مظلومان عالم، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، ایجاد و تقویت عزت ملی و اسلامی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، است. در نهایت اهداف و آرمان‌های اقتصادی نیز مدنظر است که مهم‌ترین‌شان، تأمین

خودکفایی در صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها و جلوگیری از غارت بین‌الملل توسط استعمارگران است. ضلع مهم دیگر ارزش‌ها در ایران اسلامی، اصول کلی هستند. اصولی که برای نمونه می‌توان آن را در حرکت امام راحل، که در بیانات مقام معظم رهبری به این خطوط تصریح شده است؛ اشاره کرد.

برخی از مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از: ایستادگی در برابر تحمیل و نفوذ قدرت‌های خارجی و نداشتن سرسازش با این قدرت‌ها، اهتمام به تعبد و عمل فردی و ایستادگی در برابر سلطه‌های شیطان نفس و وسوسه‌های نفسانی، اهمیت دادن به توانایی و استقلال ملت‌ها و اصل دانستن آن‌ها، اصرار به وحدت مسلمین و مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار، اصرار بر داشتن روابط سالم با دولت‌ها و پرهیز از آن در مقابل دولت‌های استکباری، متجاوز و ظالم، اصرار بر شکستن حصار تحجر و التقاط در فهم و عمل اسلامی و التزام به اسلام ناب؛ و به عبارتی مرزبندی روشن، هم با اسلامی متحجر و هم با اسلام سکولار، نقش محوری دادن به نجات محرومین و تأمین عدالت اجتماعی، توجه ویژه به مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و رژیم غاصب صهیونیستی، حفظ وحدت ملی و ایجاد یکپارچگی در میان ملت ایران، حفظ مردمی بودن حکومت و ایجاد رابطه با مردم و حفظ ارتباط با آن‌ها، اعتماد به وعده‌های الهی و بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی به زورگویان. اما ارزش‌ها در ایران اسلامی، صرفاً مسیر و چگونگی اصول



حرکت را روشن نمی‌کند و در نگاهی کارآمد به امکانات توجهی ویژه دارد. این امکانات و ظرفیت‌هایی در اختیار نظام اسلامی، گاه صورتی غیرمادی دارد، که از مهم‌ترین آن‌ها، نصرت، عنایت و امداد الهی، ولایت و رهبری توانا، حمایت و پشتوانه مردمی، قانون اساسی مترقی، شجاعت و قدرت ملت و اعتقاد مردم به اسلام، هستند. امکانات مادی بخش دیگر از ظرفیت‌ها هستند که از مهم‌ترین آن‌ها، موقعیت جغرافیایی، سرزمین سرشار از برکات الهی و امکانات طبیعی، نیروی انسانی انقلابی و با هوش، دارا بودن بازار مناسب و در دسترس، زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، تجربه‌های مدیریتی متراکم و جمعیت زیاد و جوان است.

ضلع مهم دیگر ارزش‌ها، که از واقع‌نگری و کارآمدی شان خبر می‌دهد، زیر نظر داشتن مجموعه‌ای موانع درونی و بیرونی نظام است. در بخش نخست، باید از ایستایی، تبلی و بی‌بندوباری، بدبینی و بی‌اعتمادی به مسئولان، بدبینی و سوءظن به یکدیگر، خودباختگی و عدم اعتماد به نفس ملی در برخی افراد، سستی بیش و ایمان انقلابی و اسلامی برخی مسئولان، ضعف بعضی از مدیریت‌ها، وابستگی فرهنگی و اقتصادی، ضعف در وجدان کاری، وابستگی به نفت، روشنفکران بیمار، فساد اقتصادی، باقی ماندن برخی از عادت‌های بد گذشته، اشرافی‌گری برخی مسئولان، واردات بی‌رویه، باور نداشتن بعضی مسئولین به ظرفیت‌ها از موانع پیشرفت کشور، بی‌توجهی به درون‌زایی در اقتصاد و قبیله‌گرایی سیاسی، یاد کرد.

موانع بیرونی نیز بیشتر به اقدامات نظام سلطه و تشکیل یک

جبهه متحد صهیونیسم امریکایی علیه نظام باز می‌گردد، که عبارت‌اند از: جنگ روانی، جنگ فرهنگی، تحریم و محاصره اقتصادی، فشار و تهدید سیاسی، فشار و تهدید نظامی، ایجاد فتنه و ناامنی در داخل کشور، نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، ایجاد اختلاف در کشور و ایجاد اختلاف در منطقه.

با توضیحات یادشده، می‌توان گفت فضای حاکم بر انتخابات در ایران اسلامی، کمتر با طرح و بسط ارزش‌های انقلاب اسلامی و در تفکیک با عملکرد مسئولین در بهره‌مندی‌شان از امکانات و عبورشان از موانع، مورد توجه قرار گرفته است. انتخابات لزوماً برای جامعه ما یادآور ارزش‌های فهرست شده نیست، هرچند این ارزش‌ها به صورت حقیقی و یا شعارگونه از سوی برخی نامزدها و حامیان‌شان مطرح می‌شود. آنچه در ادوار گوناگون غلبه داشته است، اکتفا به طرح ارزش‌های کلی و میدان‌داری وعده‌های جذاب برای مردم است. همین امر موجب می‌شود تا فرمایش مقام معظم رهبری که رأی دادن را در حقیقت رأی به ارزش‌های انقلاب می‌دانند درک نشود.<sup>۱</sup>

اما فاصله میان مردم‌سالاری دینی و انتخابات در کشور زمانی روشن‌تر می‌شود که آسیب‌های آن را نیز برشماریم. لازم به ذکر است که فهم کامل از چیستی ارزش‌ها و جایگاه آن در انتخابات

---

۱. برای نمونه، ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با اқشار مختلف مردم،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3296>، دسترسی در: ۱۳۸۴/۳/۲۵

منوط به مباحث فصل‌های بعدی است.

## فصل دوم

### انتخابات؛ نگاهی به میدان عمل

پس از ارائه تصویری کلی از اندیشه‌ای که مسبب وجود فرهنگ کنونی انتخاباتی در کشور شده است، در فصل پیش‌رو به مهم‌ترین پیامدهای دوگانه «وعده‌محوری» و «ارزش‌محوری» پرداخته می‌شود. این پیامدها می‌تواند نقش کلیدی در تصمیم‌گیری افراد و تجدیدنظر آن‌ها در دنبال‌روی از جریان‌ها و یا افکار سیاسی، ایفا نماید.



## گفتار ۱

### آسیب‌های وعده‌محوری؛ تحریف و تخریب ارکان نظام

از جمله آسیب‌های وعده‌محوری در فضای انتخابات، میدان دادن به تحریف‌ها و تخریب‌ها است.

#### وعده‌محوری و میدان دادن به تحریف حقایق

در مورد آسیب نخست، از جمله مسائلی که در طول یک دهه گذشته مورد توجه برخی پژوهشگران قرار گرفته، چستی عوامل کاهش یا افزایش مشارکت در انتخابات‌های پیشین است؛ مشارکت حداکثری از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند شاهدهی بر پیمان مجدد با آرمان‌های انقلاب اسلامی و التزام مردم به جمهوری اسلامی از یک‌سو و افزایش اعتبار نظام در سطح بین‌المللی و مصونیت بیشتر کشور از جنبه‌های گوناگون باشد. به‌ویژه این موضوع، بیشتر از سوی دشمنان و معاندان نظام اسلامی تکرار می‌شود که مردم رغبتی به شرکت در انتخابات ندارد. البته آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات و مقایسه آن با ادوار پیشین، نشان از رخدادی ویژه را ندارد، اما به‌ترتیب کمتر از زاویه مسئله نوشته حاضر به علل عدم اقبال برخی از مردم به انتخابات توجه شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد، فضای انتخاباتی، وعده‌محور

باشد یا ارزش محور، هر دو توان ایجاد مشارکت بالا را دارند. با این حال به طور خاص در کشور ما، این امر صدق نمی‌کند. وعده محوری هم سازوکارها را و هم نگرش مردم را به تدریج به سمت عدم مشارکت می‌برد. برای نمونه در این فضا، نهادهای مسئول در برگزاری انتخابات به دلیل توجه به ارزش‌ها، زیر سؤال برده می‌شوند، و یا با طرح وعده‌های ناشدنی و غیرمنطبق با قوانین یا مسیرهای مشروع، در عمل زمینه خلع وعده و بی‌اعتمادی و عدم مشارکت مردم بوجود می‌آید.

مطابق مطالعه‌ای که درباره عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در انتخابات ایران صورت گرفته، آمار و بررسی نشان می‌دهد که با وجود نقش و اهمیت فضای سیاسی، انگیزه‌های سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی، و ویژگی‌های شخصیتی یا موقعیت مکانی شرکت‌کنندگان، و ویژگی‌های نامزدهای انتخابات و سرمایه اجتماعی و تأثیری که تمامی این موارد در چند و چون مشارکت سیاسی مردم دارند، اما دو عامل اساسی و مهم می‌توانند سرنوشت‌ساز تلقی شود؛ که عبارت‌اند از موقعیت اقتصادی و اجتماعی و همچنین دینداری.<sup>۱</sup>

می‌توان با اطمینان گفت در صورتی که فضای عمومی انتخابات با محوریت وعده‌های اقتصادی و اجتماعی یا با محوریت حاکمیت

۱. مهدی محمدزاده راوندی و محسن نیازی، «تحلیل الگوی فضائل عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی انتخابات در ایران»، فصلنامه آمایش محیط، س ۱۶، ش ۶۰، بهار ۱۴۰۲، ص ۹۳ - ۱۱۳.

ارزش‌های الهی در همه جوانب باشد، مشارکت مردم بیشتر خواهد شد. اما در صورتی که همچون فضای حاکم فعلی، عموم نامزدها درصدد طرح وعده‌های مردم‌پسند باشند و در طرف دیگر بخش قابل توجهی از مردم درصدد شرکت در انتخابات در صورت اطمینان نسبی از امکان تأثیر وعده‌های اقتصادی و اجتماعی باشند، روشن است که هر عاملی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طرح چنین وعده‌هایی جلوگیری کند، می‌تواند منجر به کاهش مشارکت گردد.

آنچه باعث تبیین بهتر این تحلیل می‌شود اشاره به اصل دوم و سوم قانون اساسی و تأثیر آن بر سازوکار انتخابات است. در این دو اصل، به مجموعه‌ای از اصول بنیادین نظام همچون برقراری قسط و عدل یا استقلال در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و همچنین مجموعه اقدامات اساسی در جهت تحقق این اهداف در تمامی حوزه‌های معنوی و تربیتی، علمی و آموزشی، سیاست داخلی و خارجی اقتصاد و صنعت، دفاع و امنیت و... پرداخته شده است.

با وجود این اصول، گاه بررسی‌های شورای نگهبان منجر به احراز صلاحیت برخی از ثبت‌نام‌کنندگان نمی‌شود و به عبارت دیگر، شورای نگهبان به این جمع‌بندی نمی‌رسد که فرد مورد نظر در عملکردش تعهد لازم نسبت به اصول بنیادین یادشده و بنابراین پایبندی نسبت به شعائر و مناسک اسلامی یا مصالح نظام اسلامی و یا معیارهای اصیل انقلاب اسلامی دارد. شورای نگهبان با این



اقدام بر مبنای ارزش‌های اسلامی، در حقیقت نه از حضور آن فرد بلکه از طرح و برنامه‌هایی که می‌تولند مدیریت کشور را از ناحیه رعایت موازین شرعی و قوانین اسلامی تحت الشعاع قرار دهد، پیشگیری کرده‌است.

اما اینجاست که معاندین نظام و برخی نیز از سر غفلت، این گفتمان را تقویت می‌کنند که با حضور افراد تأیید صلاحیت شده، تحول و اصلاحات مورد نظرشان انجام نخواهد شد. در این وضعیت، می‌توان گفت کاهش مشارکت محصول ارجحیت و محوریت یافتن وعده‌ها و از حاکمیت انداختن ارزش‌ها است. شایان ذکر است که در طول چند دهه گذشته تلاش کافی برای تبیین این موضوع صورت نگرفته و حتی بسیاری از علاقه‌مندان به نظام، همچنان به شکل تلویحی، شورای نگهبان و سخت‌گیری این شورا را دلیل کاهش مشارکت می‌شمارند.

### وعده‌محوری و میدان‌دادن به تخریب

اما آسیب دیگری که محوریت یافتن وعده‌ها و در حاشیه قرارگرفتن ارزش‌ها، به دنبال دارد، میدان‌دادن به تخریب‌ها است. برای نمونه وعده‌محوری به فراهم آمدن زمینه هنجارشکنی در اقدامات و گفتارهای نامزدها و حامیان آن‌ها منجر می‌گردد.

در فضای وعده‌محور، نامزدها و حامیان او درصدد هستند تا رأی بخشی از مردم که هنوز تصمیم قطعی در مورد مشارکت ندارند را به نفع خویش جلب نمایند و هنگامی که معیار نظر گروه‌هایی از مردم و نه

چهارچوب‌ها و خطوط کلی حرکت نظام اسلامی شد، طبیعی است که وعده‌ها نه تنها با ارزش‌ها مطابقت ندارد، حتی توجهی به امکان تحقق آن با توجه به حدود اختیارات رئیس یک قوه نمی‌شود.

چنان‌که مشاهده شده است در بسیاری موارد از راهبردها یا راهکارهایی سخن به میان می‌آید که برخلاف قانون اساسی، برنامه‌ها و سیاست‌های کلی نظام و یا بیانات صریح امام خمینی یا مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در واکنشی که نسبت به این آسیب در فضای نامطلوب انتخابات داشتند، فرمودند: «راهکار بعضی افراد برای بیشتر دیده و شنیده شدن، شکست خطوط اصلی نظام است. در حالی که نظام جمهوری اسلامی، نظامی مستقر، پابرجا و جاافتاده است که با همین خطوط خدایی و مردمی در مقابل دشمنی‌ها ایستاده است.»<sup>۱</sup>

سخن این است که تا زمان تبدیل نشدن فضای انتخاباتی کشور به فضایی که وعده‌ها در پس ارزش‌ها مشاهده و دنبال می‌کند، در صورت افزایش مشارکت در کشور، نمی‌توان اطمینان داشت که منتخب مردم کسی باشد که در تنظیم راهبردهای خویش مبتنی بر قوانین و چهارچوب‌ها، حرکت می‌کند و یا در انتصابات خویش به تخصص و تعهد به صورت توأمان و یکسان می‌نگرد و یا در

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای K در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی،  
۱۴۰۰/۳/۶، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?>

تصمیمات خویش نگاهی همه‌جانبه و همراه با عقلانیت و مصلحت‌اندیشی دارد و یا در اقدامات خستگی‌ناپذیر و خالصانه و با هدف محض خدمتگزاری به مردم عمل می‌کند.

با اطمینان و با توجه به تجربه‌های پیشین ادوار انتخابات می‌توان گفت در صورتی که این فضا تغییر نکند همچنان وجود و حضور شخصیت‌های کاریزماتیک، رخدادها و اتفاقات تأثیرگذار در روحیه مردم و دیگر عوامل که معمولاً در تحقیقات بر تأثیرش در مشارکت سخن به میان آمده، نمی‌تواند به روی کار آمدن فردی اصلح کمک کند؛ و چه بسا با وجود میدان‌داری برخی رسلنه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها و... همچنین امکان ترویج دوگانه‌های کاذب چون مذاکره و تحریم، حقوق زن و حجاب و... عکس این امر احتمال بیشتری پیدا می‌کند. احتمال مطرح می‌شود که در صورت حضور نامزدهای تمامی گفتمان‌های سیاسی کشور و بالا بودن مشارکت، نامزدی پیروز انتخابات شود که از کارآمدی لازم برخوردار نباشد.<sup>۱</sup>

برای نمونه از جمله مواردی که با کار رسانه‌ای در ذهن برخی از طبقات مردم جا گرفته است، خواسته‌هایی است که دنیای غرب یعنی آمریکا و کشورهای اروپایی از ایران در حوزه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، فرهنگی و... دارند. همان‌طور که اشاره شد در

---

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. محمدرضا اخضریان کاشانی و رشید جعفرپور، «جریان‌شناسی سیاسی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۴، ش ۱۵، پاییز ۱۴۰۰، ص ۹۵.

فضای وعده‌محوری نگاه نامزدها بیش از آنکه در تنظیم با ارزش‌ها باشد، در تنظیم با خواست برخی طبقات است. اینکه تأکید بر نفوذ فضای انتخاباتی از غرب شد، اینجا نیز خود را نشان می‌دهد. در نظام‌های مبتنی بر لیبرال دموکراسی، وقت و هزینه زیادی صرف این امر می‌شود که کدام طبقه روی چه موضوعی حساسیت دارد و کدام وعده بر روی کدام قشر اثرگذار خواهد بود.<sup>۱</sup> در کشور ما نیز به‌طور مکرر دیده شده است که حتی از بیان خواسته‌های غرب در میان وعده‌ها و برنامه‌های خویش نیز دریغ نمی‌کنند. این در حالی است که عموماً خود آنان نیز مطلع‌اند که تجربه دوره‌های قبلی نشان داده است که امکان به‌کارگیری امکانات کشور را در آن مسیر ندارند و مقام معظم رهبری و دیگر نهادهای انقلابی اجازه چنین اقداماتی را که عواقب زیادی برای انقلاب اسلامی دارد، نخواهند داد. به‌طور ویژه مقام معظم رهبری بارها در این باره تذکر داده‌اند و فرمودند: «اینکه مسئولان ما یا در دوره انتخابات مثل وضع کنونی، نامزدهای انتخاباتی ما برای جلب توجه دیگران حرف‌های غربی‌ها را تکرار می‌کنند، این هیچ امتیازی محسوب نمی‌شود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوئیم که غرب می‌پسندد.»<sup>۲</sup>

همچنین در بیانی دیگر به‌طور واضح از مقابله با چنین نگاهی تأکید دارند؛ آنجا که فرمودند: «ملت ایران در انتخاب‌های خود

---

۱. برای نمونه، ر.ک. سیمور مارتین لیپست، همان، ص ۱۹۰.

۲. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6855>

توجه کنند کسانی با رأی ملت سرکار نیابند که در مقابل دشمن بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی روی کار نیابند که با تملق‌گویی به غرب، به دولت‌های غربی به دولت‌های زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. این‌ها برای ملت ایران ارزشی ندارد.<sup>۱</sup> با این حال فضای وعده‌محوری، بی‌توجه به میزان اجرایی بودن وعده‌ها است و حتی اگر وعده‌ها صورتی از آمال و آرزوی بخشی از مردم را داشته باشند، از طرح آن ابائی ندارند و چه بسا به طرح آن رغبت وجود دارد.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای K در دیدار با مردم بیجار، ۱۳۸۸/۲/۲۸، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6934>

## گفتار ۲

### آسیب‌های و عده‌محوری؛ اختلال در تصمیم‌گیری

آسیب مهم دیگر وعده‌محوری، میدان‌دادن این فضا به هیجانات و تصمیم‌هیجانی در مورد اصل شرکت در انتخابات و همچنین فردی است که از سوی مردم انتخاب می‌شود؛ فارغ از اینکه آیا او در مقام عمل نیز می‌تواند باعث تحقق عدالت، رفاه و آبادانی در کشور شود یا خیر.

#### وعده‌محوری و نسبت آن با فضای هیجانی

به عنوان مقدمه باید گفت، هیجان که از آن به عنوان یکی از حالات و فرایندهای درونی رفتار و از جمله عوامل مهم و اثرگذار در زندگی عادی و همچنین رفتار سیاسی و فرایند انتخاب یاد می‌شود، هم در رفتار شخصیت‌های انتخاب‌شونده و هم عموم انتخاب‌کنندگان بروز و ظهور پیدا می‌کند. به‌طور خاص هر دو گروه در تصمیم‌گیری خود برای آنکه خود را در معرض انتخاب قرار دهند یا شخصی را انتخاب کنند، تحت تأثیر عوامل بیرونی اعم از دوستان، اطرافیان، رسانه‌ها و جامعه خواهند بود.

در مورد دسته اول، چه انگیزه‌ای برای ورود به انتخابات وجود

دارد. در فضایی که — مطابق آنچه در فصل های پیشین گذشت — طرح وعده های اقتصادی و اجتماعی، حرف اول را می زند، شخص تلاش می کند جامعه ای که رأی آنان در انتخاب او مؤثر واقع می شود را بشناسد، نیازهای آنان در زندگی عمومی را شنیده، برای حل آنها و یا حداقل نشان دادن خود به عنوان حل کننده آن مشکلات، آن هم از هر طریق ممکن برنامه ریزی کند و با اطمینان از توان حل نیاز به میدان رقابت وارد شود و بنابراین از توان لازم برای طرح وعده هایی که به موافقت حداکثری می انجامد، برخوردار باشد. اما شناخت جامعه، نیازهای آنان و راه حل ها چگونه تعیین خواهد شد؟

اینجاست که گرایش های ملی و قومی و علائق حزبی و سیاسی، مهم ترین تأثیر را از طریق عوامل بیرونی مؤثر بر تصمیم گیری بر روی افراد خواهد گذاشت. در بسیاری موارد، تحت تأثیر فضای نیازهایی که به دلایل گوناگون — و چه بسا با اقدامات یا رسانه های خارجی و داخلی — بیشتر در نزد مردم اهمیت یافته، وعده های خود را تعیین و تصمیم به شرکت در انتخابات می گیرد. او کمتر متوجه است که شناخت او از جامعه و نیازهای آنان و راه حل های احتمالی، تحت تأثیر فشارها و حمایت های حزبی یا جناحی شکل گرفته است. فردی که با چنین نگرشی وارد میدان رقابت انتخاباتی شده، بیشترین تلاش را برای ایجاد گفتمانی اطمینان بخش در میان مردم دارد.

وعده های نامزدها در فضای به حاشیه رفتن ارزش ها، لزوماً ریشه در شناخت حقیقتی جامعه و نیازهای

اساسی آن‌ها و راه‌حل‌های معقول و ممکن در چهارچوب قوانین نظام اسلامی ندارد؛ و بنابراین در مرحله بعدی یعنی در فرصت معرفی و تبلیغات، از تمامی فرصت‌هایی که می‌تواند عواطف و احساسات و هیجانات مردم را در مسیر درست یا غلط تحت‌تأثیر قرار دهد، استفاده می‌شود.

باید اشاره شود که حتی احزاب و جناح‌های مهم و بسیار فعال که وظایف و رسالت خود را در فضای وعده‌محوری دنبال می‌کنند، شرط و توتنی در حمایت از نامزدهای انتخابات را، از یک‌سو میزان هماهنگی نگاه وی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی برجسته شده در چشم مخاطبان و از سوی دیگر توان آن نامزد در کنش‌ها و گفتارهای مؤثر در افکار عمومی و به واکنش واداشتن آن‌ها می‌داند.

امروزه به عقیده بسیاری از اندیشمندان و محققان خارجی، این وضعیت به‌طور کامل بر شرایط و فضای کلی انتخابات در غرب، حاکم است<sup>۱</sup> و حتی فراتر از میدان عمل، در عرصه فکر نیز بررسی‌ها نشان می‌دهد که عموم اندیشمندان غربی، به «هیجانات» و نقشی که در اقدام سیاست‌مداران و پیشبرد امور سیاسی دارد، توجه خاصی دارند. جالب است که این نوع از تفکر و عمل تأثیر جدی و مخربی را بر فضای حاکم انتخابات در دیگر کشورها نیز

---

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. رضاستگارپور، حسن شفیعی و محمدرضا دهشیری، «هیجان و نقش آن در انتخاب سیاسی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۲، ش ۷۴، اردیبهشت ۱۴۰۲، ص ۱۱۸-۱۱۹.



گذاشته است.<sup>۱</sup>

در طرف دیگر صحنه، مردم قرار دارند و باز هم در فضای یاد شده تحسین و تقبیح آنان از نامزدها تحت تأثیر فضای به وجود آورده رسانه‌ها و یا اقدامات برنامه‌ریزی شده نامزدها است. بنابراین در فضایی که وعده‌محور است، انتخاب‌ها و به عبارت دقیق‌تر واکنش‌هایی که صورتی ویژه می‌یابد، سیری وجود دارد که می‌تواند صحنه مشارکت سیاسی یا نتایج انتخابات را دچار شوک کند و این سیر در یک رابطه دوسویه میان انتخاب شونده و انتخاب‌کننده تمامی اجزاء خود را براساس شناختی از نیازها و راه‌حل‌ها تعریف می‌کند که لزوماً ارتباطی با واقعیت‌های جامعه و چهارچوب‌های نظام ندارد.

### کارکرد هیجان در حاکمیت وعده‌ها و ارزش‌ها

البته هیجان‌ات تنها جنبه منفی ندارد و مطابق آنچه مطرح شد، این محوریت دادن به وعده‌ها است که سبب می‌شود هیجان‌ات در مسیر اطمینان‌بخشی قرار نگیرد، اما در مقابل در صورتی که ارزش‌ها حاکم بر فضای انتخابات باشد، همان تلاش برای شناخت واقعیت جامعه ما، نیازهای حقیقی، سرنوشت‌ساز و پیش‌برنده ملت و همچنین راه‌حل‌های سنجیده و هماهنگ با چهارچوب‌ها و امکاناتی که در اختیار فرد انتخاب شده قرار دارد، با عنایت نسبت به ارزش‌ها صورت می‌گیرد. در چنین فضایی بی‌تردید تصمیم‌گیری چه از

---

۱. برای نمونه، ر.ک. سعید عبدالملکی، *مبانی روان‌شناختی سیاست*، تهران، وانیانیا، ۱۴۰۱، ص ۱۳۶.

سوی نامزدها و چه از سوی مردم نه براساس عوامل بیرونی و صرفاً نظر حامیان، طرفداران و رسانه‌ها و فضای غلبه یافته، که براساس عقلانیت، محقق خواهد شد.

این موضوع به عنوان یک تجربه و واقعیت پیش‌روی نخبگان قرار دارد که در طول دهه‌های گذشته، به‌ویژه در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، رابطه مستقیمی میان میزان و نتیجه مشارکت مردم در انتخابات با مقوله هیجان وجود داشته است.

هرگاه در طول سالیان گذاشته هیجانات در خدمت ارزش‌ها تعریف شد، نتیجه انتخابات روی کارآمدن فردی بود که کشور را از آماج تهدید دشمنان عبور داده و به پیشرفت کشور کمک کرد و در مقابل، هرگاه هیجانات به خدمت فضای وعده‌محور آمد، حتی مشارکت مردم و انتخاب فردی با آرای بالا نتوانست حرکت پرشتاب کشور تضمین کند؛ اگر گفته نشود که مانع پیشرفت گردید.

اما این هیجان‌گاه در ضمن ارزش‌ها تعریف شده است و گاه در فضای وعده‌محوری رخ نموده است. در یک بررسی کلی میزان مشارکت در ادوار گوناگون انتخابات ریاست‌جمهوری، به ترتیب ۳ انتخابات بالاترین حجم از مشارکت را به خود اختصاص داده است. انتخابات دوره دهم (سال ۱۳۸۸) با ۸۴/۸۳ درصد، انتخابات دوره هفتم (سال ۱۳۷۶) با ۷۹/۹۲ درصد و انتخابات دوره سوم (۱۳۶۰) با ۷۴/۲۶ درصد مشارکت انجام شده است. تحلیل فضای کلی این سه انتخابات که به ترتیب منجر به انتخاب

آقایان محمود احمدی نژاد، سید محمد خاتمی و حضرت آیت الله خامنه‌ای گردید، می‌تواند به خوبی تأثیر جایگاه هیجانانگیز در انتخاب مردم را در ضمن فضای حاکم وعده‌محوری و ارزش‌محوری نشان دهد.

دور سوم انتخابات ریاست جمهوری، در حالی برگزار می‌شد که کمتر از هفتاد روز از دوره قبلی انتخابات می‌گذشت. در انتخابات پیشین، شهید رجایی در آغاز فعالیت خود در حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسید. وی به عنوان رئیس جمهوری مردمی و خدمتگزار شناخته می‌شد و در عین حال، شهادت او این پیام را به جامعه می‌داد که پایبندی رئیس جمهور به ارزش‌ها تا حدی در پیشرفت حرکت نظام اسلامی مؤثر است که دشمنان وجود و حضور او را نیز در این مقام تحمل نمی‌کردند.

طبیعی بود که این رخداد تأثیر قابل توجهی در روحیه و فکر مردم داشت و بنابراین مشارکت مردم در انتخابات با فاصله‌ای اندک از انتخابات پیشین، بیش از ۱۰ درصد افزایش یافت. باید یادآور شد که در فضای انتخابات نیز ارزش‌ها حاکم بود و بیشترین تعبیر مورد استفاده توسط منتخب مردم، «حکومت اسلامی با هدف قطع ریشه استکبار و ضعف‌های اجتماعی و اقتصادی» بود.<sup>۱</sup>

اما دوره مهم دیگر از جهت مشارکت مردم در انتخابات، دوره

---

۱. طاه‌ها عشایری و دیگران، «شعار انتخاباتی دولت‌های پسا انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۷، ش ۱۰۴، زمستان ۱۳۹۹، ص ۷۳.

هفتم انتخابات ریاست جمهوری است که با حضور ۷۹/۹ درصد از مردم انجام شد. در این دوره چهره‌ای کمتر شناخته شده برای مردم وبا وجود ورود دیرهنگامی که به عرصه انتخابات داشت، فضای جامعه سیاسی را با مجموعه اقداماتی که توسط وی و حامیانش صورت می‌گرفت، تحت تأثیر قرار دارد.

فضای جامعه سیاسی اما در این دوره تغییر محسوسی یافته بود. انتظار و تأکید برخی طبقات اجتماعی و به ویژه جوانان به تغییر و تحول کاملاً محسوس بود. در چنین شرایطی خاتمی خود را متولد خانواده صاحب اندیشه و آزادی معرفی کرد. مخاطب اصلی خود را جوانان خواند. از مهم‌ترین شعارهای خود را پذیرش تکثر و تنوع در درون نظام اعلام کرد.<sup>۱</sup> از جمله مهم‌ترین وعده‌های او نیز نهادینه کردن آزادی‌های سیاسی و مدنی بود.<sup>۲</sup> همین شعارها و وعده‌ها و سوار شدن بر فضای حاکم نیازهای طبقاتی از مردم و ارائه راه‌حل‌هایی کلی که می‌توانست شامل صورت‌هایی فراتر از قانون و شرع نیز باشد، سبب شد تا نیروی مترکم موجود در طبقاتی از احزاب، گروه‌ها و به ویژه جمعیت جوان اقبال به سوی وی را رقم زند. نکته مهم این است که فضای وعده‌محور ایجاد شده، هیجانانگیز را به دست گرفته و کنترل می‌کرد.

همین رخداد با تفاوت‌هایی در سال ۱۳۸۸ نیز تکرار شد.

---

۱. برای نمونه، ر.ک. فرارو، «ویدئوی تبلیغاتی سیدمحمدخاتمی در سال ۱۳۷۶»،

دسترسی در: <https://fararu.com/fa/news/635357>، ۲ خرداد ۱۴۰۲.

۲. طاها عشایری و دیگران، همان، ص ۷۳.

میرحسین موسوی با اتکا بر حمایت بخشی از جامعه تغییر و تحول اساسی حرکت و پیشرفت کشور را مورد تأکید قرار می‌داد. وی نیز تأکید بر آزادی‌های سیاسی و مدنی داشته و از برقراری ارتباط با امریکا سخن می‌گفت.<sup>۱</sup> هیجان در فضای سیاسی کشور متأثر از همین وعده‌ها افزایشی کم‌سابقه پیدا کرد و سبب شد تا بخش قابل توجهی از جریان‌ها و احزاب سیاسی با تمام قوا بر مشارکت مردم تأکید نمایند. اینکه چرا در این دوره وی موفق به کسب حداکثر آراء نشد، سخنی دیگر است اما با اطمینان می‌توان گفت که فضای وعده‌محوری که در یک نگاه کلی از سوی تمامی نامزدها و جریان‌ها سیاسی دنبال شده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد، باعث انفجار هیجان‌ها به شکلی ناصواب گردید.

---

۱. برای نمونه، ر.ک. پایگاه خبری آفتاب، «شعار انتخاباتی میرحسین: ایران پیشرفته با قانون، عدالت و آزادی»، دسترسی در: <https://aftabnews.ir/fa/news/86725>، ۲۴ فروردین ۱۳۸۸.

## گفتار ۳

### ارزش‌محوری و حل‌گره مشارکت و انتخاب اصلح

در مقابل وعده‌محوری و آسیب‌هایش، محوریت پیدا کردن ارزش‌ها در فضای انتخابات کشور، ثمرات فراوانی به دنبال خواهد داشت که جمع این ثمرات می‌تواند دغدغه مشارکت حدکثری و همچنین، روی آوردن مردم به سوی اصلح را حل کند. در ادامه به بخشی از ثمرات مستقیم و غیرمستقیم حاکمیت ارزش‌ها در فضای انتخابات اشاره می‌شود.

#### ارزش‌محوری و آوازه دستاوردها

یکی از ثمرات غلبه یافتن ارزش‌ها در فضای انتخابات، مواجهه نامزدها و حامیان و هواداران آن‌ها و همچنین مردم، با واقعیت‌های کشور است. برای نمونه در این فضا، دستاوردهای انقلاب اسلامی نه تنها مخفی یا پوشیده نمی‌شوند، بلکه به احسن وجه فرصت ظهور و بروز پیدا می‌کنند. بنابراین، رغبت مردم برای ادامه حرکت پرتوان کشور بیشتر و بیشتر خواهد بود.

این امر نقطه مقابل شرایطی است که همگان روی وعده‌ها حساب باز کرده بودند. در آن شرایط آنچه در طول چند دهه گذشته

در کشور صورت گرفته، بزرگ دیده نمی‌شد و به عکس، هرچه نقدها محکم‌تر در خصوص عملکرد گذشتگان بیان می‌شد، می‌توانست با اقبال بخشی از مردم مواجه شود. در مقابل اما، ارزش محوری در فضای انتخابات، پیش رفت ایران را به عنوان یک پیش فرض پیش چشم همگان قرار می‌دهد و با چنین نگرشی، انتخابات به جشنی بزرگ برای ملت ایران در جهت تداوم مسیر پیشرفت معنی و مفهوم می‌یابد. جا دارد اشاره‌ای به عناوین روشن این دستاوردها شود و تصور شود که عنایت به این دستاوردها و جای‌گیری درست آن‌ها در اذهان مردم چه نظر و حسی را در درون آنان نسبت به انتخابات به وجود می‌آورد.

از جمله دستاوردهای جهانی ایران اسلامی، می‌توان به ارثه‌الگوی نه شرقی، نه غربی و شکست ابهت پوشالی استکبار، تأثیرگذاری در مسائل منطقه و فرامنطقه، احیاء هویت اسلامی و تأثیر در بیداری اسلامی، تقویت و گسترش نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی، احیای مسئله فلسطینی و قدس شریف، عزت یافتن ایران در جهان و منطقه و ایجاد روحیه وحدت و برادری اشاره داشت.

همچنین از جمله دستاوردهای اجتماعی و علمی و مذهبی می‌توان به مواردی چون خودباوری و اعتماد به نفس ملی و احساس عزت ملی، افزایش عدالت اجتماعی، افزایش امنیت اجتماعی و قضایی، تحول در ارزش‌های اجتماعی، تلاش برای اسلامی کردن قوانین کشور و حذف مقررات غیراسلامی، مردمی شدن قوای مسلح و سازمان‌دهی نیروی بسیج مردمی، کرامت بخشیدن به شخصیت

زن و معرفی الگوی زن مسلمان، مبارزه با بی‌سوادی، افزایش ظرفیت مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، ارتقا و پیشرفت علمی و پژوهشی و تقویت روحیه تحقیق، احیای مفاهیم دینی، به وجود آمدن محیطی مناسب جهت رشد کمالات اخلاقی و انسانی، احیاء و گسترش تفکر دینی و همچنین فرایض دینی، پیوند و اتحاد بین مردم و مسئولان و خارج شدن معنویت از مهجوریت، اشاره نمود.

یا می‌توان از دستاوردهای اقتصادی به خدماتی و فناوری چون، جلوگیری از غارت ثروت کشور و بیت‌المال توسط خاندان شاهنشاهی، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، رشد و پیشرفت اقتصادی نسبت به قبل از انقلاب، تلاش برای خودکفایی، سازندگی و جبران عقب‌ماندگی‌های مادی کشور، پیشرفت درون‌زا و رشد و گسترش زیرساخت‌های کشور، تأمین نیازهای اساسی و رفاهی، رسیدن به بعضی از فناوری‌های جدید دنیا و... دستیابی به صنعت پیچیده، مورد نیاز و حساس انرژی هسته‌ای، شکوفا شدن صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، احیای کشاورزی و صنعت دام کشور، محرومیت‌زدایی و رسیدگی به روستاهای کشور، پیشرفت در زمینه‌های پزشکی، درمانی و دارویی و اهتمام نظام به تولیدات و تولیدکننده داخلی یاد کرد.

در این فضای طرح دستاوردها، یکایک افراد ملت احساس می‌کند حضور او در صحنه، ضمن حفظ و صیانت از این مسیر پیشرفت، به سرعت گرفتن آن کمک خواهد کرد و از این رو از



مشارکت در انتخابات دریغ نخواهد کرد.

### ارزش‌محوری و نقش اراده الهی در تحقق امور

بُعد مهم دیگر فضای انتخاباتی ارزش‌محور، توجه به سازوکار اراده الهی و نقش آن در توفیق و سعادت روزافزون ملت‌ها است. در فضای حاکمیت ارزش‌ها مردم با نیت و اراده‌ای خالص به میدان انتخابات پای گذارده و زمینه عنایت و کمک خداوند متعال را مطابق وعده‌های قطعی، فراهم می‌کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم در آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام: ۵۷) حاکمیت انحصاری و تکوینی خود در عالم را مطرح نموده است. به این معنی که در عالم، تنها خداوند است که اراده تحقق امری را داشته و دارد.<sup>۱</sup> این موضوع امروزه بخشی از باور عموم جامعه ایرانی نیز هست؛ اما در هنگامه انتخابات به این امر مهم و کلیدی توجه نمی‌شود که تأکید بر وعده‌ها، آن هم بر پایه نگرشی که متصل به قدرت و خواست الهی نیست و عامل مهم پیشرفت کشور را نه خواست و اتکا به خداوند که خواست و اتکا به خود و حامیان می‌داند، شاید در ظاهر پیشرفتی را بوجود آورد اما با گذشت زمان و روشن شدن ثمره نهایی اقدامات، روشن می‌شود که تلاش‌ها نه تنها ثمره پیش‌بینی شده را نداشته و موجب غفلت از ظرفیت‌های دیگر موجود و یا از دست دادن فرصت‌های گرانبها برای پیشرفت حقیقی

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۶، ص ۱۷۷.

و راهبردی کشور شده است.

چنین نگرشی در قرآن کریم مورد عتاب از سوی خداوند متعال قرار گرفته است؛ آنجا که در هنگام بی‌توجهی انسان به قدرت خداوند و سرپیچی از ارزش‌ها، با تعبیر «فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (غافر: ۶۲)؛ پس (ای بندگان) از درگاه یگانه معبود حق به کجا بازگردانیده (و فریفته معبودان باطل) می‌شوید؟» خطاب می‌شود. در مقابل، تن دادن به اراده و خواست خداوند و تعریف کردن همه امور ناظر به ارزش‌های الهی، مطابق قرآن کریم، مصداق حرکت نیکوکاران دانسته می‌شود و اسباب هدایت و توانمندی انسان‌ها را بوجود می‌آورد؛ چه آنکه خداوند متعال وعده داده است که ما پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.<sup>۱</sup>

موضوع دیگری که نشان می‌دهد اساس پیشرفت اجتماعی در صورت اتکای به ارزش‌ها است، توجه و تبیین هدفدار بودن آفرینش جهان و انسان است. قرآن کریم، سراسر آیه و نشانه‌ای برای این امر است که جهان هستی بیهوده آفریده نشده است، بلکه همواره اجزاء و عناصر جهان دارای هدف و غرض است.<sup>۲</sup> اگر کسی به مشاهده جهان هستی بپردازد، نظم و قانون حاکم بر همه اجزاء و عناصر آن را در می‌یابد و پس از تفکر در این زمینه است

---

۱. «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (يوسف: ۵۶)؛ این گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید (و تصرف می‌کرد)؛ ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) می‌بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.»

۲. برای نمونه، ر.ک. آل عمران (۳)، آیات ۱۹۰ - ۱۹۱.

که آدمی پی می‌برد که این نظم حاکم بر عالم نمی‌تواند به خود اجزای جهان مستند باشد، بلکه باید به نیروی فوق عالم ماده و طبیعت متصل باشد، که هر آن فیض وجودی او انسان‌ها و جوامع را به سر منزل مقصود می‌کشاند. در این صورت، آیا انسان جز با در جریان قرار دادن خود با حرکت و مسیر تنظیم شده سعادت از سوی خداوند می‌تواند به این امر نائل آید؟ اگر در کشور ما بنای بر ایجاد زمینه سعادت دنیوی و اخروی است و هر دو هدف یعنی امنیت و رفاه دنیوی و رضایت الهی در آخرت دنبال می‌شود، آیا شخصی می‌تواند اداره امور خویش را به کسی یا کسانی بسپارد که به بخشی از حقیقت عالم پشت پا زده‌اند و شرط به هدف و مقصود رسیدن یعنی پایبندی به ارزش‌ها و تعریف کردن تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت ارزش‌ها را به معنی حقیقی کلمه، باور ندارند.

بعد دیگر اهمیت و محوریت یافتن ارزش‌ها در فضای انتخابات، توجه به صحنه حقیقی تحولات و رخدادها است. تجربه گذشته همه جوامع این حقیقت غیرقابل انکار را نمایان ساخته است که خواست و اراده انسانی و تحقق آن وابسته به شرایط و وضعیت و بلکه اتفاقات و رخدادها در سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی است. ناکام ماندن برنامه‌ها و پروژه‌های کلان در هر سطحی به دلیل پیش‌آمدها و یا پیش‌رفتن شرایط مطابق پیش‌بینی‌ها، امری کاملاً واضح است که حتی نظریات علمی مرتبط نیز همواره برای آن جایگاه و فصلی جداگانه و مؤثر در نظر می‌گیرند.

## قضاوت با شما؛ وعده‌ها حاکم شوند یا ارزش‌ها؟

با این وجود، فضای حاکم وعده‌محوری در انتخابات از اساس متزلزل است. نباید به فضای فکری غلبه یافته به جهان مدرن نگریم که نشانه‌های روشن و بدیهی در امکان فرو ریختن همه طرح‌ها و برنامه‌های‌شان با یک حادثه یا مجموعه‌ای از رخدادها، را در چهارچوب اتفاق تحلیل می‌کنند و بنابراین آن را استثنا می‌بینند. این در حالی است که نگرش ارزش‌محور خطی دیگر را دنبال می‌کند.

از زاویه نگاهی که از یک‌سو، ضمن توجه به تأثیر نیت‌ها و اقدامات انسانی، که اراده الهی را حاکم بر هر اراده‌ای می‌داند و از سوی دیگر تمامی رخدادهای عالم را در فضای خواست و مشیت الهی معنی می‌کند و رخدادهای خلاف خواست بشر را بخشی از قواعد مدیریت عالم توسط خداوند تفسیر می‌کند، وعده‌ها نیز تنها در پرتو دسته‌ای از مبانی یعنی تدبیر پیشین، تلاش مجاهدانه برای تحقق‌اش و در عین حال، خواست الهی معنا پیدا می‌کند.

### ارزش‌ها، تضمینی برای تحقق وعده‌ها

نکته بسیار مهمی که در فضای انتخابات از آن غفلت می‌شود آن است که نظام جمهوری اسلامی، اهداف کلان، سیاست‌های رسمی و قوانین و سازوکارهای مشخصی را برای حرکت کشور تعیین کرده است اما تمامی این عناصر ذیل ارزش‌های اسلامی و انسانی تعریف شده است. در این صورت چگونه می‌توان با کمک

همین عناصر اما بدون در نظر گرفتن ارزش‌ها و یا با تفسیر دل‌بخوایی و خلاف قوانین و سیاست‌های رسمی و کلان، که اساساً در دسترس رئیس‌جمهور قرار دارد، وعده‌هایی را طراحی کرده و بدان محوریت بخشید.

حقیقت این است که با محوریت یافتن ارزش‌ها، حتی وعده‌ها نیز معنا و مفهومی دیگر پیدا می‌کنند. وعده‌ها در ضمن نگرش‌های غیرالهی، هرچند صورتی از واقعیت را به نمایش گذارد، اما بیشتر ابزاری برای پیروزی در مبارزه و کسب آرای بیشتر تلقی می‌شود. اما در نگرش اسلامی، وعده‌های انتخاباتی مصداق قطعی عهد و پیمان شرعی دانسته می‌شود<sup>۱</sup> و نقض آن نه تنها مورد سرزنش قرار می‌گیرد، که از «گناهان کبیره» شمرده می‌شود<sup>۲</sup> و بنابراین نامزدها و حامیان با تمام توان خود را برای تحقق وعده‌ها مسئول می‌دانند.

باید تأکید کرد که در نگرش اجتماعی اسلام، وعده‌های انتخاباتی از حوزه وعده‌ای که میان چند فرد مطرح می‌شود و در نگاه اولیه به حقوق مدنی و فقه فردی تعلق دارد خارج می‌شود و از آنجا که با آثار حیاتی در سرنوشت کشور و بلکه امت مسلمان مؤثر است، باید در چهارچوب روشن، با بررسی تمام جانب آن قبل،

۱. برای نمونه، ر.ک. بقره(۲)، آیه ۱۷۷.

۲. محمد بن حسن نجفی، جواهر الکلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱ق، ص ۳۱۴ و ۳۲۰؛ سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، □، ۱۳۸۶، ص ۲۷۵.

اطمینان از قابلیت اجرا و تحقق مطرح شود. در این فضا نه نامزد و حامیان او حق طرح وعده‌ای را که هنوز به مقدمات آن نیاندیشیده‌اند، ندارد و عموم مردم نیز همواره با احتیاط و همچنین به عنوان یک ملاک و نه عنصر محوری، به وعده‌هایی که مطرح شده است، می‌نگرند.

### **تحقق مطالبات اصلی مردم در گرو حاکم شدن ارزش‌ها است**

نکته دیگری که باید به عنوان یک دست‌ورالعمل در تبیین اهمیت محوریت یافتن ارزش‌ها مورد تأکید قرار گیرد این است که مهم‌ترین مطالبات مردم از مسئولین در طول چند دهه گذشته، اموری است که در ضمن ارزش‌ها معنی و مفهوم و حتی امکان تحقق به شکل مورد رضایت مردم پیدا می‌کند. این موضوع هم در خصوص اهداف تعیین شده و هم ویژگی‌ها و روش‌های اقدام منتخب مردم قابل تبیین است. چنان‌که در ضمن حاکمیت ارزش‌ها مبارزه همه‌جانبه با فساد مبارزه با فاصله طبقاتی مبارزه با هرگونه ناامنی مادی و روانی و مواردی از این دست، نه به عنوان اهداف عمومی یک دولت بلکه به عنوان یک تکلیف و تعهد در برابر خداوند متعال مدّ نظر قرار می‌گیرد و منتخب مردم در این صورت، اجازه ذرّه‌ای تخطی از این مسیر را به خود نمی‌دهد. هم‌چنان‌که اگر مردم امروزه در گفتگوها و نشست و برخاست‌های خود بر عدم محافظه‌کاری و جسارت در مقابله با فساد، عدم امتناع از بیان و توجه جدی به مشکلاتی که مردم به صورت روزانه با آن مواجه‌اند، کنار گذاشتن مسئولینی که از تخصص لازم برخوردار نیستند، دنبال دیگری و پیگیری مستمر

اجرائی شدن برنامه‌ها و پروژه‌ها، دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد ظرفیت‌های حضور و فعال شدن مردم در تمامی عرصه‌ها و مواردی از این دست تأکید دارند، این سیره و منش، جز از کسی که حیات خود را با ارزش‌ها تعریف کند، ظهور نمی‌کند.

به‌علاوه، مشکلات جدی و پیچیده‌ای در کشور نیز وجود دارد که بیش از هر امر، نیازمند عدم مواجهه شتابزده، شعارگونه یا جناحی است و مشکلاتی که حل آن بیش از هر امری نیازمند مدیریت و ایجاد تعامل بین دستگاه‌ها و نهادها است. با اطمینان می‌توان گفت حل این مشکلات نیازمند روحیهٔ اعتماد به نفس و تلاش همه‌جانبه است؛ که تنها در فضای ارزش محوری می‌توان بدان امید داشت.

مشکلات گوناگون اقتصادی همچون تورم و افزایش قیمت‌ها با مشکلات اجتماعی چون طلاق و فحشاء و... و مواردی از این دست، مسائلی نیست که با راهکاری خلق الساعه و با دستور حل شود و به یقین، حاکمیت ارزش‌ها، به معنی به میدان آوردن همه امکانات و توانایی‌های کشور برای حل مشکلات با روحیهٔ جهادی و خستگی‌ناپذیر خواهد بود.

### ارزش‌ها و اطمینان از کارگزاران اصلح

ثمره مهم دیگر محوریت‌یافتن ارزش‌ها، ضمانتی جدی برای تلاش یک جریان در بها دادن به افراد متخصص و

متعهد است. افرادی که نسبتی با فساد و تبعیض و... ندارند و بلکه مسئولیت را محل خدمت همه‌جانبه به مردم و امانتی از سوی خداوند می‌بینند.

در یک مدیریت وسیع و اثربخش، گزینش مسئولان و کارگزاران، از حیاتی‌ترین امور است و در چنین نقاط حساس و حیاتی، اهمیت ارزش محوری خود را به شکل جدی نشان می‌دهد. در قرآن کریم نسبت به گزینش انسان‌ها و به‌کارگیری‌شان در امور اجتماعی، دستور مستقیم از سوی خداوند متعال وجود دارد. در آیه ۵۸ سوره نساء تأکید می‌شود که امانات را به اهل آن بسپارید؛ و بررسی مفسران به این نتیجه ختم شده است که مقام‌ها و منصب‌های دنیوی از مهم‌ترین امانات هستند که باید به اهل آن سپرده شوند.<sup>۱</sup> این موضوع در عمل و گفتار ائمه معصومان □ به شکل کاملاً مصداقی قابل مشاهده است و نتیجه آن را می‌توان در تعبیر «شایسته‌سالاری» خلاصه کرد؛ شایسته‌سالاری به معنی انتخاب اشخاص با ویژگی‌های قطعی و آزمون شده‌ای چون<sup>۲</sup> امانتداری و اهل مبارزه با خیانت به مردم، صداقت و رو راست بودن در تمامی نیت‌ها، اقدامات و تعاملات، همچنین، تقوا، دیدن مستمر خویش در نزد پروردگار و اطاعت‌پذیری تام از دستورات او، در کنار برخورداری از

۱. برای نمونه، ر.ک. محمود بن عمر زمخشری، *الکشاف*، قم، بلاغت، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۲۳؛ فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۱۲؛ سیدمحمدحسین طباطبایی، *همان*، ج ۴، ص ۳۸۷.  
۲. برای اطلاع بیشتر از جایگاه و نقش هر یک از موارد زیر، ر.ک. عبدالله توکلی و ابوالفضل گائینی، *مدیریت منابع انسانی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷۵-۱۶۱.



دانش و علم لازم و روحیه و توان لازم برای بهره‌مندی از بهترین نظرات کارشناسی، و در نهایت، برخورداری از توان تشخیص و تصمیم‌گیری به موقع و مدیریت و نظارت مؤثر بر امور، است.

مبتنی بر آنچه گذشت، امری که می‌تواند مشارکت سیاسی مردم را افزایش دهد و در عین حال به انتخابی موفق و در جهت اعتلای نظام اسلامی منجر گردد، نه تأکید و محوریت دادن به وعده‌هایی چون گشایش اقتصادی، آزادی‌های سیاسی و... بلکه دنبال کردن پیشرفت همه‌جانبه کشور و رفاه و معنویت توأمان ملت در ضمن ارزش‌ها است؛ چرا که ارزش‌ها هم از این جهت که در چهارچوب و قوانین کشور ملاک عمل قرار گرفته است، هم از این منظر که با وجود ارزش‌ها، تمامی فرایند انتخابات صورتی عقلانی و منطقی به خود می‌گیرد و هم از این جهت که رئیس‌جمهور در فضای ارزش‌ها، با به‌کارگیری توأمان تخصص و تعهد به خدمت شبانه‌روزی و مخلصانه برای مردم می‌انجامد. فضای عمومی در این صورت نه تنها با اشتیاق به مشارکت می‌اندیشد که مردم، در انتخاب افراد نیز با دقت بیشتری اقدام خواهند کرد.

## گفتار ۴

# تاریخ انتخابات و فرصت کنونی حاکمیت ارزش‌ها

همه انقلاب‌های مهم دنیا دارای پشتوانه‌ای فکری هستند که اگر از چنین پشتوانه‌ای محروم باشند، حتی در صورت پیروزی، انقلابیون در تشکیل نظام سیاسی - اجتماعی جدید دچار مشکل خواهند شد. انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلاب‌های بزرگ جهان، انقلابی برآمده از پشتوانه قوی فکری بود. در دوره ۶۰ ساله پهلوی، تمام تلاش فضای فرهنگی و رسمی کشور، نهادهای حکومتی و جریان‌های روشنفکری، در جهت نفی و طرد اسلام و اسلام‌گرایی بود. به تعبیری بارزترین مشخصه مدرنیسمی که جریان روشنفکری غیرحکومتی و حکومتی دنبال می‌کرد، سکولاریسمی بود که به نفی و طرد دین منتهی می‌شد. اما با انقلاب اسلامی و هنر بازسازی گفتمانی که توسط امام راحل و یاران ثابت قدم او شکل گرفت، ورق برگشت. با این حال جریانات فکری متعددی در درون حامیان انقلاب حضور داشتند و مرور تاریخ نشان می‌دهد که تلاش‌های خالصانه امام خمینی و یاران او در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، نظام را به نقطه کنونی رسانده است. اما این پشتوانه در مورد انقلاب اسلامی چگونه تاکنون به کمک عبور از موانع آمده است. چه خطی از سوی

رهبران دنبال شده است؟ فصل حاضر با عنایت به این نکته مهم از بیانیه گام دوم انقلاب که برای برداشتن گام‌های استوار، باید به درستی گذشته را شناخت، تنظیم شده است.<sup>۱</sup>

مرور حوادث به‌خوبی نشان می‌دهد رهبران انقلاب همواره عظم جدی در محوریت‌دادن به ارزش‌ها و حاکم نمودن آن‌ها بر فضای انتخابات داشته‌اند. در ادامه به برخی از گام‌های برداشته شده در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی در جهت حرکت به سوی حاکمیت ارزش‌ها و مقابله با خط وعده‌محوری، پرداخته می‌شود. در نهایت روشن خواهد شد که اقشار گوناگون جامعه کنونی آمادگی کامل برای تن دادن به فضای انتخابات ارزش‌محور دارد.

### مقابله با نگرش‌های سکولار و لیبرال

پس از پیروزی انقلاب، صحنه‌هایی از حضور نگرش ملی‌گرای سکولار به‌خوبی قابل مشاهده است.<sup>۲</sup> مهم‌ترین ایده این گفتمان، حکومت غیردینی بود.<sup>۳</sup> ملی‌گرایان مخالف حضور روحانیت در

---

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. بیانات امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/> message-content?id=41673

۲. برای اطلاع بیشتر، ر.ک. محمود پورعلی‌گنجی، گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳، ص ۵۰ - ۶۱.

۳. حسین بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

سیاست و به‌طور کلی حکومت دینی بودند.<sup>۱</sup> اما شورای انقلاب گام محکمی در این جهت برداشت و برای نمونه، به تصویب قانون مطبوعات اقدام نمود تا روزنامه‌ها و نشریه‌های وابسته به گفتمان ملی‌گرایی که از مخالفان سرسخت اسلام فقاهتی به‌شمار می‌آمدند،<sup>۲</sup> نتوانند به نگرشی که در مقابل اسلام ناب بود، ضربه وارد کنند. همچنین جبهه ملی همواره بر حکومت غیردینی تأکید داشت و بازسازی جامعه براساس احکام اسلامی را در دنیای جدید ناممکن می‌دانست و بر لزوم مطابقت با معیارهای حقوقی غرب پای می‌فشرد.<sup>۳</sup> در مقابل اما رهبری و ارکان نظام اسلامی با تمام توان اجرای احکام شرعی را در سراسر امور مربوط به حکومت لازم دانستند و به شدت در مقابل این جریان ایستادند. حتی هنگامی که جبهه ملی در خردادماه سال ۱۳۶۰ بیانیه‌ای علیه لایحه اسلامی قصاص صادر کرد و ضمن غیرانسانی خواندن این حکم اسلامی، هواداران خود را به راهپیمایی دعوت کرد؛ امام خمینی، ارتداد جبهه ملی را اعلام کرده و به دیگر جریان‌های سیاسی نیز تکلیف کردند تا موضع خود را با این موضوع روشن کنند.

گام بعدی اما در فضای قائلان به اسلام سیاسی تعریف می‌شد. آن دسته از جریان‌های اسلامی گفته می‌شود که اسلام را دینی،

---

۱. همان، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۶۱-۷۰.

۳. یحیی فوزی، تحولات سیاسی-اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، □، ۱۳۸۵، ص ۳۸۰-۳۸۱.

سیاسی می‌داند<sup>۱</sup> و گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است.<sup>۲</sup> دین تنها یک اعتقاد نیست بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه هیئت آدمی را دربر می‌گیرد.<sup>۳</sup> بنابراین، اسلام دارای نظریه‌ای جامع دربارهٔ دولت و سیاست است. از این رو از مفهوم‌ها و تعبیرهای اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت موجود جامعه‌های اسلامی استفاده می‌کنند و بازگشت به اسلام را برای درمان آسیب‌ها و بحران‌های جامعهٔ معاصر خواستارند. اما اسلام سیاسی در ایران اسلامی شامل گفتمان‌های گوناگونی بود که برخی با ارزش‌های انقلاب فاصله داشتند.

برای نمونه در نگرش اسلام سیاسی روشنفکری لیبرال، بر تلفیق دین با دموکراسی، تأکید بر شورا و قانون و آزادی سیاسی، تأکید می‌شد.<sup>۴</sup> این جریان با تأکید بر آزادی و دموکراسی و با تفسیر لیبرال از متون شیعی، به دنبال یاری گرفتن از مذهب در رویارویی با استبداد کهن ایرانی و ایجاد حکومتی دمکراتیک مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بود. این فرهنگ بیشتر توسط روشن فکران دنبال می‌شد. از نتایج نگرش این گروه، تأکید بر دموکراسی و شورا به جای ولایت فقیه و نظارت فقیهان بود. جریان نهضت آزادی چنین

۱. یحیی فوزی، اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی □، ۱۳۸۸، ص ۶۲.

۲. سعید بابی، هراس بنیادین اروپا ملداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمهٔ غلامرضا

جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۰.

۳. همان.

۴. حسین بشیریه، همان، ص ۳۲.

تصوری را داشت و در مرامنامه خود در زمینه ولایت فقیه بیان می‌کند: «ما نه اعتقاد داریم و نه قبول می‌کنیم که ولی فقیه را خداوند برگزیده و او خلیفه خداست، بلکه ما می‌گوییم در قانون اساسی، ارگانی به نام رهبری وجود دارد و رهبر از سوی مجلس خبرگان که اعضای آن از سوی مردم انتخاب می‌شوند برگزیده می‌شود و اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی، مشخص شده است... ما به اصل نظام ولایت فقیه اعتقاد نداریم، بلکه فقط به آن پایبندیم.»<sup>۱</sup>

در نوروز ۱۳۶۳ و همزمان با شکل‌گیری فضای انتخاباتی در کشور، اعضای نهضت آزادی تلاش کردند تا چند کرسی را در مجلس شورای اسلامی تصاحب کنند اما زمانی که با نظارت استصوابی شورای نگهبان رد صلاحیت شدند اقدام به هجمه علیه انتخابات، مجلس و شورای نگهبان کرده و با تحریم انتخابات مردم را به عدم شرکت در انتخابات تشویق کردند. اما امام راحل با قدرت در برابر این نگرش نیز ایستادند و با تبیین امر برای عموم مردم، مانع اقدامات بیشتر آنان شدند و در نهلیت در سال ۱۳۶۶ خطاب به وزارت کشور اعلام کردند که «نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند؛ و ضرر آن‌ها، به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروهک‌های دیگر، حتی منافقین

---

۱. مرامنامه نهضت آزادی، الحیات، ۱۳۷۹/۵/۱.

بیشتر و بالاتر است. «نهضت آزادی» و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند. از این جهت، گفتارها و نوشتارهای آن‌ها که منتشر کرده‌اند مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی‌الموالی امیرالمؤمنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی بر خلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است، بر خلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را - نعوذ بالله - تخطئه [نمایند]، بلکه مرتد بدانند! ویا آنکه همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم بر خلاف ضرورت اسلام است. نتیجه آنکه نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، بلید با آن‌ها برخورد قاطعانه شود، و نباید رسمیت داشته باشند.»<sup>۱</sup>

همین نگرش و مواجهه‌ها بود که باعث بیداری مردم می‌شد، تا آنکه در دوره شهید رجایی، اسلام سیاسی - فقاهتی توانست سه رکن اصلی کشور یعنی هیئت دولت، اکثریت مجلس و شورای عالی قضایی را در اختیار گیرد و ملی‌گراها (اسلام سیاسی لیبرال و ملی‌گرای سکولار) در اقلیت قرار گیرند. با این حال، تلاش‌های امام خمینی و یاران او در این مسیر ادامه داشت و عزل آیت‌الله منتظری و بازنگری در قانون اساسی، آخرین تلاش‌هایی بود که امام خمینی با تدبیر و شجاعت در جهت صیانت از ارزش‌ها در فضای سیاسی کشور، بدان اقدام نمودند. اما جا دارد تا به برخی افکار و اندیشه‌های حاکم بر فضای سیاسی کشور از سال ۱۳۶۸ که با رهبری آیت‌الله

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، همان، ج ۲۱، ص ۴۸۱ - ۴۸۲.

خامنه‌ای آغاز گردید نیز، اشاره شود.

### حاکمیت وعده‌های اقتصادی و اجتماعی بر فضای ایران

پس از جنگ تحمیلی، اهداف اقتصادی در اولویت برنامه دولت وقت قرار گرفت و همین رویکرد فضای حاکم بر عرصه رقابت‌های سیاسی را به شدت متأثر ساخت. در این دوره تأکید می‌شد که کشور به نوعی ثبات سیاسی نیازمند است تا بتواند بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی را فراهم آورد؛ و می‌توان گفت به تدریج ارزش محوری به حاشیه رفت.

جای تردید باقی نبود که روی آوردن به توسعه اقتصادی و اقتصاد بازار آزاد و ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاران به تقویت شرکت‌های خصوصی در عین حال که از جهاتی کشور را پیش می‌برد، اما اسباب حاکمیت وعده‌های اقتصادی را در فضای انتخابات به وجود می‌آورد. همین روند به شکلی دیگر در فضای انتخابات در سال ۱۳۷۶ رخ نمود. نامزد ریاست جمهوری، با وعده آزادی‌های سیاسی و مدنی روی کار آمد. در چنین فضایی از محوریت یافتن وعده‌ها، اعلام شد که با شرایطی و در جهت پیشرفت کشور، برقراری رابطه با آمریکا را ممکن و حتی لازم دانسته می‌شود. و این روند بها دادن به وعده‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با فراز و نشیب تا زمانه حاضر ادامه داشته‌است. در اینجا نمی‌توان از نقش مؤثر مطبوعات رسانه‌ها سخن به میان نیاورد. می‌توان گفت از آغاز دهه ۱۳۷۰ در ادامه روند تدریجی و نسبی آزادی مطبوعات، نشریاتی با رویکرد ملی‌گرای



سکولار و اسلام سیاسی روشنفکر وارد عرصه رقابت مطبوعاتی شدند و تأثیر زیادی در جهت‌دهی به فضای سیاسی کشور به‌ویژه در بازه برگزاری انتخابات‌های چند دهه اخیر داشتند.

### عروج شهید رئیسی و فرصت حاکمیت ارزش‌ها

نوشته حاضر فرصت و امکان ورود به تحلیل آنچه در طول دو دهه گذشته بر فضای سیاسی کشور گذشته را ندارد اما می‌توان با اطمینان گفت که رؤسای جمهور منتخب در طول چند دهه گذشته عمدتاً در فضای مناقشات سیاسی و با هجمه و فشار وعده‌ها و هیجانات به وجود آمده، روی کار آمدند. اما خبر رخدادی در ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ تمامی ایران را عزادار کرد. بالگرد حامل رئیس جمهور حجت‌الاسلام دکتر رئیسی، در حالی که وی مطابق برنامه‌ای فشرده به خدمت‌رسانی به مردم می‌پرداخت، سقوط کرد. این خبر برای بیشتر مردم قابل باور نبود و درعین حال، شوک عجیبی را به فضای سیاسی کشور وارد کرد.

رخداد سقوط بالگرد رئیس جمهور، آغازی بود بر کنار رفتن پرده‌ها از مقابل شخصیت و اقدامات او. بلافاصله وی به سیدالشهدای خدمت شهرت یافت. اخلاص او سبب شده بود تا کمتر کسی از تلاش‌های او از آغاز انقلاب و روحیه و شخصیتش اطلاع کافی داشته باشد. اما پس از این عروج شهادت‌گونه، به تدریج این فضا غلبه یافت که ارزش‌های انقلاب در این ایشان ظهور و بروز داشته است.

همین امر سبب شد تا مراسم تشییع او با حضور بی‌نظیر مردم

پس از تشییع امام خمینی، انجام گردد. پس از حاکم شدن چنین فضایی رهبر معظم انقلاب فرمودند:

«[ایشان]، هم در دوران حیاتش خالصانه خدمت کرد و خدمت‌های بزرگی کرد، هم بعد از درگذشتش یک چنین خدمت بزرگی به کشور کرد با این اجتماع مردم. اینکه مردم به مجرد شنیدن حادثه، در شهرهای مختلف، در تهران، در مشهد و در جاهای دیگر بیایند در مساجد یا میدان‌ها اجتماع کنند، خیلی معنا دارد؛ این علاقه‌ای که مردم به ایشان نشان دادند، این وفاداری‌ای که به ایشان نشان دادند، خیلی معنا دارد. ایشان مظهر شعارهای انقلاب بود؛ یعنی همان حرف‌های اصلی انقلاب از دهان ایشان خارج می‌شد و این شعارها را ایشان شعارهای خودش قرار داده بود و مردم این‌ها را از ایشان شنیده بودند. همین مردم دارند این احساسات را برای این مرد نشان می‌دهند؛ معنای این چیست؟ معنایش این است که مردم به این انقلاب و به این شعارها دلبسته‌اند.

این سران کشورها که آمدند با ما ملاقات کردند، دیدم بعضی از آن‌ها هم متوجه این نکته هستند که این تشییعی که از ایشان شد، در واقع، قوت جمهوری اسلامی را برای همه دنیا پیام می‌دهد؛ می‌فهمند که این فکر، این منطق، این مکتب، این قدر بین این مردم ریشه‌دار است. همه چیز هم مردمند؛ یعنی وقتی که مردم با یک نظامی باشند، قوت اصلی نظام از ناحیه علاقه مردم است. سرمایه اجتماعی از این بالاتر؟ این اجتماع، این گریه، این اندوه عمومی، نه فقط در تهران، [بلکه] در کل کشور؛ سرمایه اجتماعی از این

بالا تر؟ چه کسی این [کار] را کرد؟ چه کسی این را در چشم دنیا آورد؟ آقای رئیسی؛ ایشان کرد این کار را. این ها خیلی مهم است. ... [این داغ] برای خانواده اش، برای کسانش، برای همه دویستانش، برای همه ماها داغ بزرگی است، سنگین است، گریه دارد، غصه دارد؛ این ها به جای خود محفوظ، اما آن جنبه قضیه، آن روی دیگر قضیه را هم باید دید که خدای متعال در این حادثه تلخ چه برکتی قرار داد؛ در این تهدید، خدای متعال چه فرصتی را برای کشور و برای نظام و برای اسلام قرار داد.»<sup>۱</sup>

بیانات رهبر معظم انقلاب حاوی چند پیام صریح بود. نخست آنکه این رخداد سبب حاکم شدن فضای ارزش های انقلاب شده است. دیگر آنکه مردم نیز با حضور خویش ثابت کردند که به ارزش ها همچنان پایبند هستند. و سوم آنکه، روی دست گرفتن شعارهای انقلاب و اشتیاق از صاحب این شعارها، آبرویی برای نظام اسلامی در سطح جهان بود. اما جمله پایانی نشان از مأموریت و رسالت برجای مانده و قابل استفاده از این رخداد دارد.

اکنون تمامی تحلیل گران معتقدند کشور در شرایط بی سابقه ای، وارد بازه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شده است. چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حالی انجام

۱. بیانات امام خامنه ای K در جمع خانواده و نزدیکان شهید حجت الاسلام والمسلمین رئیسی، ۱۴۰۲/۳/۲، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5654>

می‌شود که امکان حاکم نمودن ارزش‌ها بر فضای انتخابات بیش از هر دوره‌ی دیگر وجود دارد. مراجعه به آراء و دیدگاه‌های عموم نخبگان البته نشان می‌دهد که فضای کلی کشور به برکت وجود آن شهید، تحت تأثیر قرار گرفته است اما این فرصت عظیم می‌تواند با غفلت جبهه‌ی انقلاب از دست رود و صحنه‌ی انتخابات بار دیگر تبدیل به صحنه‌ی وعده‌محوری و رفتارهای تحریفی و تخریبی مبدل گردد و منجر به تصمیمات هیجانی شود. چه آنکه تجربه ادوار گوناگون انتخابات نشان داده است که اگر محور اقدامات نامزدها در معرفی خود و چه در طرح برنامه‌ها و همچنین در نقد اقدامات جریان‌ها و احزاب یا مسئولین پیشین مبتنی بر فضای حاکمیت وعده‌ها باشد و اگر برنامه‌ریزی و راه حل و وعده بی‌نسبت با ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد، این امر به اختلاف و درگیری بیشتر میان نامزدها و حتی میان نامزدهایی که پایبندی جدی‌تری به اصول و مبانی انقلاب اسلامی دارند، می‌انجامد. نباید اجازه داد که ارزش‌محوری در گفتمان رئیس‌جمهوری که با روی دست گرفتن ارزش‌ها روی کار آمد و جان خویش را نیز در این مسیر تقدیم کرد و برکت و عزت و آبرویی که از این طریق در داخل و خارج برای نظام به وجود آمد، در فضای آشفته انتخاباتی از بین رود.



## فصل سوم

مشارکت و انتخاب اصلح؛  
چرا و چگونه؟



پیش از هر سخن دربارهٔ چرایی و چگونگی شرکت در انتخابات بر اساس دوگانه ارزش محوری و وعده محوری، باید اشاره‌ای به عوامل مؤثر بر فضای انتخاباتی کشور و نقطه تمرکز نوشته حاضر پرداخت.

پنج عامل انسانی مهم در فضای انتخابات در کشور وجود دارد که هم از فضای دوگانه ارزش محور یا وعده محور، تأثیر می‌پذیرند و هم بر حاکمیت ارزش‌ها یا وعده‌ها بر فضای انتخاباتی، تأثیر می‌گذارند.

نخست باید از مردم یاد کرد. مردم در طبقات گوناگون با سلايق و نگرش‌های گوناگون، با درکی که از نیازهای خود دارند و نگرشی که به نظام اسلامی و همچنین نامزدها دارند، می‌توانند در تعاملات و ارتباطات‌شان تأثیر بپذیرند یا تأثیرگذار باشند. عامل مهم دیگر نامزدها و حامیان آن‌ها هستند. در فصل‌های پیشین به ابعاد تأثیر نامزدها و حامیان آن‌ها اشاره شد. تمامی نامزدها از پشتوانه فکری برخوردارند و احتمالاً حجمی از حمایت‌های گروهی و حزبی را نیز در اختیار دارند. آن‌ها می‌توانند نماینده فضای ارزش محور باشند و می‌توانند نماینده فضای وعده محور باشند؛ در این بین البته بسیاری کسانی که خود را با توجه به فضای کشور، پایبند به ارزش‌ها معرفی کرده اما در عمل، پیروزی در انتخابات را در فضای وعده محور دنبال می‌کنند.

طرف سوم مؤثر، دستگاه‌های اجرایی و نظارت کننده بر فرایند



برگزاری انتخابات است. برخی از دستگاه‌ها همچون وزارت کشور مدیریت برگزاری انتخابات را برعهده دارد. شورای نگهبان بر تمامی فرایندهای نظارت کرده و در تأیید صلاحیت نامزدها و در نهایت تأیید آراء مردم در حوزه‌های انتخابیه نقش بسیار مهمی دارد. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان رأس ارائه تبلیغات و برنامه‌های نامزدها و ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور مردم در پای صندوق‌های رأی نقش اساسی را ایفا می‌کند؛ و...

عامل مهم و اثرگذار دیگر، رهبری معظم انقلاب و نمایندگان ایشان در دیگر شهرها یا سازمان‌ها و نهادها هستند که با رهنمودها و هدایت‌های‌شان درباره تمامی اجزاء و ارکان انتخابات، تاحد توان از آفت‌های ممکن و انحراف‌های احتمالی، جلوگیری به عمل می‌آورند. و بالاخره، عامل مهم دیگر عناصر و نهادهای وابسته به انقلاب اسلامی هستند که با بی‌طرفی به تقویت جبهه انقلاب در هر عرصه‌ای چون انتخابات می‌اندیشد و اقدام می‌کنند.

مرور عوامل مؤثر فوق این نکته را نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از تحوّل فضای انتخاباتی کشور و حاکم شدن ارزش‌ها به اصلاح سازوکارها و از جمله قوانین و اجرای قوانین برمی‌گردد؛ موضوعی که نوشته حاضر گنجایش آن را ندارد و امید است در نوشته‌ای مستقل به آن پردازیم.

در این فصل، بحث تنها به رابطه دورکن اصلی انتخابات یعنی انتخاب کنندگان (مردم) و انتخاب شونده (نامزدها و حامیان شان) اختصاص دارد. این رابطه را در ذیل دو

مسئله اساسی رایج در میان مردم یعنی «چرا باید در انتخابات شرکت کنیم» و «به چه کسی رأی دهیم» دنبال خواهد شد. اینجا است که تحقق موفقیت مردم در زندگی مادی و معنوی شان و پیشرفت کشور، بستگی به حاکم شدن فضای ارزش محور برای مشارکت مطلوب و انتخاب فرد اصلح دارد.

مقدمه‌چینی صورت گرفته در دو فصل نخست، بررسی‌های مبنایی انجام شده در باب مبانی مردم‌سالاری دینی، همچنین تعاریف، نشانه‌ها، آسیب‌ها و ظرفیت‌های ارائه شده در باب دو فضای «ارزش محوری» و «وعده محوری» در فصل‌های بعدی، همه و همه عناصری بود تا دوگانه مورد تأکید در ایده ارائه شده را در اذهان شکل دهد و با ایجاد شاخصه‌هایی برای هر یک، بینش مخاطبان را ارتقاء داده، قدرت تشخیص مخاطبان را بالا برد و روش لازم را بر تبیین این دوگانه در اختیارشان گذارد. پیشنهاد می‌شود قبل از مطالعه این بخش و برای آمادگی ذهنی بیشتر، پیوست ۱ نوشته حاضر - در پایان کتاب - مشاهده شود.

## گفتار ۱

### چرا باید در انتخابات شرکت کنیم؟

تأکید بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و وعده‌ها، بازی در زمین دشمن است.

از جمله گفتگوها و مباحثات سیاسی در جامعه، موضوع مشارکت یا عدم مشارکت است. در بسیاری از تحلیل‌ها و حتی رسانه‌هایی که به انقلابی بودن معروف و مشهورند، مشارکت مردم بر انتخابات فرع وضعیت اقتصادی مردم و رضایت مردم از زندگی‌شان دانسته می‌شود؛ برای نمونه تأکید می‌شود:

«در باره راه‌های افزایش مشارکت در انتخابات هم باید بگویم که میزان مشارکت در انتخابات و حضور مردم رابطه مستقیمی با عملکرد و کارآمدی دولت‌ها دارد. یعنی هر میزان که دولت کارآمدتر باشد، می‌تواند آمار مشارکت در انتخابات را هم بالا ببرد... بر این اساس، تلاش دولت در روزهای باقیمانده تا انتخابات باید بر حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم متمرکز باشد.»<sup>۱</sup>

---

۱. کیهان، «نقشه راه افزایش مشارکت در انتخابات»، دسترسی در:

در فصل گذشته، نشان داده شد که اهمیت مسائل اقتصادی و مثل آن در مشارکت، ریشه در فضای وعده‌محور دارد. در کشور ما این موضوع سال‌ها است توسط بسیاری القا می‌شود که محدود شدن معیشت مردم باعث جدایی تدریجی آنان از نظام اسلامی خواهد شد. این در حالی است که ملت ایران در طول سال‌های گذشته نشان داده است که امور دیگری برای او مهم‌تر از مسائل اقتصادی‌اند و آن اموری است که به ارزش‌ها بازگشت دارد. ملت ایران می‌داند با وجود دشمنی دشمنان، تأکید بر ارزش‌ها است که پایه‌های نظام را محکم‌تر کرده و رفاه و آبادانی مستمر را برای آنان و نسل بعدی محقق می‌سازد.

در اهمیت و اولویت امور دیگری برای مردم همین بس که حضور میلیونی مردم در تشییع سردار سلیمانی و همچنین شهید رئیسی که نماینده ارزش‌های انقلاب بودند، نشان می‌دهد حتی کسانی که طرفدار ارزش‌های انسانی و نه لزوماً اسلامی چون عدالت و مقابله با ظلم هستند، سر تواضع در مقابل تلاش‌ها و کوشش‌های این افراد فرود آوردند.

نکته دیگر آنکه حرکت در فضای وعده‌محور یعنی مشروط کردن همه چیز به اوضاع اقتصادی و باید دانست که ایران اسلامی به دلیل حجمه‌ها و دشمنی‌های بی سابقه در صحنه بین‌المللی برای عبور از این وضعیت راه آسانی را در پیش ندارد. روی دست گرفتن شعار مهم «مقاومت» از سوی رهبر معظم انقلاب نیز نشان می‌دهد؛ اتکا به

وعده‌ها، بازی کردن در زمین دشمنان است؛ آنان که هر روز با فشارها، تهدیدها و تحریم‌های خود جلوی رفاه و آسایش مردم را می‌گیرند. از طرفی کشور ما از جهت اقتصادی همچنان دارای خلأها و خلل‌هایی است که دشمن از این طریق قصد ضربه زدن به ما را داشته است. بنابراین در چنین شرایطی تأکید بر مسائل و وضعیت اقتصادی صرف، سخن گفتن در فضای وعده‌محوری و بازی در زمین دشمن است. موضوعی که در گفتار دوم از فصل سوم به آن پرداخته شد.

نامزدهای انتخاباتی نیز باید بدلند که به پای صندوق کشانند مردم بر اساس وعده‌های اقتصادی صرف، حرکت در زمین بازی دشمن است. به ویژه آنکه تجربه نشان داده است اگر به هر دلیل وعده‌ها عملی نشود، مردم نسبت به مشارکت‌های بعدی خود بسیار مردد می‌شوند. این بیان بسیاری از مردم که «فقط شعار داده نشود» حاکی از چنین برداشتی است.

نامزدهایی که پایبند به ارزش‌ها هستند اما در این مسیر قرار می‌گیرند، باید بدانند که نامزدهای دیگر دستی به مراتب پرت‌تر در مطرح کردن وعده‌های کلی و جذاب در فضای هیجانی به وجود آمده خواهند داشت.

### **تنفس در فضای وعده‌محوری، مهم‌ترین دلیل عدم مشارکت**

اما فارغ از چنین فضایی، باید چگونه عمل کرد؟ به طور معمول برای عدم شرکت در انتخابات سه دلیل مطرح می‌شود؛ که عبارت‌اند از:

۱. با وجود چالش‌ها و مشکلات متعددی که در عرصه اقتصاد، فرهنگ و ... وجود دارد و فشاری که به کسب و کار مردم و معیشت آنان وارد آمده و...، چرا باید در انتخابات شرکت کرد؟
  ۲. تجربه‌های قبلی ما نشان داده است که شرکت در انتخابات چندان مفید نیست و تغییری در مسیر کشور محسوس نبوده است.
  ۳. وقتی نظام اجازه شرکت در فرایند انتخابات را به برخی از نامزدها نمی‌دهد، کسی نخواهد ماند که بتواند کشور را پیش ببرد و از این رو دلیلی برای مشارکت باقی نمی‌ماند.
- در اینجا جا دارد دلایل مطرح شده برای عدم مشارکت و همچنین دلایل مطرح شده برای مشارکت را ریشه‌شناسی شود.

مطابق آنچه در فصل‌های قبل مطرح شد، به خوبی می‌توان فهمید که تمامی دلایلی که از سوی بخشی از مردم برای عدم مشارکت مطرح می‌شود، به تنفس افراد در فضای وعده‌محوری برمی‌گردد.

در مورد دلیل نخست، همان‌گونه که اشاره شد این نگاه ریشه در فضایی است که از چند دهه گذشته توسط برخی گروه‌ها و به تقلید از فضای انتخاباتی غرب، به فرهنگ ما وارد شده است. محسوس نبودن تغییر با شرکت در انتخابات نیز به طور عمده از سوی کسانی مطرح می‌شود که باز نسبت به وضعیت اقتصادی یا اجتماعی خود رضایت کافی ندارند. اما در مورد دلیل سوم، در گفتار دوم از فصل دوم نشان داده شد که چگونه در فضای وعده‌محوری می‌توان نهادهای مسئول در تأیید صلاحیت نامزدها را

زیر سؤال برد. بر این اساس اقدامی که باید صورت بگیرد، حاکم کردن فضای ارزش‌ها است.

### پیشانی و نقصان در پاسخ به طرفداران عدم مشارکت

بررسی‌ها نشان می‌دهد در پاسخ به سه عامل مطرح شده برای عدم مشارکت، به طور معمول سه پاسخ زیر مطرح از سوی طرفداران مشارکت مطرح می‌شود.

۱. به رغم همه مشکلات، برای ادامه حرکت پیشرفت کشور و دستاوردهای بسیار به دست آمده، باید شرکت کرد. در این پاسخ به طور معمول، دستاوردها و نتایج تلاش‌های گذشته در کشور مورد تأکید قرار می‌گیرد؛

۲. به رغم همه مشکلات، برای نشان دادن انسجام در مقابل دشمن و پیشگیری از تهدیدها، باید در انتخابات شرکت کرد. این دلیل معمولاً با تأکید بیشتر بر یکی از مفاهیم مشخص شده و با تعبیری چون «تمام تلاش دشمن این است که مردم را از انتخابات ناامید کنند» یا «مشارکت حداکثری مردم در انتخابات نظام را واگسینه می‌کند»، «انتخابات، اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و قدرت چانه زنی در صحنه بین‌المللی را بیش از پیش افزایش می‌دهد» و «حضور پررنگ مردم در انتخابات، سیاست‌های جهانی را تغییر خواهد داد» و... مطرح می‌شود؛

۳. به رغم همه مشکلات، برای بیعت مجدد با نظام اسلامی، رهبری و تقویت اسلامیت و جمهوریت در نظام، باید شرکت کرد. در این بیان با تأکید بر مفاهیم فوق و با تعبیری چون بر «حضور

حداکثری در انتخابات بیعت مجدد با جمهوری اسلامی است»، «رأی دادن به منزله بیعت مجدد با رهبری است»، «انتخابات نشانه بلوغ دموکراسی دینی است»، «انتخابات نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی متکی به آراء مردم است»، «پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بر دوش آحاد مردم استوار است» و ... است.

ممکن است بدون فرض دوگانه ارزش‌محوری و وعده‌محوری، دلایل یاد شده مناسب به نظر رسد اما بر اساس این دوگانه، پاسخ‌ها به مرکز اصلی خود یعنی ارزش‌ها ارتباط پیدا نکرده است؛ و این ارتباط زمانی برقرار می‌شود که تصمیم‌گیری در دوگانه وعده‌محوری و ارزش‌محوری مطرح شود. مخاطب باید بداند که اکنون زیر چتر وعده‌محوری قرار گرفته است و بدان تعلق حقیقی ندارد.

درک این فضای دوگانه زمانی است که ریشه‌های فکر مخاطب به او نشان داده شده و سپس صورتی روشن و همه‌جانبه از ارزش‌های انقلاب اسلامی و حرکتی که در آن مسیر صورت گرفته، نزد او ترسیم گردد. در غیر این صورت، مخاطب با شنیدن دلایل یاد شده، می‌تولند به پاسخ‌های ذهنی که پیش‌تر همان رسلنه‌های تأثیرگذار بر او در اختیارش گذاشته‌اند، مراجعه کند. در این فضا، دستاورد برای جمهوری اسلامی تا زمانی که برای نمونه در سفره مردم و معیشت آن‌ها خللی وجود دارد، بی‌معنا دانسته می‌شود. سخن‌گفتن از دشمن، نوعی عقب‌نشینی و دست‌خالی بودن نظام از دفاع از خود تفسیر می‌شود و بیعت با رهبری امری خواننده



می‌شود که فرار رو به جلو برای پوشاندن وضعیت فعلی جامعه است.

### تصویر روشن از ارزش‌های انقلاب اسلامی

یکی از مشکلات جدی در جهاد تبیین پرداخت نادرست به جوانب ارزش‌ها است. پیش‌تر اشاره شد که نداشتن تفکیک میان ارزش‌های انقلاب و چگونگی حرکت به سوی آن است، یکی از خطاها است. مخاطب باید بداند که آنچه در طول چند دهه گذشته رخ داده، لزوماً ارتباطی با انقلاب اسلامی ندارد. رأی دادن در کشور، رأی دادن به اهداف و اصول است و نه بی‌تحریکی و بی‌علاقگی و... که در برخی مسئولان برای حرکت به سوی این ارزش‌ها و یا پایبندی به آن‌ها وجود داشته است. ارزش‌ها در یک نگاه کلی در نمودار زیر خود را نشان می‌دهند و بی‌تردید اکثریت مردم طرفدار کامل حرکت کشور مطابق این ارزش‌های مطرح شده در قانون اساسی و اسناد و برنامه‌های کشور هستند. آن‌ها باید بدانند که اصل مشارکت به معنی طرفداری از این ارزش‌ها است و انتخاب افراد در گام بعدی معنی پیدا می‌کند. به‌علاوه با مرور این ارزش‌ها متوجه می‌شویم که کمتر تلاش شده است تا در گفتگو با مخاطبین با نگاهی جامع به ارزش‌ها و اهمیت آن‌ها پرداخته شود.

## قضاوت با شما؛ وعده‌ها حاکم شوند یا ارزش‌ها؟



همان‌طور که اشاره شد، باید عملکرد مسئولین از ارزش‌ها جدا شود و برای مخاطبان توضیح داده شود که البته تحقق این ارزش‌ها می‌تولند به چگونگی حرکت افراد در مسیر تحقق ارزش‌ها مربوط باشد.



## گفتار ۲

### به چه کسی رأی دهیم؟

پیش از پاسخ دادن به مسئله مورد نظر، باید به چند نکته توجه داشت. نخست اینکه به نظر می‌رسد هم‌اکنون، حتی بخش قابل توجهی از جامعه مذهبی علاقه‌مند به نظام اسلامی نیز به دلیل پیچیدگی‌های موجود فضای انتخابات از تلاش محسوس برای اقدام در این راستا باز ایستاده‌اند و در عمل در فضای رقابت در وعده‌های جذاب‌تر و قابل قبول‌تر حرکت می‌کنند. برای مثال از جمله مهم‌ترین موانع در برابر رأی‌دهندگان، دشواری شناسایی نامزد منتخب با اولویت دادن به ارزش‌ها است. عوامل گوناگونی موجب پیچیدگی این امر می‌شود. بیش از هر چیز، این موضوع از سوی برخی روشنفکران مطرح می‌شود که اگر مقصود از ارزش‌ها، مبانی، اصول و اهداف دین اسلام است، این اول مسئله است که مبتنی بر کدام تفسیر و خوانش از اسلام به این ارزش‌ها تمسک می‌کنیم. خارج از حیطه نظر، پیچیدگی‌های بیرونی‌ای نیز وجود دارد.

بارها مشاهده شده است که افراد در پذیرش اصول و فروع و ضروریات دین و لزوم اعتقاد پایبندی به آن‌ها هیچ اختلاف نظری ندارند و چه بسا گفته می‌شود که پذیرش و اطمینان از پایبندی به این امور پیش‌تر توسط شورای نگهبان در مورد تمامی نامزدها تأیید

شده است. حتی یک گام فراتر، مشاهده می‌شود که در ادوار گوناگون انتخابات ریاست جمهوری، روحانیون رشدیافته در حوزه‌های علمیه توسط مردم انتخاب شده‌اند. با این حال هنگامی که به سیاست‌ها و عملکردهای آنان مراجعه می‌شود، تفاوت و تعارض‌ها پرتعداد و تعجب‌آورند. بنابراین با وجود این مانع مهم، چگونه می‌توان مبتنی بر نظام ارزش‌ها از انتخاب فردی اطمینان کسب نمود. اینجاست که به نظر موضوع حاکمیت ارزش‌ها با وعده‌ها می‌تواند کمک کند و در ادامه تلاش می‌شود به بخش مهمی از راهکارهای قابل طرح در این زمینه پرداخته شود.

اما پیش از آن، ممکن است به ذهن چنین خطور کند که در فضای کنونی که توجه مردم بیش از هر امر به معیشت و وضعیت اقتصاد کشور است، تأکید بر ارزش‌ها و حاکمیت آن‌ها نمی‌تولند باعث جلب نظر مردم نسبت به شخصیت‌های پایبند به نظام و اهداف انقلاب اسلامی باشد. به نظر می‌رسد باید به چند نکته توجه داشت.

نخست، مراجعه و تأمل در تجربه ادوار گذشته انتخابات نشان می‌دهد که فروگذاری ارزش‌ها و تعریف نکردن وعده‌ها در دین چهارچوب و بنابراین غلبه فضائی که نیازها و راه‌حل‌ها را مستقل از ارزش‌ها می‌بیند، سبب می‌شود تا نامزدهای دیگر به طرح وعده‌های ساختارشکنانه‌تر روی آورند و چنان‌که در بخش‌های قبل گذشت از قدرت مانور بیشتری از طریق عواطف، احساسات و هیجانات برخی از افشار جامعه برخوردار شوند.

نکته دوم آنکه، در فضای تأکید بر ارزش‌ها، ویژگی و

خصوصیتی وجود دارد و آن اینکه ارزش‌ها و پایبندی به ارزش‌ها قوی‌ترین ضمانت شناخت حقیقی مشکلات و نیازهای مردم، تدبیر و برنامه‌ریزی مناسب و همه‌جانبه برای آن، به‌کارگیری ابزارهای مشروع و استفاده از تمامی توان برای اجرای برنامه‌ها و... است.

نکتهٔ سوم آنکه، صد البته در جریان تلاش برای حاکم کردن ارزش‌ها بر فضا و فرایند کلی اقدامات انتخاباتی چه از سوی نهادها، سازمان‌ها و نهادهای مسئول و چه از سوی نامزدهای انتخابی در هنگام طرح برنامه‌ها یا نقد و نظرات‌شان و چه در هنگام تلاش و تبلیغی که از سوی گروه‌های مردمی در جهت کمک به تبیین ابعاد انتخابات صورت می‌گیرد، موانع متعددی وجود دارد. این موانع مسبوق به سابقه بوده‌اند و لازم است تا مجموعه‌ها یا افراد یاد شده، از پیش خود را برای حجم‌های احتمالی برای تضعیف شأن و جایگاه توجه به ارزش‌ها آماده کنند. چنان‌که در ادوار پیشین بارها در مناظرات، اقداماتی که از سوی نامزدها در جهت برقراری نسبت میان خود شخص و برنامه‌هایش با ارزش‌ها صورت گرفت و در مقابل افرادی با طعنه و کنایه این‌گونه اقدامات را با تعبیری چون شعارزدگی، بیانیه خواندن و... تفسیح نموده‌اند؛ چنان‌که در برخی مناظرات این گفتمان را مورد تأکید قرار می‌دادند که «بیست سال است که بیانیه می‌خوانند و پدر کشور را درآوردید.»<sup>۱</sup> البته به نظر

---

۱. برای نمونه، ر.ک. رهرو، حمیدرضا، پیمان جبلی و فاطمه عظیمی‌فرد، «تحلیل گفتمان انتقادی مناظره اقتصادی دو نامزد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»، رسانه‌های دیپلاری و شنیداری، دوره ۱۶، ش ۴۳، مهر ۱۴۰۱، ص ۸۹.

می‌رسد فضای حاکم بر کشور در جریان شهادت رئیس‌جمهوری که با روی دست گرفتن شعارهای انقلاب و اقدامات مخلصانه و خستگی‌ناپذیر، محبوب عموم مردم شده است، نمی‌تواند ظرفیت وسیعی را برای چنین اقداماتی محقق سازد؛ مگر آنکه در خلأ بهره‌مندی حداکثری از فضای موجود برای حاکم کردن ارزش‌ها بر فضای انتخابات، چنین امری مؤثر واقع شود.

اما با توجه به دوگانه تبیین شده در نوشته حاضر و ادله‌ای که نشان داد عملیاتی شدن وعده‌ها، به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی ایران که حرکت خود را در فضای ارزش‌محوری در قالب قانون اساسی و برنامه‌های کلی و سیاست‌های رهبری دنبال می‌کند، کاملاً وابسته به انتخاب فردی پایبند به ارزش‌ها و پشت‌کننده به وعده‌محوری است. از این‌رو در ادامه به دو راهکار کلی برای شناسایی نامزد مطلوب در این فضا، صرفاً به عنوان نمونه، اشاره می‌شود.

### **راهکار ۱. شناسایی نامزدها با تأکید بر شخصیت‌های تجربه شده و معیار**

اما در مقام تبیین، تمامی گروه‌های دغدغه‌مند نسبت به ایران اسلامی و ارزش‌های انقلاب نیازمند راهکار و محتوا برای حاکم کردن ارزش‌ها بر فضای حاکم بر انتخابات دارند؛ و به‌نظر می‌رسد اقدام مؤثر و اساسی در شرایط کنونی را، طرحی که از آن در بخش‌های پیشین مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، رهنمودهای امام راحل و مقام معظم رهبری و تجربه‌های گذشته از آن سخن به میان

آورد، باشد؛ که عبارت است از تبیین جوانب اصل به اثبات رسیده و ضروری، یعنی «حاکمیت ارزش‌ها بر وعده‌ها» و همچنین تبیین آثار و نتایج آن.

الف) در بخش‌های قبلی توضیح داده شد که وعده‌محوری در فضای انتخابات چیست و چه نشانه‌هایی و آسیب‌هایی را به همراه دارد و در مقابل ارزش‌محوری در انتخابات چگونه و با توجه به چه ابعادی رخ می‌نماید و چه پیامدهای مثبتی دارد. این دوگانه، ناظر به آنچه از استدلال‌ها و شواهد در بخش‌های پیشین ذکر شد، بیشترین تأثیر را بر فضای جامعه خواهد داشت و در صورت جا افتادن در فضای کشور، نامزدها و حامیان آن‌ها که سود و منفعت خود را در فضای وعده‌محوری می‌بینند، کمتر به خود اجازه ورود به عرصه تحریف و تخریب و دست‌گذاوردن بر نقاط هیجانی می‌دهند و در صورت چنین شیطنتی، دیگر عوامل مؤثر با توجه به آمادگی ذهنی جامعه، امکان پاسخ به او را با توجه به این دوگانه و لزوم پرهیز از به حاشیه راندن ارزش‌ها را پیدا می‌کنند؛

ب) صد البته این اعتقاد و گفتمان می‌تواند در کشور با کمک از مشی و عملکرد شهید رئیسی بر فضای انتخابات مستولی گردد. برای نمونه باید تبیین نمود که وی در دو دوره شرکت در انتخابات چه هدف، مشی و شیوه‌ای داشت و این مواجهه او با انتخابات با توجه به ایمان به اهمیت فضای ارزش‌محوری با هدف جلب اعتماد مردم به نظام و همچنین اجازه تشخیص منطقی و غیرهیجانی به آن‌ها بود. البته نوشته حاضر در مقام بیان این موارد و مصادیق نبوده



و صرفاً به دو مثال در چگونگی بهره‌مندی از شخصیت و اقدامات شهید رئیسی در الگوی تبیینی پیشنهادی کتاب حاضر، اکتفا می‌شود.

— برای نمونه رئیس‌جمهور چرا وارد کارزار انتخابات می‌شود. شهید رئیسی نشان داد که حضور در صحنه انتخابات برای رضای خدا و به جهت تکلیفی که با توجه تجربه، تخصص و تدبیری که در خود احساس کرده، است. وی بارها در جمع اطرافیان گفته بودند که هیچ علاقه‌ای برای ورود به عرصه نداشته اما احساس تکلیف کرده و گرنه ایشان در قوه قضائیه نشسته بود و محبوبیتش هم هر روز بیشتر می‌شد اما وارد عرصه انتخابات برای دولتی شد که این حجم از مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی را به ارث می‌برد؛ چنین اقدامی جز برای عمل به تکلیف معنای دیگری ندارد. این درحالی است که در فضای وعده‌محور، فرد با اتکای به نظرات دیگران و یا حمایت افراد، بدون اطمینان از امکان اصلاح امور جامعه و توانایی اش نسبت به این امر وارد انتخابات می‌شود؛

— نمونه دیگر آنکه شهید رئیسی در طول زمان نامزدی و یا مسئولیت، برای همه‌ها و تهمت‌ها و... ارزشی قائل نبوده و بر برنامه‌ها و راه‌حل‌های خویش مبتنی بر نگاه تخصصی و همه‌جانبه تمرکز داشت. چنان‌که مردم بارها این سخن را از شهید رئیسی شنیده بودند که بنده به عنوان طلبه همواره سعی کرده‌ام در بین مردم و برای مردم باشم. من برای مردم، به هیچ عنوان به تهمت‌ها،

تخریب‌ها و شایعات توجهی نخواهم کرد.<sup>۱</sup> بارها نقل می‌شود که پاسخ هیچ یک از تهمت‌ها را نمی‌داد و حتی به فردی که سواد او را، باوجود مدارک تحصیلی حوزوی و دانشگاهی، زیر سؤال برده بود، طلب مغفرت کرده است. اما فضای وعده‌محور، چنان‌که در بخش‌های پیش‌اشاره شد، با اثبات خود و نفی دیگری معنا پیدا می‌کند؛

پ) اقدام مؤثر دیگر آن است که عموم مردم در کشور بدانند که شهید رئیسی نشان داد که اگر پابندی به ارزش‌ها باشد و وعده‌ها و برنامه‌ها ذیل ارزش‌ها تعریف شود، آنگاه رئیس‌جمهور می‌تواند با اتکای به ارزش‌ها، رفتاری متمایز را از زمان معرفی خود به عنوان نامزد انتخابات تا خدمت به مردم در صورت کسب آراء، به نمایش گذارد. اقدامی که به جلب اعتماد عمومی نسبت به نظام به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر مشارکت در شرایط کنونی کمک فراوانی می‌کند و همچنین می‌تواند مقدمه‌ای برای شناسایی فرد اصلح توسط مردم باشد. در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود.

۱. بر اساس ارزش‌ها، امور با اولویت نیازمردم دنبال می‌شود. اقدامی که موجب شد تا شهید رئیسی به فکر کلنگ‌زنی پروژه‌های جدید نباشد و بیش از هر امری به تکمیل اقدامات از پیش وعده‌داده شده و مورد انتظار و تعقیب مردم اقدام کند. اما در نگاه وعده‌محور،

---

۱. پایگاه خبری تحلیلی صراط، «رئیسی: به تهمت‌ها، تخریب‌ها و شایعات توجه نخواهم کرد»، دسترسی در: <https://www.seratnews.com/fa/news/362558>، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶.

وعده‌هایی جدید و جذاب باید داده شود. همچنین خواست گروهی و حزبی در اقدام به هر پروژه و کاری، در اولویت قرار خواهد گرفت. در فضای نخست، رئیس‌جمهور کار را پیش خواهد برد و حتی تعریف و تمجید احزاب سیاسی و گروه‌های مردمی و تقبیح و سرزنش دیگران به تغییری در نگرش و تصمیم او ایجاد نخواهد کرد اما در فضای وعده‌محور، وی حیثیت و جایگاه خود را بر عمل درست مقدم خواهد کرد؛

۲. بر اساس ارزش‌ها، پست و مقام برای رئیس‌جمهور، بی‌ارزش و امری متعفن است. این نگاه سبب می‌شود تا در تعامل با دیگر نهادهای مسئول هیچ تکبر و غرور را کنار زده و در عین حال که نسبت به انجام صحیح عمل خود حساس خواهد بود اما نتیجه را به خداوند واگذار خواهد کرد و وارد مجادلاتی که باعث هزینه برای کشور بشود، نخواهد شد. در تعامل با مردم نیز وی خود را پایین‌تر از مردم تصور خواهد کرد و همنشینی و مؤانست با مردم را به‌طور مستمر دنبال خواهد کرد و حال و وضعیت مردم در هر لحظه را دنبال خواهد کرد. هم‌چنان‌که ساده‌زیستی و زندگی مثل پایین‌ترین طبقه جامعه در تمامی عرصه‌های زندگی او پدیدار خواهد شد و به هیچ مزیتی و برتری برای خود نسبت به مردم عادی راضی نخواهد شد. اما در نگاه وعده‌محور، فرد خود را در نگاه مردم و جایگاهی که از بخشی از مردم با انتظارات خاصی گرفته، تعریف می‌کند. بنابراین برای تحقق خواست خویش، از مجادله‌ها پرهیزی ندارد. هم‌چنان‌که تلاشی برای نشست و برخاست با همه گروه‌ها در او مشاهده نمی‌شود؛

۳. مبتنی بر ارزش‌ها، از یک‌سو در مرزبندی با دشمن بسیار جدی و نترس و حساس و حساب‌شده عمل خواهد کرد و در عین حال در حفاظت از عزت مردم و حقوق آن‌ها ذره‌ای کوتاه نخواهد آمد. برای وی خود او وعده‌هایی که داده است و جایگاهی که نزد مردم دارد در اولویت قرار ندارد. او به مردم قولی بر اساس نظر کارشناسی داده است و اگر مانعی به وجود آید با تمام توان درصدد حل آن خواهد بود؛ اما در صورتی که حل مانع به خواهش و تمنا از دشمنان و یا تزییع حق بخشی از مردم مشروط شود، هرگز دست به اقدام نخواهد زد. درمقابل، عزت ملی و حقوق مردم برای کسی که در فضای وعده‌محوری حرکت می‌کند تا جایی ارزشمند است که طبقه خاصی و حزب خاصی او را ارجمند بشمارند اما اگر جایگاه او با خطر مواجه شود، از آن کوتاه خواهد آمد؛

ت) روش مؤثر دیگر توجه به آسیب‌ها و تهدیدهای تجربه شده توسط دولت‌هایی است که خود را در فضای وعده‌محوری تعریف کردند و در این فضا موفق به کسب آراء مردم شدند. البته به‌طور تفصیلی در بخش گذشته توضیح داده شد که آن‌ها به دلیل غلبه دادن به وعده‌ها از انجام بسیاری از همان وعده‌ها نیز ناتوان خواهند بود. اما نفس جدا کردن خود از ارزش‌ها چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد. تبیین این امور می‌تواند کمک کند که در صورت روی کار آمدن فرد یادشده:

- عقاید و باورهای دینی در همه سطوح اجتماعی، علمی و سیاسی، امکان ظهور و بروز و تحقق نخواهد داشت و در این

- امور عرف و عقلانیت جمعی محوریت خواهد یافت؛
- اصل به هم‌نویایی و همخوانی سیاست‌ها و عملکردها با مسیر و جهت کلی حرکت پیشرفت در دنیا خواهد بود؛
- توسعه اقتصادی و رفاه و راحت‌طلبی محور اصلی حرکت قرار گرفته و مسائل دیگر در حاشیه قرار خواهند گرفت؛
- نسبت به برنامه‌ها و الگوها یا اهداف میان‌مدت تعیین شده برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، بی‌اعتنایی صورت خواهد گرفت؛
- مشی دغدغه‌مند و دلسوز نظام اسلامی که تلاش می‌کند با حفظ حضورش در صحنه از سوءاستفاده، فساد، انحراف و... جلوگیری کند، با القابی چون تندرو و افراطی به حاشیه برده می‌شود؛
- بر ابعاد نقش دین در حوزه خصوصی تأکید می‌شود و تلاش می‌شود در حوزه عمومی قانون محوریت یابد و تفسیری از دین که آن را محدود و ناتوان در مسائل اجتماعی نشان می‌دهد، ملاک عمل قرار گیرد؛
- جنبه معنوی و قدسی از الگوهای نظام اسلامی چون امام خمینی و امام خامنه‌ای گرفته شده و عناصر مهم در حرکت این الگوها چون توکل و اعتماد به وعده‌های خداوند و مثل آن، در پس عقلانیت به حاشیه می‌رود.

راهکار ۲. نوع مواجهه با موضوعات در دو سطح

## ارزش‌محوری و وعده‌محوری

رهکار مهم دیگر مقایسه‌ای است که برای شناسایی نامزدها بر اساس مقایسه و تطبیق صورت می‌گیرد. این مقایسه در سه بخش قابل انجام است.

### ۱. نوع مواجهه با مشکلات از قبیل تورم، فاصله طبقاتی و ... .

#### در فضای وعده محور

- فراتر رفتن از ظرفیت های قانونی و نگاه آرمانی و غیرقابل اجرا
- توجه بیشتر به قصور و تقصیر های صورت گرفته و توییح صرف افراد باعث و بانی مشکلات
- ارائه راهکارهای کلی و مبهم و یا احاله دادن به برنامه جزیی نا معلوم
- توضیح صرف فرایند های حل مشکل بدون روشن بودن نتایج
- نگاه سطحی و شعارگونه با مشکل و محوریت دادن به یک بُعد آن

#### در فضای ارزش محور

- شناخت ظرفیت های قانونی برای حل مشکل و مواجهه واقع گرایانه
- توجه به ریشه های اساسی شکل گیری مشکل و برنامه اساسی برای حل مشکل
- توجه به راهکارهای جزئی و مشخص در حل مشکل
- روشن کردن نتیجه و محصول نهایی در جهت حل مشکل
- نگاه جامع و متوازن به همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با یک مشکل

## ۲. نوع مواجهه با اقلشار گوناگون مردم

### در فضای وعده محور

- ناچیز انگاشتن اقدامات صورت گرفته و تأکید بی جا بر شروع توانمند کردن یک قشر
- صرفاً از اقلشار و ویژگی های کلی آن ها نام بردن برای جلب توجه آنان
- شناخت سطحی و غیر واقعی از همه مصادیق و تأکید بر بخش خاصی از آن قشر
- کلی گویی در مورد مشکل یک قشر و عدم ارتباط ملموس با یک قشر
- طرح گلایه هایی از زبان قشر همراه با غلو و خود را و نه برنامه را محور نجات یک قشر پنداشتن

### در فضای ارزش محور

- شناخت اقداماتی که در گذشته برای آن قشر صورت گرفته و چگونگی تداوم یا تغییر رویکردها
- اصل مشکلات آن طبقه است و نه یادآوری از نام آن ها
- شناخت درستی از کمیت و کیفیت مشکل آن قشر
- اشاره به جزئیات نشان دهنده درک مشکل یک قشر و ارتباط داشتن با آن ها
- راه حل های مشخص و روشن برای حل مشکلات آن قشر مطرح می شود

### ۳. نشانه‌های تحرکات ارزش‌محور نامزدها و حامیان‌شان و

#### تحرکات و وعده‌محور

در فضای ارزش محور	در فضای وعده محور
<ul style="list-style-type: none"><li>• تصویب‌سازی منفی و لقب‌سازی برای طرف مقابل</li><li>• بحران‌سازی از وضعیت کشور</li><li>• دامن زدن به فضای شایعات</li><li>• زمینه‌سازی دخالت بیگانگان در فضای انتخابات</li><li>• جهت دادن به رویدادها صرفاً به پسند مردم</li><li>• وعده‌های مبهم اما تحریک‌کننده</li><li>• بس‌تر آفرینی نقش آفرینی گروه‌های معاند نظام</li><li>• ایجاد فضای خودی و غیرخودی و دو قطبی‌سازی</li></ul>	<ul style="list-style-type: none"><li>• نقد سازنده و توصیف حقیقی از عملکرد طرف مقابل</li><li>• تأکید بر قوام و ثبات در عین لزوم اصلاح</li><li>• تمرکز بر موضوعات اصلی و بی‌توجهی به شایعات</li><li>• جلوگیری از دخالت بیگانگان در فضای انتخابات</li><li>• تبیین رویدادها به پسند خداوند در جهت حل نیاز مردم</li><li>• وعده‌های بر پایه برنامه و پیش‌بینی اجرا</li><li>• تأکید بر مرزبندی با گروه‌های معاند</li><li>• نظر داشتن به عموم مردم جامعه و تعهد نسبت به عموم طبقات</li></ul>

#### پیوست ۱. جمع‌بندی نموداری (قابل ارائه به صورت سخنرانی و

#### قالب‌های مشابه)

تأکید می‌شود که بهره‌مندی از این دسته‌مندی منوط به مطالعه کامل کتابچه است.



### مشکل چیست؟

1. انتخابات با همه ثمرات شگرف، می تواند آفت هایی را در حین برگزاری و آسیب هایی را برای کشور به دنبال داشته باشد.
2. اطمینان لازم از مشارکت حداکثری و انتخاب فرد اصلح در انتخابات ها وجود ندارد.
- \* دلیل: غفلت از تجربه های پیشین انتخابات به دلیل: 1. مشغولیت عموم افراد و گروه های موثر در رقابت های انتخاباتی 2. مشغولیت اهل فکر و نظر به توصیف و تحلیل ما وقع انتخاباتی 3. کم توجهی به ساختارها و ساز و کارهای سیاسی و اجتماعی غری
- \* چستی انتخابات: مظهری از مردم سالاری دینی به عنوان مبنای مشارکت مردم در اداره کشور و حرکت اجتماعی به سوی سعادت دنیوی و اخروی



### چه نسبتی میان مردم سالاری دینی و انتخابات در ایران وجود دارد؟



### نتیجه آنکه

با توجه به اثبات عقلانی و منطقی مردم سالاری دینی، تحوّل باید در مورد سازوکار و فضای حاکم بر انتخابات صورت گیرد تا شاهد مشکلات یاد شده نباشیم.

\* شایان ذکر است که قوانین و رهنمودهای رهبری همواره در جهت جلوگیری از آفت ها و آسیب های موجود در انتخابات بوده است و می توان گفت در جلوگیری از فساد و از هم پاشیدگی اعتماد و انسجام عمومی در حد وسیع، موفق بوده است؛ اما همچنان ضعف ها را نمی توان کتمان نمود.

## ریشه مشکل کجاست؟

\* شباهت‌هایی که میان فضای انتخاباتی ایران با انتخابات در کشورهای دیگر وجود دارد

1. انتخابات عرصه مبارزه و دیگری بی حد و حصر نامزدها، حامیان و هوادارن آنها
2. انتخابات عرصه بهره‌مندی از همه ابزارها برای کسب قدرت و کسب مقام و ریاست
3. انتخابات عرصه تحقق منافع و خواسته‌های مشروع و گاه غیرمشروع حزبی و گروهی
4. انتخابات عرصه ایجاد تقابل و دو دستیگی و سوار شدن بر موج هیجانات و عواطف
5. انتخابات عرصه برجسته شدن نقص‌ها و همچنین نیازهای مادی و دنیوی



### فرهنگ غرب

1. اصالت دادن به انسان و نیازهای او  
مستقل از خداوند و اطاعت از او
2. اصالت دادن به معرفت تجری  
نسبت به جامعه و انقطاع از معارف الهی

جاری شدن  
آن در فضای کشور

رسانه‌های خارجی و داخلی  
حمایت غرب‌گرایان  
و...

تأثیر گذاری  
بر افسار گوناگون

تصویر موجه و مطلوبی از دین وجود ندارد  
تصویر مطلوبی از نقش مردم  
در کشور وجود ندارد  
امید و اعتماد لازم برای  
حرکت و پیشرفت کشور وجود ندارد

خاموش کردن فطرت و عقلانیت مطلوب  
و محوریت دادن به نیازهای محدود مادی

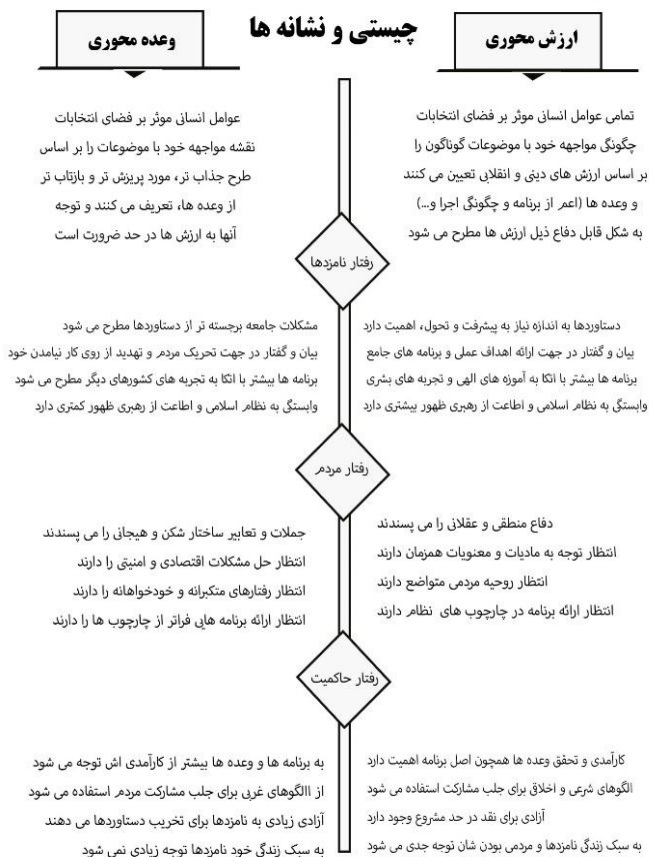
ثمره: ضمانتی غیر انسانی برای برقراری اخلاق، عدالت،  
محبت و انسجام اجتماعی، وجود ندارد.

### نتیجه آنکه

شرایط و وضعیت به سمت و سوی حرکت می‌کند که امکان تهی شدن فضا و  
رفتارهای انتخاباتی از ارزش‌ها کاملاً وجود دارد.

\* بنابراین راه حل در حکمیت مجدد ارزش‌ها بر فضای انتخابات است

(اگر دست‌آورد فرهنگ غرب در برگزاری انتخابات را «وعده محوری» یعنی هرگونه تلاش  
متکی بر مبانی یاد شده و از طریق هر ابزاری برای کسب قدرت و در جهت منافع حزبی یا گروهی  
به ویژه با اتکا به حل نیازهای اساسی دنیوی بشر (که خود را طرح و بسط وعده‌های انتخاباتی  
نشان می‌دهد) بدانیم، هدف باید حکمیت ارزش‌ها بر وعده‌ها در معنای یاد شده باشد. اما چرا؟



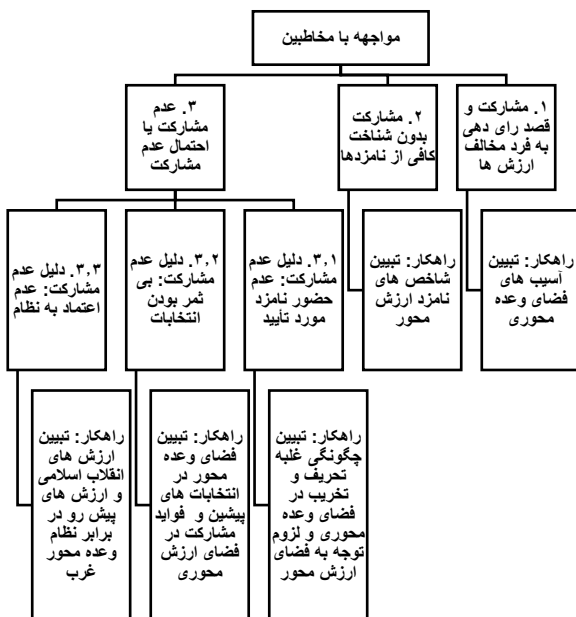
## قضایوت با شما؛ وعده‌ها حاکم شوند یا ارزش‌ها؟

وعده محوری	مقایسه پیامدها و نتایج	ارزش محوری
<p>در فضای محوریت یافتن وعده‌های اقتصادی و اجتماعی آنچه در گذشته انجام شده، با صورتی حداقلی مطرح می‌شود و بر ضرورت استفاده از آخرین فرصت‌ها برای عبور از مشکلات طاقت فرسا و آغازی دوباره تأکید می‌شود</p>		<p>در فضای ارزش محوری به سبب آنکه دستاوردهای انقلاب مهم و قابل افتخار دانسته می‌شود، به طرح گسترده آنها توجه می‌شود و ناظر به راه‌های نرفته بر لزوم همراهی و حرکت مردم در تداوم مسیر تأکید می‌شود.</p>
<p>با محوریت دادن به وعده‌ها هیچ تضمینی برای تحقق قطعی برنامه‌ها وجود ندارد. زیرا اصل و اساس برنامه منطقی و تجربه شده است. انکای لازم به کمک خداوند نمی‌شود. افراد از خستگی ناپذیری روحیه جهادی نیز برخوردار نیستند تا وعده‌ها تا حد ممکن محقق شود. به اتفاقات یکباره و بهانه تراشی‌ها در وعده‌ها اکتفا می‌شود. به ویژه وعده‌ها خارج از چارچوب‌های نظام مطرح می‌شود و عملاً قوانین اجازه تحقق کامل وعده‌ها را نخواهند داشت.</p>		<p>اعتماد و اتکای به یاری و نصرت الهی برای صالحان و اهل تقوا مورد توجه جدی قرار می‌گیرد همچنانکه چارچوب‌های قانونی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و بنابراین برنامه‌هایی ارائه می‌شود که قوانین و رهبری نظام بتوانند به شکل همه‌جانبه زمینه‌های لازم حرکت او را به وجود آورند.</p>
<p>به درک مردم احترام لازم گذاشته نمی‌شود تلاش می‌شود تا با کلمات اغواکننده و از طریق هیجانات رای مردم بدست آورده شود</p>		<p>به درک جامعه توجه جدی می‌شود و طرح برنامه‌ها، مبتنی بر پیش‌بینی‌های لازم، با اتکا به تخصص و تعهد درکنار یکدیگر و روحیه خستگی ناپذیری، مورد تأکید قرار می‌گیرد.</p>
<p>نتیجه این فضا و نگاه</p>		<p>نتیجه این فضا و نگاه</p>
<p><b>کاهش اعتماد عمومی و مشارکت حداقلی کاهش قدرت تصمیم‌گیری و عدم انتخاب اصلاح</b></p>		<p><b>افزایش اعتماد عمومی و مشارکت حداکثری افزایش قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب اصلاح</b></p>

## پیوست ۲: بهره‌مندی از محتوای کتابچه در ارتباط چهره به

### چهره

مطابق آنچه در فصل سوم گذشت، پاسخ ابتدایی و البته متناسب با فضای ذهنی مخاطب، در همه موارد زیر، توضیحی است که دربارهٔ دوگانه ارزش‌محوری و وعده‌محوری و چیستی و ریشه‌ها و نمودهای آن در جامعه داده می‌شود. سپس می‌توان بر مواردی که در نمودار ذکر شده نیز، متناسب با تصور مخاطب از مشارکت و یا انتخاب فرد مورد نظرش، استفاده کرد.



### پیوست ۳: مواجهه رسانه‌ای با الگوی «حاکمیت ارزش‌ها یا وعده‌ها»

رسانه‌ها نیز به‌طور خاص نقش ویژه‌ای در بها دادن به حاکمیت فضای ارزش‌ها در هنگام برگزاری برنامه‌های انتخاباتی با حضور نامزدها دارند. در ادامه، صرفاً به عنوان نمونه روش‌هایی برای اقدام در گفتگوها و پرسش از نامزدها و حامیان آن‌ها مبتنی بر فضای ارزش‌محور ذکر می‌شود. به عبارت دیگر نوع مواجهه کلی با نامزدها، موضوع مباحث، پرسش‌ها و... می‌تواند به شکلی باشد که مردم را نسبت به میزان پایداری افراد به ارزش‌ها و نه صرفاً حرکت مطابق وعده‌ها، مطمئن سازد.

\* این اقدام می‌تواند با تمرکز بر خود ارزش‌ها باشد؛ برای نمونه در مردم چنین انتظاری به وجود آید که منتخب‌شان:

- به سرنوشت و سعادت مردم اهمیت داده و کشور را به سمت استقلال و عدم وابستگی سوق دهد و این امور را تحت الشعاع وعده‌های خود قرار ندهد؛
- خود را پایبند به تمامی مقررات، برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها بداند و در تصویب یا ابلاغ اسناد و برنامه‌ها مطابق نظر و وعده‌های مبتنی بر نظرات گروهی و حزبی، عمل نکند؛
- فضای کشور به جای توجه صرف بر عوامل مادی مؤثر در پیشرفت انقلاب، توجه به توکل، حسن خلق و اعتماد به خدا داشته باشد و این‌گونه نباشد که با احتیاط بیش از حد در دفاع از حقوق مردم ایران و مسلمانان جهان حرکت کند؛

- دین و شریعت را بستر حرکت خود بداند و این‌گونه نباشد که عقلانیت حاکم بر جهان را بر ارزش‌های دینی مقدم کند؛  
و... -
- \* اقدام مهم دیگر مواجهه و پرسش از مسئولین چیستی و چگونه برنامه‌شان در راستای اهداف میان‌مدت یا بلندمدتی که تحقق ارزش‌ها در جامعه بدان بستگی دارد، باشد؛ همچون:
  - برنامه‌های مشخص در دستگیری از مستضعفان و محرومان؛
  - برنامه‌های مشخص برای اتکا به تولید داخلی؛
  - برنامه مشخص برای ارتقاء علوم انسانی اسلامی؛
  - برنامه مشخص برای تقویت جبهه مقاومت در منطقه؛
  - برنامه مشخص برای زیربار زور نرفتن در مذاکرات؛و... -
- \* اقدام سوم، کمک به مردم در جهت شناسایی مشی و سیره عملی یا به عبارتی روش‌هایی باشد که منتخب مردم دنبال می‌کند. مردم می‌خواهند بدانند که شخص:
  - در رفاه مطلق زندگی می‌کند یا مثل طبقه متوسط یا ضعیف؛
  - ساعات کاری برای خود تعیین می‌کند یا شبانه‌روزی در خدمت مردم است؛
  - خود را در دسترس مردم قرار می‌دهد یا امکان حضور نزد مردم را محدود می‌کند؛و... -
- \* اقدام چهارم کمک به مردم در جهت شناخت میزان پایبندی

به خواسته‌ها و دستورات رهبری در موضوعات گوناگون مورد تأکید  
معظم له، همچون:

- امنیت کامل و خودکفایی در تولید محصولات پایه غذایی؛
- مانع تراشی ذی‌نفعان واردات و جلوگیری از کاهش وابستگی در  
کالاهاى اساسی؛
- پرهیز از گره زدن اقتصاد کشور به تحریم‌های امریکا و بیان اینکه  
تا تحریم است وضع همین است؛
- استفاده از درآمدهای نفتی در جهت زیرساخت‌های کشور و  
محکم کردن بنیان‌ها و ریشه‌دار کردن اقتصاد؛
- و ...

\* اقدام پنجم پرسش از نسبتی که نامزدها با شخصیت‌های تراز  
و ارزش‌مدار در جمهوری اسلامی و ناظر به ویژگی‌های خاص  
آنان، تعریف می‌کنند.

- شهید رئیسی و خستگی ناپذیری؛
- شهید سلمیانی و ولایت‌مداری؛
- و ...

\* اقدام ششم پرسش از نسبتی که نامزدها از تفکرشان با موضوعاتی  
که غرب مبتنی بر نگاه عرفی در اسناد بین‌المللی دنبال می‌کند و بر روی  
آن تأکید دارد و برخلاف ارزش‌های اسلامی است.

- اسناد آموزش و پرورش؛
- اسناد مالی و حقوقی؛
- اسناد حقوق بشر؛
- و ...





## کتابنامه

قرآن کریم.

شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، قم، مشهور، ۱۳۷۹.  
اخضریان کاشانی، محمدرضا و رشید جعفرپور. «جریان‌شناسی  
سیاسی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰»، جامعه‌شناسی  
سیاسی ایران، دوره ۴، ش ۱۵، پاییز ۱۴۰۰، ص ۷۴ - ۱۰۱.  
ارمغان؛ دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب.  
تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

امینی، پرویز. «مؤلفه‌های پایه و شاخص‌های عینی در مردم‌سالاری  
دینی»، همایش مردم‌سالاری دینی «مجموعه مقالات دومین  
همایش مردم‌سالاری دینی»، ج ۲، ص ۱۳۱ - ۱۷۶.  
انتخاب صالحان: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت  
آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره انتخابات. تهران، انقلاب  
اسلامی، ۱۳۹۸.

ایزدی، سیدسجاد. مشارکت سیاسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و  
اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.

آشوری، داریوش. دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳.  
آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد. فرهنگ علوم سیاسی، تهران،  
چاپار، ۱۳۸۳.

بابی، سعید. هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی،

ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

باربیه، موریس. *دین و سیاست در اندیشه مدرن*، تهران، قاصدهسرا، ۱۳۸۴.

بشله، ژان. *دموکراسی*، ترجمه سعید کامران، تهران، آگه، ۱۳۹۹.  
بشیریه، حسین. *دبیاچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱.

بیگدلی، علی. «شکستن مرزهای اخلاقی در انتخابات امریکا»، دسترسی در: <https://www.pishkhan.com/news/200946>.

پارسانیا، حمید، *حدیث پیمانہ*، قم، معارف، ۱۳۹۶.  
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.

پایگاه خبری آفتاب. «شعار انتخاباتی میر حسین: ایران پیشرفته با قانون، عدالت و آزادی»، دسترسی در: <https://aftabnews.ir/fa>، news/86725، ۲۴ فروردین ۱۳۸۸.

پایگاه خبری تحلیلی صراط. «رئیس: به تهمت‌ها، تخریب‌ها و شایعات توجه نخواهم کرد»، دسترسی در: <https://www.seratnews.com/fa/news/362558>، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶.

پور علی گنجی، محمود. *گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.

تورن، آلن. *دموکراسی چیست*، ترجمه سلمان صادقی‌زاده، تهران، ثالث، ۱۳۹۹.

- توکلی، عبدالله و ابوالفضل گائینی. مدیریت منابع انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- دلیر، بهرام. الگوی نظام سیاسی در حکمت متعالیه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
- رجبعلی، اسفندیار. مؤلفه‌ها و ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی ایران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷.
- رستگارپور، رضا، حسن شفیعی و محمدرضا دهشیری. «هیجان و نقش آن در انتخاب سیاسی»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۲، ش ۷۴، اردیبهشت ۱۴۰۲، ص ۱۰۱ - ۱۳۵.
- رسولی، امیرابراهیم و محمدرضا اخضریان. «اخلاق انتخاباتی در اندیشه امام خمینی»، پژوهشنامه متین، ش ۵۳، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱ - ۲۴.
- رنجبران، داود. بیعت و مشارکت سیاسی در اسلام، قم، معارف، ۱۴۰۰.
- رهر و، حمیدرضا، پیمان جبلی و فاطمه عظیمی‌فرد. «تحلیل گفتمان انتقادی مناظره اقتصادی دو نامزد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»، رسانه‌های دیداری و شنیداری، دوره ۱۶، ش ۴۳، مهر ۱۴۰۱، ص ۶۹ - ۱۰۲.
- زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف، قم، بلاغت، ۱۳۷۳.
- سعید عبدالملکی. مبانی روان‌شناختی سیاست، تهران، و انیا، ۱۴۰۱.
- شریعتی، روح‌الله. انتخابات از نگاه فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار

الکتب الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.

طبری، محمد بن جریر. تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی. عشایری، طاها و دیگران. «شعار انتخاباتی دولت‌های پسا انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۲۷، ش ۱۰۴، زمستان ۱۳۹۹، ص ۶۳ - ۹۱.

عظیمی، فخرالدین. دموکراسی و پوپولیسم، تهران، آگاه، ۱۴۰۲. فرارو. «ویدئوی تبلیغاتی سیدمحمدخاتمی در سال ۱۳۷۶»، دسترسی در: <https://fararu.com/fa/news/635357>، ۲ خرداد ۱۴۰۲. فوزی، یحیی. اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.

\_\_\_\_\_ . تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۸۰)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.

قیصری، نوراله. «انتخابات و بسیج منابع؛ الگویی نظری در تبیین رقابت انتخاباتی»، سیاست، دوره ۵۳، ش ۲، تابستان ۱۴۰۲، ص ۳۱۵ - ۳۴۲.

کیهان. «نقشه راه افزایش مشارکت در انتخابات»، دسترسی در: <https://kayhan.ir/fa/news/283267>، ۲۸ بهمن ۱۴۰۲.

گودین، رابرت و چارلز تیلی. تحلیل سیاسی با تکیه بر شرایط و زمینه‌ها، تهران، دانشگاه امام صادق □، ۱۳۹۰.

لییست، سیمور مارتین. *انسان سیاسی*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، سمت، ۱۳۹۹.

مجلس شورای اسلامی. *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، اداره کل امور مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹.

محمدزاده راوندی، مهدی و محسن نیازی. «تحلیل الگوی فضائل عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی انتخابات در ایران»، *فصلنامه آمایش محیط*، س ۱۶، ش ۶۰، بهار ۱۴۰۲، ص ۹۳ - ۱۱۳. *میرانامه نهضت آزادی. الحیات*، ۱۳۷۹/۵/۱.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. «قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، ماده ۳۳»، دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91088>، ۵ تیر ۱۳۶۴.

مصباح یزدی، محمدتقی و محمدجواد نوروزی. *مردم‌سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.

مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۷۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.

\_\_\_\_\_ . *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.

مونک، یاشا. *مردم علیه دموکراسی*، ترجمه امیر میرحاج، تهران، کتاب پارسه، ۱۴۰۱.

میرزایی اهرنجانی، حسن، «نقش و جایگاه ارزش‌ها در تفکر

راهبردی»، مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۴،  
ص ۴.

نجفی، محمد بن حسن. جواهر الکلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی،  
۱۳۹۱ق.

Birch, Sarah, Our New voters: Brexit, Political Mobilisation and the  
Emerging Elgectoral cleavaye, 2016.

Caughell, Leslie, when playing the womax card is playing trump: Assessint  
the efficacy of Framing Campaigns as Historic, 2016.

Jones, Jennifer, J, Talk "Like a Man": the Linguistic styles of Hillary Clinton,  
2016.